

یادگار

Y A D G A R

روزنامه ششمین سالگرد تأسیس دانشگاه شهید چمران اهواز

شماره ی سوم / بهمن ۱۳۹۴



چهارمین سالگرد
تأسیس دانشگاه شهید چمران اهواز
۱۳۷۸

سکونیت طرقت کاه
کرانیت صیت
ریتیت



Y A D E G A R

سرمقاله ندا شفيعي

سلام! سومين سلام «يادگار» هم‌زمان با «بوی گل و سوسن و ياسمن» به شما تقديم می‌شود! سلامی که مؤمنانه، يادآور خون‌هایی است که سربلندی سرو انقلاب را رقم زدند. خرسندیم که در شادی این پیروزی و صمیمیت این بهار، می‌توانیم نویدبخش برپایی آیین شصتمین سال روز بنیادگذاری دانشگاه شهید چمران باشیم. این شماره از یادگار، دعوت‌نامه‌ای است که به‌تاریخ ۲۶ بهمن ۱۳۹۴ چشم در راه شماس است. این آیین، غنیمت‌پاسداشت دانشگاهی است که اوج و اعتلای دانش را در سرزمین کهن خوزستان به نمایش گذاشته است. دانشگاه شهید چمران به برکت جان‌های آگاهی قد کشیده است که خاک خوزستان اکنون از نام و نشان‌شان گهربار است.

پرچم سربلندی این بنیاد دانایی به کیمیای همراهی سازمان‌ها، نهادها، ادارات و مراکز صنعتی بر قله‌های دور دست افتخار، برافراشته شده است که امید آن داریم در این آیین، امضای حضورشان، چراغ دانش را در این سامان رنگ و روشنائی تازه‌ای بیخشد. وقت آن است که به برکت حضور خردمندانه‌ی اصحاب دانش، در سرافرازی این بنیاد، طرحی دراندازیم و این کهن بنای علم را پاس بداریم. خوزستان، نام و نشان بسیاری دارد و دانشگاه شهید چمران از قله‌های فروتن این اقلیم است که مردان و زنان نام‌آوری به عرصه‌ی دانایی و توانایی بخشیده است. مانا باد این بنای ارجمند و مانا تر باد یاد و خاطره‌ی اهالی ارجمند دانش!



تصویر نشان یادبود
شصتمین سالگرد تأسیس
دانشگاه شهید چمران



دانشگاه شهید چمران اهواز
روابط عمومی
شصتمین سالگرد تأسیس
دانشگاه شهید چمران اهواز
کلمبر بار



شهید چمران دانشگاهی مقاوم و استوار

دکتر محمد فرهادی
وزیر علوم، تحقیقات و فناوری

عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و علمی برداشته و با تربیت هزاران دانش‌آموخته‌ی فرهیخته در تأمین نیروهای متخصص و مورد نیاز کشور و منطقه نقش آفرینی کند.

اینک در آستانه‌ی شصتمین سال تأسیس این دانشگاه پرتوان و با ظرفیت و با اغتنام فرصت، از استادان، اندیشمندان، پژوهشگران و دانشجویان انتظار دارم با شناخت مسائل و مشکلات منطقه‌ای و ملی، با استفاده از روش‌های علمی، جهت تحقق سیاست‌های علم و فناوری دولت، ترویج فرهنگ کسب و کار دانش بنیان، ترویج فرهنگ کارآفرینی، با محوریت تحقیقات کاربردی در توسعه‌ی فناوری و تکمیل چرخه‌ی تبدیل علم به ثروت ایفای نقش نمایند.

به دانشگاهیان عزیز توصیه می‌کنم با استفاده از تمامی نیروها و اقوام و دیگر توانمندی‌های منطقه، در ایجاد فرهنگ مقاومت و اقتصاد دانش بنیان در جهت توسعه‌ی علمی کشور همت گمارند و زمینه‌ی احیای تمدن عظیم ایرانی-اسلامی و تحقق آرمان‌های والای انقلاب اسلامی را فراهم آورند.

امیدوارم با استعانت از الطاف الهی بتوانیم گام‌های موثری در ارتقای جایگاه علمی ایران اسلامی برداریم و در آینده‌ای نزدیک شاهد قرار گرفتن ایران عزیز در میان کشورهای برتر جهان از نظر علم و فناوری و مرجعیت علمی کشور در منطقه و جهان باشیم.

سنگین تربیت نیروی انسانی متخصص را به عهده داشته و در دوران دفاع مقدس پایگاهی مستحکم برای دانشگاهیان و دانشجویان و مرکزی برای ساماندهی نیروهای رزمی و تخصصی و درمانی و پشتیبانی و آموزشی بوده است و متحمل خسارات فراوانی شده است، اما مقاوم و استوار انجام وظیفه کرده و در دوران سازندگی نیز در بازسازی مناطق جنوب مشارکت فعال داشته است.

این دانشگاه امروز نیز با درک هوشمندانه از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های موجود توانسته است گام‌های مناسبی در

افتخار دارم در جایگاه وزیر علوم، تحقیقات و فناوری و به نمایندگی از جامعه‌ی علمی و دانشگاهی کشور، شصتمین سالروز تأسیس و فعالیت دانشگاه شهید چمران اهواز را به استادان، پژوهشگران، دانشجویان، کارکنان و مردم خون‌گرم و شهیدپرور استان خوزستان تبریک بگویم.

شکی نیست که دانشگاه شهید چمران اهواز یکی از دانشگاه‌های کهن این مرز و بوم، در منطقه‌ی استراتژیک جنوب کشور و در مجاورت ذخایر نفتی و آب‌های جنوب، از دیرباز مسئولیت و رسالت



روزی که به دانشگاه شهید چمران آمدم...

دکتر نصراله ضرغام
مشاور وزیر علوم و رئیس صندوق
حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور
و رئیس پیشین دانشگاه
شهید چمران اهواز
(۱۳۷۲-۱۳۷۴)

عمر و قدمت دانشگاه شهید چمران را ۶۰ سال نمی‌دانم؛ این دانشگاه ۱۷۰۰ سال سابقه دارد که ۳۰۰ سال، پیش از اسلام و ۱۴۰۰ سال، پس از اسلام به حیات علمی خود ادامه داده است. کاری که در دنیا انجام می‌شود و از افراد برجسته‌ی دیگر کشورها برای رشد و توسعه‌ی علمی استفاده می‌کنند، آن زمان ایرانی‌ها با استفاده از دانشمندان و فرهیختگان رومی، هندی، یونانی و ایرانی برای پایه‌گذاری این مرکز علمی انجام دادند.

دانشگاه جندی شاپور (شهید چمران فعلی) در آن زمان همراه با مدرسه‌ی نظامیه‌ی بغداد جزء مراکز علمی معتبر دنیا محسوب می‌شدند که با استفاده از افراد علمی برجسته از کشورهای مطرح آن زمان یعنی روم و هند که کشورهای سرآمد و پیشرفته‌ی

آن مقطع بودند، به صورت علمی و کارشناسی پایه‌گذاری شد. وقتی به دانشگاه شهید چمران آمدم با این تاریخچه و ظرفیت‌های بسیار بالای کادر علمی آن که زمانی جزء پنج دانشگاه اول کشور محسوب می‌شد، آشنا شدم. در دانشگاه، افرادی حضور داشتند که هم دانشمند بودند و هم علاقه داشتند که دانشگاه را از نظر علمی رشد داده و در ردیف دانشگاه‌های سرآمد کشور قرار دهند. مسئولان استان از نماینده‌ی رهبری در دانشگاه، امام جمعه‌ی اهواز، استاندار و ... علاقه و توجه ویژه‌ای به دانشگاه داشتند و پیگیر بودند که دانشگاه هم از نظر علمی و هم از لحاظ ارائه‌ی مشورت‌های تخصصی و کارشناسی به مراکز اجرایی، تولیدی و خدماتی نقش موثرتری ایفا کند.

خوزستان نقش اساسی و محوری در جنگ ایفا کرد؛ آن سال‌ها که افتخار خدمت‌گذاری به مردم خوزستان و دانشگاهیان دانشگاه شهید چمران را داشتم، جزء بهترین دوران مدیریتی‌ام محسوب می‌شود و نه تنها اعضای هیات علمی و مسئولان، بلکه کارمندان و دانشجویان دانشگاه را بسیار ساعی و علاقه‌مند دیدم و هنگامی که در فضای دانشگاه قرار گرفتم این شناخت و آشنایی بیشتر شد. آن زمان شناخت چندانی از دانشگاه نداشتم و به همین دلیل آمادگی زیادی نیز برای اداره‌ی آن نداشتم. اصرار وزیر وقت علوم، دکتر هاشمی، موجب شد این مسئولیت را بپذیرم و وقتی به دانشگاه آمدم نسبت به ظرفیت‌ها و تاریخچه‌ی آن شناخت پیدا کردم و با ظرفیت‌های خوب و بالقوه دانشگاه آشنا شدم.

مدت دو سال این افتخار را پیدا کردم که در خدمت دانشگاهیان شهید چمران و مردم بسیار خوب خوزستان باشم و دوران مسئولیتم در دانشگاه شهید چمران جزء خاطرات مدیریتی بسیار خوب در طول دوره‌ی فعالیت دانشگاهی‌ام است. در آن دوران سعی

کردم برای توسعه‌ی دانشگاه قدم‌هایی در زمینه‌ی فرهنگی بردارم. برگزاری نخستین جشنواره‌ی ورزشی برای شاداب‌تر و بانشاط‌تر کردن فضای دانشگاه از جمله اقدامات در این زمینه بود. معتقدم این ظرفیت و قابلیت در دانشگاه شهید چمران وجود دارد و ضروری است مسئولان و دانشگاهیان این دانشگاه با همکاری صمیمانه و هم‌گرایی که در فضای آن وجود دارد، این دانشگاه را نه تنها میان ۱۰ دانشگاه برتر که جزء پنج دانشگاه نخست کشور قرار دهند.

باور دارم این دانشگاه می‌تواند بهترین باشد و با در ردیف بهترین دانشگاه‌های کشور قرار گیرد و بر آموزش و پرورش منطقه تأثیر بیشتری بگذارد. سرمایه‌ی ما سرمایه‌ی علمی و اجتماعی است و پایه‌ی سرمایه‌ی علمی از مهدهای کودک و مدارس شکل می‌گیرد و در دانشگاه‌ها به شکوفایی می‌رسد. سرمایه‌ی اجتماعی نیز با کارهای علمی قابل ارتقا است و دانشگاه در جایگاهی که قرار دارد می‌تواند از علاقه‌مندی مردم به کارهای علمی پژوهشی برای سرمایه‌گذاری در زمینه‌های اجتماعی استفاده کند و بتواند این دانشگاه را به‌عنوان یک الگو در میان دانشگاه‌های کشور مطرح کند. معتقدم دانشگاه شهید چمران با وجود دانشکده‌ی علوم تربیتی موفق، باید در سطح مدارس و آموزش و پرورش تأثیرگذار باشد؛ آن‌ها را ارتقا دهد و با همکاری صمیمانه‌ای که وجود دارد سطح آموزش استان را بهبود ببخشد.

ثبات در مدیریت، لازمه‌ی اثربخشی دانشگاه بر محیط پیرامون است و باید مدیریت متفاوتی در درون دانشگاه ایجاد و این مدیریت به وزارت علوم هم منتقل شود. هرچه صمیمیت بین دانشگاهیان برای کارهای علمی به صورت گروهی و به‌کارگیری دانشجویان و استفاده از ظرفیت‌های استانی، محلی، منطقه‌ای و ملی

بیشتر باشد، قطعاً دانشگاه در زمینه‌ی آموزشی، پژوهشی، فناوری و نوآوری توان برداشتن قدم‌های بلندتری را خواهد داشت. وزارت علوم نگاه کاملاً مثبت و حمایتی دارد و مسئولان به منطقه‌ی خوزستان، مردم آن و مراکز علمی منطقه و در رأس آن دانشگاه شهید چمران اهواز نگاه ویژه‌ای دارند و مسئولان استان و دانشگاه باید برای برداشتن گام‌های بلندتر برای توسعه‌ی دانشگاه نهایت بهره را از این رویکرد مثبت ببرند. در جایگاه مشاور وزیر علوم برای هرگونه همکاری و کمک به دانشگاهیان خوزستان و شهید چمران اعلام آمادگی می‌کنم و به این موضوع افتخار می‌کنم که بتوانم گامی برای خوزستان و دانشگاهیان آن بردارم. دانشگاه در شش دهه فعالیت خود اقدامات پژوهشی ارزشمندی انجام داده و نیروی انسانی کارآمد و مؤثری را تربیت کرده است که در بخش‌های خصوصی، دولتی و عمومی منشأ اثر بوده‌اند و به‌نوعی توان بدنه‌ی

کارشناسی کشور را ارتقا داده‌اند. علم و دانش فنی و فناوری‌هایی که در نتیجه‌ی اقدامات تحقیقاتی تولید شده‌اند، از عملکرد مؤثر دانشگاه حکایت دارد؛ ضمن آن‌که دانشگاه شهید چمران، دانشگاهی است که دانشگاه‌های دیگری نیز از آن مستقل شده‌اند و به‌نوعی مادر دانشگاه‌های استان محسوب می‌شود. دانشگاه شهید چمران از نظر فرهنگی نیز بر استان تأثیرگذار بوده و در جایگاه قوه مقننه نیز شمار زیادی از نمایندگان استان در مجلس شورای اسلامی از این دانشگاه بوده‌اند که از این جهت نیز دانشگاه در سطح ملی بر روند تحولات اثرگذار بوده است. دانشگاه‌ها در سال‌های گذشته رشد کمی خوبی داشته‌اند و اکنون باید به ارتقای کیفی فعالیت‌های خود بپردازند. مرحله‌ی اول، آموزش است؛ دانشگاه‌ها از نظر آموزشی رشد کمی خوبی پیدا کرده‌اند و اکنون باید به کیفی‌سازی آموزش بپردازند و منطبق با ضرورت‌ها و نیازها، رشته‌های جدید ایجاد کنند. همچنین دانش‌آموختگان دانشگاه باید از لحاظ علمی در سطحی باشند که اندوخته‌ها و دانش کسب‌شده آن‌ها جوابگوی

نیازهای واقعی جامعه باشد. در سال‌های گذشته به مقوله‌ی پژوهش توجه ویژه‌ای شده و اکنون هدفمندکردن پژوهش‌ها مطرح است؛ پژوهش‌های انجام شده در دانشگاه‌ها، چه در سطح استادان و یا پایان‌نامه‌های دانشجویی باید در چارچوب اولویت‌های تحقیقاتی و نیازهای کشور تعریف شوند. تولید علم و چاپ مقاله ارزشمند است، اما باید به نیازهای کشور و منطقه نیز توجه شود و با انجام کارهای مطالعاتی و تحقیقاتی، مشکلات را حل و ظرفیت‌های بالقوه را شکوفا کرد و راهکار ارائه داد. پژوهش باید دو خروجی داشته باشد؛ یا در مرزهای دانش انجام شود و یا به حال جامعه مفید واقع شود. مرحله بعد در فعالیت دانشگاه‌ها تولید فناوری است و دارایی‌های فکری‌مان که به تولید ثروت منتهی می‌شود، باید افزایش یابد. در سده‌ی پیش رو، تحصیل اطلاعات، نوآوری و مقوله‌ی «قرن ذهن» مطرح خواهد شد، به همین دلیل باید خود را برای ورود به سده جدید آماده و زیرساخت‌های لازم را ایجاد کنیم.

در راستای فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی، فناوری و نوآوری باید افزایش دارایی فکری هم‌زمان با تعالی معرفتی مدنظر قرار گیرد. تعالی علمی در همه‌ی مراحل اگر بدون توجه به تعالی معرفتی انجام شود، منجر به آن چیزی می‌شود که اکنون در جهان امروز شاهد هستیم و چیزی جز جنگ، کشتار، تخریب، بی‌خانمانی و آواره‌کردن مردم را در پی نخواهد داشت. در دنیای کنونی، تعالی معنوی و معرفتی کمتر دیده می‌شود. ایران به‌عنوان کشوری اسلامی باید هر دو مسیر را به موازات در کنار هم ببیند و دانشگاه‌ها و مراکز علمی کشور به‌عنوان الگویی برای دیگر دانشگاه‌های جهان مطرح شود. دانشگاهیان شهید چمران و به‌ویژه مدیران آن برای اداره‌ی مجموعه نباید نگاه دولتی داشته باشند، زیرا در نگاه دولتی انگیزه کم است؛ به‌عبارت دیگر باید اداره‌ی دانشگاه را مانند اداره‌ی خانه خود و پیشرفت و موفقیت دانشگاه را پیشرفت و موفقیت خانواده‌ی خود بدانند. بخش خصوصی چندان به کار خود نگاه عالمانه و کارشناسی ندارد و به همین دلیل قدرت رقابتی این بخش

گاهی کم می‌شود. بخش خصوصی باید نگاه عالمانه به کار داشته باشد و از ظرفیت‌های علمی و تخصصی نهایت استفاده را ببرد که بتواند خود را تقویت کند و به جایگاه واقعی خود در سطح کشور دست یابد. مدیران فعلی در مقطع زمانی حاضر باید بیش از بخش خصوصی وقت بگذارند، اندیشه کنند و از همه‌ی ظرفیت‌ها برای آسیب‌شناسی وضعیت موجود استفاده کنند و آینده‌نگر باشند. مدیران باید مدیریتی متفاوت در درون دانشگاه ایجاد و این مدیریت را به وزارت علوم هم منتقل کنند؛ همچنین باید ارتباطات بیشتری با وزارت علوم ایجاد کنند و از ظرفیت‌ها و تسهیلات وزارت برای توسعه و پیشرفت خود استفاده کنند. برای تحقق رسالت‌ها، نیازمند اهداف و برنامه‌های راهبردی و ساختار منسجم هستیم و منابع و درآمدهای دانشگاه نیز باید متنوع باشد. مسئولان دانشگاه باید بدانند کجا و از چه محل‌هایی می‌توانند منابعی را به منابع دانشگاه اضافه کنند. دانشگاه‌ها باید ارتباطات ملی و بین‌المللی خود را برای استفاده از ظرفیت‌های داخل و خارج کشور افزایش و به صورت مستمر

کارکردهای خود را به وزارت علوم گزارش دهند تا بتوانند از امکانات و تسهیلات دولتی و غیر دولتی برای توسعه‌ی فعالیت‌ها و اهداف خود استفاده کنند. وزیر علوم در بدو فعالیت خود در دوره‌ی کنونی، آمایش آموزش عالی برای تدوین سند آموزش عالی کشور را آغاز کرد و اکنون نیز رتبه‌بندی دانشگاه‌ها در حال انجام است. گسترش ارتباطات بین‌المللی نیز در دستور کار وزارت است. وب‌سایت انگلیسی‌زبان وزارتخانه نیز در حال آماده‌سازی است و از سوی دیگر نظام آموزش عالی باید از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی به نحو مطلوب استفاده کنند. سامان‌دهی کیفی آموزش عالی، مهم‌ترین هدف وزارت علوم است. اکنون حدود چهار و نیم میلیون دانشجو در کشور وجود دارد و حال، دیگر باید به سمت کیفی‌سازی برای افزایش ظرفیت‌ها و رفع نیازها حرکت کنیم. شایان یادآوری است که هماهنگی خوبی میان وزارتخانه‌های علوم و بهداشت و معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری ایجاد شده است و این امر می‌تواند زمینه‌ساز توسعه‌ی هرچه بیشتر کشور شود.





افزایش همکاری‌های صنعت نفت و دانشگاه برای حل مشکلات پژوهشی

بیژن عالی پور
مدیر عامل شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب



استان زرخیز خوزستان در کنار تمام مزیت‌ها و مواهب خدادادی، از تاریخی طولانی در زمینه زیرساخت‌های تمدنی و شهرنشینی نیز برخوردار است؛ سابقه‌ی این خطه‌ی طلایی در برخی زمینه‌ها از جمله حوزه‌ی علوم و دانش بشری، نمونه‌ای از پیش‌گامی این بخش از سرزمین باستانی ایران در مدنیت و حرکت به سمت جامعه‌پذیری است. در این میان دانشگاه جندی شاپور اهواز با قدمتی افزون بر ۱۵۰ سال و سمبل بالندگی علمی و خدمت به توسعه‌ی علوم و دانش بشری است.

خوزستان همچنین به عنوان قطب اقتصاد انرژی کشور، در جهان امروز، زادگاه و خاستگاه صنعت نفت خاورمیانه شناخته می‌شود؛ اگر پیدایش صنعت نفت را به نوعی نقطه‌ی عطف ورود مدرنیته به ایران بدانیم، بی‌گمان مقارن با آن، تأسیس دانشگاه به سبک امروزی نیز ورود ایران به مدرنیته را تسهیل کرده است. این هم‌زمانی در تأسیس توامان در تکوین این دو قطب مهم اقتصادی و علمی آموزشی کشور، بدون شک تأثیرپذیری این دو نهاد از یکدیگر را نیز فراهم کرده است. صنعت نفت در آغازین دهه‌های فعالیت خود، اقدام به احداث مراکز آموزشی و دانشگاهی در سطوح مختلف کارگری تا کارشناسی نموده و در قالب «آموزشگاه‌های حرفه‌ای»، «هنرستان‌های صنعتی» و «دانشگاه نفت»، به تربیت و تأمین نیروی انسانی کارآموزده، مبادرت ورزید، اما این همه، مانع از آن نشد که مدیران این صنعت از خلاء حلقه‌های واسط و نبود عوامل پیوند دهنده‌ی صنعت و دانشگاه غافل شوند؛ لذا با توسعه‌ی این صنعت در دهه‌های اخیر و لزوم بهره‌گیری از دانش روز و اجرای پروژه‌های پژوهشی برای مرتفع نمودن نیازهای این صنعت، تعامل چشم‌گیری با دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی کشور شکل گرفته است که در توسعه‌ی صنعت نفت تحول چشم‌گیری ایفا نموده و در آینده نیز، این صنعت رو به رشد و در حال توسعه‌ی مستمر را در رسیدن به اهداف تولید، مددکار خواهد بود.

بدون شک همکاری فشرده و پیوسته‌ی مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی و توجه به حلقه‌های واسط میان صنعت و دانشگاه، از بروز شکاف تکنولوژیکی در صنایع بزرگ جلوگیری نموده و کاهش هزینه‌ها، افزایش بهره‌وری و از همه مهم‌تر پایداری توسعه را در پی خواهد داشت.

شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب به عنوان بزرگ‌ترین شرکت تولید نفت کشور با برخورداری از کارشناسان با تجربه، دانش روز آمد و تنوع عرصه‌های تحقیقاتی، مهیای به‌کارگیری نوآوری‌های علمی در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، برای رفع نیازهای علمی صنعت، به‌ویژه در زمینه‌ی طراحی و ساخت کالاهای تجهیزات راهبردی نفت و تکنولوژی‌های جدید مرتبط با ازدیاد برداشت از مخازن نفت و گاز است.

دانشگاه شهید چمران اهواز به عنوان بزرگ‌ترین قطب علمی جنوب غرب کشور یکی از معتبرترین و قدیمی‌ترین مراکز علمی کشور است که تنوع رشته‌ها و مقاطع تحصیلی و همچنین کارنامه‌ی زرین استادان و دانش‌آموختگان این دانشگاه گواهی روشن بر اعتبار و پیشینه‌ی پر بار این کانون علمی و نخبه‌پرور است؛ دانشگاهی که علاوه بر رسالت علمی خود، در دوران پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و دفاع مقدس، نقشی موثر و کلیدی داشته و نام‌گذاری آن به نام انسانی وارسته و استادی فرهیخته همچون شهید دکتر مصطفی چمران، اوج تعهد و توجه این مرکز دانش بنیان به دفاع از ارزش‌های فرهنگی، دینی و انقلابی جامعه است.

استقرار این دانشگاه با ۶۰ سال قدمت در اهواز، پایتخت نفت و انرژی کشور و در جوار بخش‌های بالادستی و پایین‌دستی صنعت نفت مزیتی ویژه و فرصتی کم‌نظیر است تا با تعاملی هدفمند و اجرای پروژه‌های مشترک تحقیقاتی، زمینه‌ساز توسعه و اعتلای صنعت نفت و کشور باشند. مجموعه‌ی عظیم مناطق نفت خیز جنوب با کارنامه‌ای درخشان در ارتباط با دانشگاه‌ها، از جمله دانشگاه شهید چمران اهواز، آمادگی دارد با افزایش سطح همکاری‌های مشترک، بخشی از مشکلات پژوهشی صنعت را مرتفع نماید. این جانب سال‌روز تأسیس این دانشگاه را به رئیس، معاونان، اعضای هیئت علمی، استادان و دانشجویان و دانش‌آموختگان این دانشگاه و جامعه‌ی علمی کشور و استان خوزستان تبریک می‌گویم و برای همه‌ی خدمت‌گزاران و مروجان علم و دانش که در راه سربلندی نظام مقدس جمهوری اسلامی و درخشش نام پرآوازه‌ی ایران در مجامع علمی از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزند، آرزوی موفقیت و بهروزی دارم.

ایرانیان از دیرباز سهم بزرگی در فتح قله‌های علم و فناوری جهانی داشته‌اند و در بسیاری از موارد حتی با فاصله‌ی بسیار زیاد از دیگران مرزهای دانش را درنوردیده‌اند. خودباوری و اعتماد به نفس از جمله ویژگی‌های بارز ایرانیان در طول تاریخ تمدن غنی ایرانی اسلامی بوده و بسیاری از علومی که تاکنون در انحصار کشورهای قدرتمند جهان قرار داشت، اینک با تلاش و همت و صف‌ناپذیر دانشمندان ایرانی، در اختیار این سرزمین قرار گرفته است.

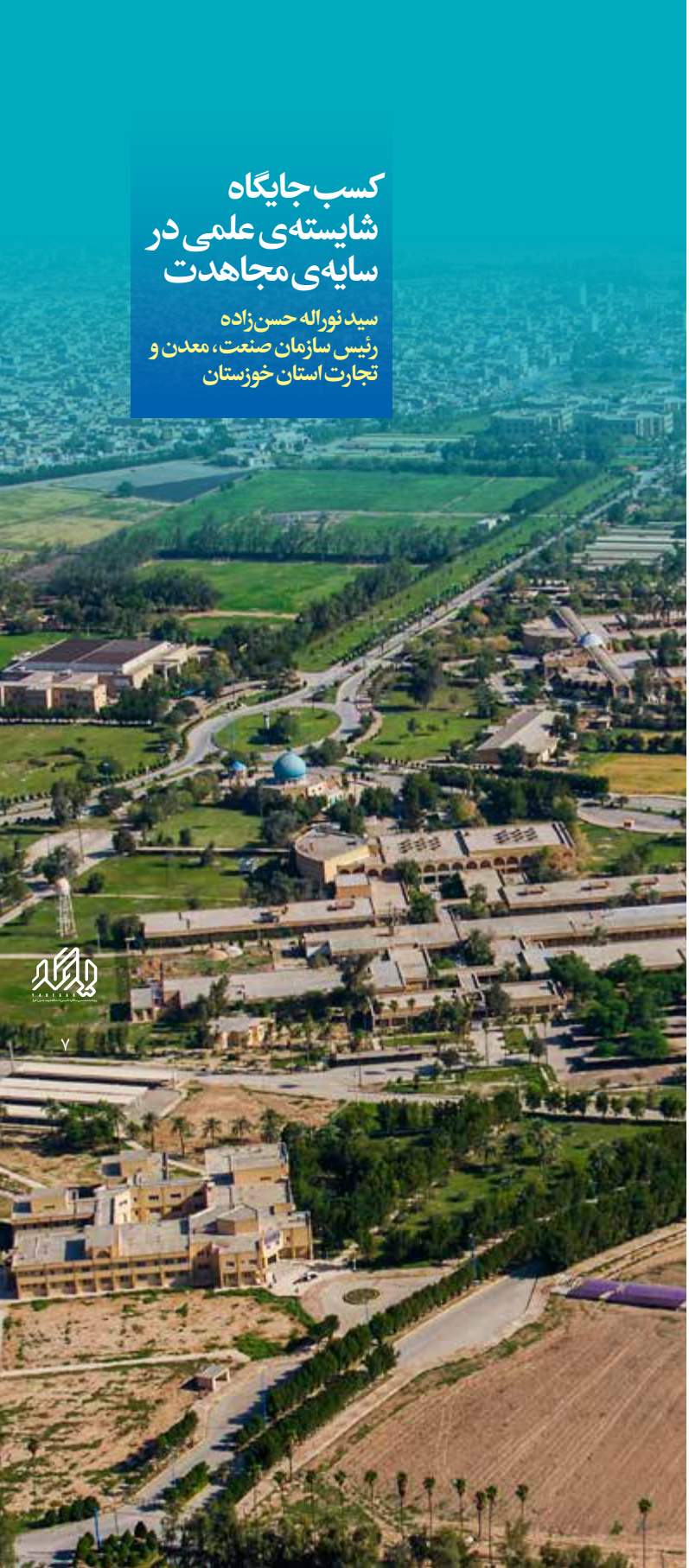
خداوند بزرگ را شاکریم که در کشوری زندگی می‌کنیم که با عنایت ویژه‌ی حضرت دوست و تلاش خستگی‌ناپذیر محققان و دانش‌پژوهان کشورمان، مرزهای توسعه و پیشرفت را یکی پس از دیگری درمی‌نوردد و مسیر ترقی و حرکت به سمت ایرانی توسعه‌یافته و آباد را می‌پیماید.

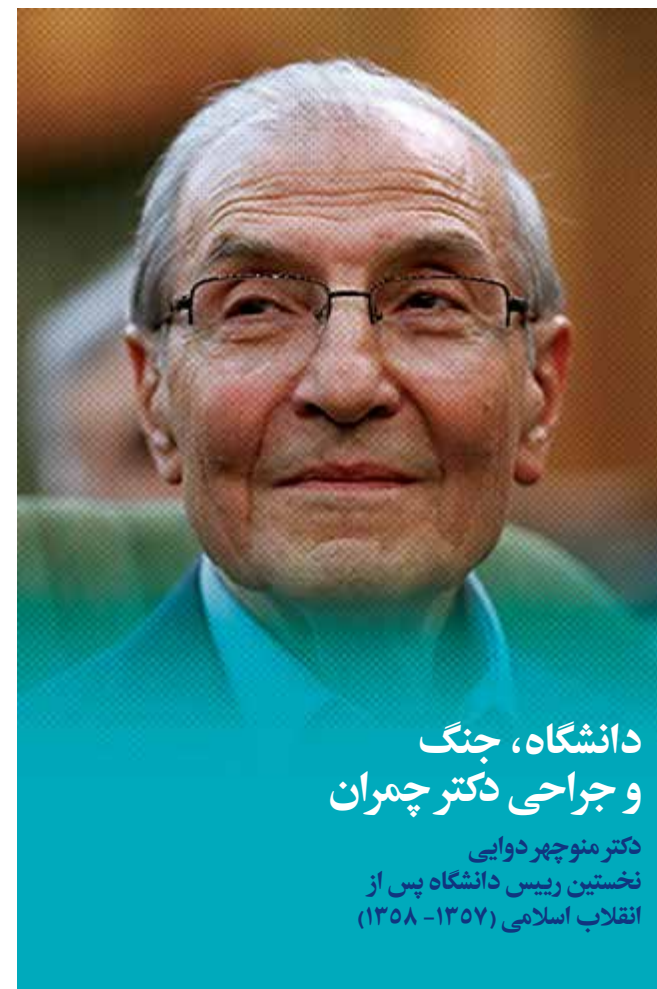
سال ۱۳۹۴، برابر با شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه شهید چمران اهواز و شصت‌سالگی آموزش عالی در استان خوزستان در دوره‌ی معاصر است. در این شش دهه، زنان و مردانی فرهیخته و متعهد با زحمات و تلاش‌های فراوان و به رغم وجود تنگناها و مشکلات، کوشیده‌اند تا در این پهنه از میهن، فضیلت‌هایی چون دانش‌پژوهی، تربیت نیروی انسانی متخصص و پرورش نسل‌های کارآمد و شخصیت‌های تأثیرگذار، نهادینه شود. ضمن عرض ارادت به ساحت مقدس تعلیم و تربیت، دانشگاه و دانشگاهیان، بر خود لازم می‌دانم آغاز شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه شهید چمران اهواز را به جامعه‌ی بزرگ فرهیختگان دانشگاهی تبریک و تهنیت عرض کرده و از صمیم قلب همه‌ی تلاش‌ها و فداکاری‌های استادان، دانشجویان و کارکنان این دانشگاه را ارج نهم. امیدوارم در سایه‌ی مجاهدت فرهیختگان، موجبات ترقی و کسب جایگاه شایسته‌ی علمی میهن عزیزمان ایران بیش از پیش فراهم شود.

از خداوند منان برای همه‌ی دانش‌پژوهان، محققان، استادان و مدیران آن مرکز مهم، توفیق خدمت، موفقیت و سرفرازی را مسئلت دارم.

کسب جایگاه شایسته‌ی علمی در سایه‌ی مجاهدت

سید نوراله حسن زاده
رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان خوزستان





دانشگاه، جنگ و جراحی دکتر چمران

دکتر منوچهر دوایی
نخستین رییس دانشگاه پس از
انقلاب اسلامی (۱۳۵۷-۱۳۵۸)

در سال ۱۳۱۵ در شهر تهران متولد شدم و همسر من نیز متولد تهران است. دو فرزند داریم که در تهران و در نزدیکی ما زندگی می‌کنند. پدرم دارای دیپلم داروسازی از مدرسه‌ی دارالفنون بود و داروخانه‌ای در تهران تأسیس کرده بود (در آن زمان هنوز دانشگاه تهران و دوره‌ی دکترای داروسازی تأسیس نشده بود) و نام خانوادگی پدرم به مناسبت حرفه‌اش (دوایی) انتخاب شده بود. والدینم مشوق اصلی من در تحصیل بودند و به خاطر آنها من هم نهایت

جراحی عمومی را در شهر راجستر در ایالت نیویورک گذراندم. پس از آن، رشته‌ی جراحی کودکان را در کانادا و آمریکا طی کردم. در سال‌های بعد در بیمارستان همراستانت (دانشگاه لندن) در زمینه‌ی جراحی عروق و جراحی سرطان‌ها کار کردم. متعاقباً در دوره‌ی فرصت مطالعاتی به بخش جراحی کودکان دانشگاه لیورپول دعوت شدم.

حضور در دانشگاه شهید چمران اهواز
در سال ۱۳۴۷ پس از اتمام دوره‌های تخصصی به ایران بازگشتم. من و همسر من از این‌که پس از هفت سال به وطن عزیزمان و نزد خانواده‌مان بازگشتم، بسیار خوشحال بودیم. با این‌که در آمریکا و کانادا دعوت به کار شده بودم، زندگی در کشورمان برای من و همسر من چیز دیگری بود. در ابتدا در تهران در دو بیمارستان جراحی می‌کردم. همان زمان از دو دانشکده‌ی پزشکی نیز دعوت به کار شدم. چند تن از هم‌دوره‌ای‌های قبلی من که در دانشگاه جندی شاپور اهواز مشغول خدمت شده بودند، مرا تشویق کردند که به آنها بپیوندم و قسمت چنین بود که در خطه‌ی عزیز خوزستان شروع به کار کنم. در آن دوران دانشکده‌ی پزشکی این دانشگاه در حال شکل گرفتن بود. البته سابقه‌ی تاریخی دانشگاه جندی شاپور باستانی به عنوان یکی از اولین دانشگاه‌های جهان به جای خود در تاریخ دانش بشری برای همیشه‌ی دوران محفوظ است. در حقیقت دانشگاه جندی شاپور در حال قد برافراشتن مجدد بود.

من در دانشگاه با کوشش مستمر سمت‌های دانشگاهی را به تدریج و پله‌پله طی کردم. مدیریت گروه جراحی، معاونت دانشکده‌ی پزشکی، ریاست دانشکده‌ی پزشکی و معاونت پژوهشی دانشگاه در مراحل مختلف به من محول شد. پس از انقلاب شکوهمند اسلامی با حکم وزیر علوم

و آموزش عالی وقت و تأیید قاطبه‌ی اعضاء هیئت علمی و کارکنان دانشگاه و دانشجویان، سرپرستی دانشگاه جندی شاپور به این‌جانب محول شد. در سمت‌های مذکور آن‌چه را در توان داشتم در طبق اخلاص برای پیشرفت این دانشگاه گذاشتم. در آن زمان دانشگاه جندی شاپور، علاوه بر ۱۷ دانشکده در اهواز، شاخه‌هایی در خرمشهر، دزفول، ملاتانی و خرم‌آباد داشت و دو بیمارستان شهدای تجریش و فیروزگر در تهران نیز از نظر آموزشی وابسته به دانشگاه اهواز بودند. این دانشگاه عرصه‌ی وسیعی را تحت پوشش داشت که با حسن نیت و پشتکار و دلسوزی استادان، پیشرفت و توسعه‌ی دانشگاه به خوبی ادامه یافت. در زمان تصدی من چند دانشکده و مرکز دانشگاهی نیز تأسیس یا تکمیل شد.

دانشگاه، جنگ تحمیلی و تریاز

در سال ۱۳۵۹ کشور و مردم ما به طور غیرمنتظره مورد حمله‌ی ارتش بعثی عراق قرار گرفتند. در میان دانشگاه‌هایی که در آن زمان در سطح کشور وجود داشت، دانشگاه جندی شاپور بیش از دانشگاه‌های دیگر متحمل صدمات مستقیم و غیرمستقیم شد و با توجه به این‌که آتش دشمن تا کناره‌های بیمارستان دانشگاهی (گلستان) رسیده بود، عملاً فعالیت‌های متعارف دانشگاه متوقف شده بود. بیشتر نقاط شهر اهواز نیز تخلیه شده بود و با وجود این، متخصصان رشته‌های مختلف جراحی و هوشبری با نهایت تعهد، با قبول خطرات، خدمات فراموش نشدنی خود را بی‌دریغ عرضه می‌داشتند. سه بیمارستان اصلی اهواز به سه هتل شهر که قابل سنگربندی و حفاظت بودند، منتقل و به بیمارستان‌های جنگی تبدیل شدند. خاطر من هست که در یک روز، بیست و پنج گلوله توپ به شهر اهواز شلیک شد که چند فروند آن نیز به بیمارستان گلستان اصابت کرد. در

روزهای نخست جنگ، انبوه مجروحان که مورد حمله ددمنشانه‌ی ارتش بعثی قرار گرفته بودند، به بیمارستان آورده می‌شدند. این وضعیت غیرمنتظره، به‌ویژه در یکی دو روز اول جنگ برای همه و به‌ویژه گروه پزشکی، وظیفه‌ی سنگینی را ایجاد می‌کرد. به‌زودی مشخص شد که برای اداره‌ی شمار زیاد مجروحان که یک‌باره آورده می‌شدند، نظامات خاصی باید به کار گرفته شود و کارکنان و امکانات باید تحت یک رهبری واحد به بیماران ارائه شود و بدین ترتیب بود که موضوع تریاز و دسته‌بندی بیماران برحسب شدت و نوع جراحات مطرح و الگوسازی کردم و مقالات و کتابی نیز چاپ کردم که در اختیار پزشکان و به‌خصوص پزشکان اعزامی قرار می‌گرفت. در این کتاب جیبی به اختصار ولی به‌طور کامل و منظم، برخورد با صدمات جنگی شرح داده شده بود و تفاوت‌های طبابت جنگی با پزشکی متعارف نیز مشخص شده بود.

در دوران جنگ، این‌جانب و عده‌ای از همکاران به‌طور مستمر در صحنه حضور داشتیم و گاهی برای اعمال جراحی خاص در واحدهای پزشکی خیلی نزدیک به جبهه به آنجا می‌رفتیم. خاطرات به یاد ماندنی از دوران جنگ تحمیلی و مجروحان جان برکف و شجاع برای همه‌ی اعضای گروه پزشکی همچنان به یادگار مانده است. شرح طاقت و صبر و بردباری این مجروحان که دیگران را بر خود مقدم می‌شمردند و رضایتمندی و تحمل در سیمای نورانی آنها به چشم می‌خورد، واقعا منحصر به فرد بود. از این جمله، خاطره‌ی مربوط به مجروح شدن شهید دکتر چمران است که سعادت عمل جراحی ایشان نصیب این‌جانب شد (بار اول مجروح شدن ایشان) که برای همیشه به یادماندنی است. آن روز به علت محدود بودن دستگاه‌های بیهوشی نسبت به مجروحان متعدد، ایشان را فقط با داروهای آرام‌بخش

و مسکن عمل کردیم و خون‌ریزی از ناحیه‌ی ران و شکستگی استخوان به هر زحمت کنترل شد و ایشان صبورانه و دلاورانه تحمل کرد. در حین عمل گاهی که از حال ایشان سوال می‌کردیم، می‌گفت شما کار خودتان را انجام دهید، من هم کار خودم را انجام می‌دهم (کار ایشان این بود که زیر لب به ذکر مشغول بود). با وجود مدت کوتاهی که در مرکز ما بود، تأثیر شگرفی بر همه‌ی افراد تیم گذاشت که قابل وصف نیست. هنوز دست خط زیبایی ایشان در نامه‌ای خطاب به دخترم، که در آن موقع دانش‌آموز دیستان بود، چون گنجینه‌ای معنوی نزد ما است. در پایان، این‌جانب به عنوان نخستین سرپرست دانشگاه شهید چمران، پس از انقلاب شکوهمند اسلامی، با نهایت احترام و قدرشناسی نسبت به استادان فرهیخته و کارکنان صدیق و سخت‌کوش و دانشجویان سربلند، شصتمین سالگرد تأسیس این دانشگاه را تبریک عرض می‌کنم و امیدوارم که درخشش دانشگاه شهید چمران در صحنه‌ی علم جهان، روز به‌روز فروزان‌تر شود.

دانشگاه شهید چمران و توسعه‌ی ملی و منطقه‌ای

دکتر سید عطاءاله سیادت
رئیس دانشگاه کشاورزی و منابع
طبیعی رامین خوزستان

خوزستان و تمدن دیرپای آن همواره از بیشتازان عرصه‌های مختلف در طول تاریخ بوده است. مرکز علمی جندی شاپور به عنوان یکی از قدیمی‌ترین پایگاه‌های علمی بشر متمدن مورد توجه و استناد مراکز علمی جهان بوده است. نکوداشت شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه شهید چمران (جندی شاپور) بهانه‌ی خوبی برای یادآوری و تقدیر از سال‌ها تلاش و کوشش در عرصه‌های دانش و فناوری است که در مقطعی با جهاد و پاسداری از مرزهای این آب و خاک در هشت سال دفاع مقدس توأم شد و دانشگاه جندی شاپور را به بخشی از کتاب افتخارات مردم خوزستان و ایران بدل کرد.

دانشگاه شهید چمران پس از سال‌ها بالندگی و پایداری، امروز ریشه دوانده و یکی از بزرگ‌ترین مجموعه‌های علمی کشور را به بار آورده است که با نقش‌آفرینی در بخش‌های مختلف صنعت، کشاورزی، انرژی و سایر بخش‌های اجرایی، نقشی انکارناپذیر در توسعه‌ی ملی و منطقه‌ای را عهده‌دار است.

آیین نکوداشت شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه فرصتی است برای تقدیر و ارج نهادن بر سال‌ها تلاش خالصانه اعضای هیئت علمی، کارمندان و کارکنان دانشگاه و البته واکاوی فراز و فرودهای فعالیت‌های دانشگاه، برای ترسیم آینده‌ای بهتر و روشن‌تر برای مجموعه‌ی دانشگاهی استان.

اینجانب به عنوان رئیس دانشگاه

کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان (ملاتانی) که نهال دانشگاه در سال‌های آغازین دهه‌ی ۱۳۳۰ در آن جوانه زد، ضمن تقدیر از تلاش تمامی دست‌اندرکاران برپایی این مراسم، برای همه‌ی نقش‌آفرینان گذشته، حال و آینده‌ی مجموعه‌ی دانشگاه شهید چمران آرزوی توفیق الهی و بهر روزی دارم.

یکی از همین شاخ و برگ‌ها....

دکتر مسعود صدری نسب
رئیس دانشگاه علوم و فنون
دریایی خرمشهر

موجب افتخار و مباهات است به عنوان یکی از شاخ و برگ‌های استقلال یافته از درخت تنومند و پربرار دانشگاه شهید چمران اهواز، شصتمین سالگرد تأسیس این قطب علمی استان و کشور را با خرسندی تمام به جامعه‌ی علمی کشور، به‌ویژه استان خوزستان، شادباش بگویم.

دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر که هم‌اکنون قطب مهم دریایی کشور و منطقه از نظر آموزشی و پژوهشی است، یکی از همین شاخ و برگ‌های مستقل شده از دانشگاه شهید چمران است که پیشینه‌ی ۳۸ ساله دارد و از سال ۱۳۸۲ با همت و تلاش روسای محترم وقت که جای تقدیر و تشکر فراوان دارد، به دانشگاهی مستقل تبدیل شد.

اینجانب به نیابت از دانشگاهیان خرمشهر، شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه شهید چمران اهواز را به همه‌ی استادان، کارکنان و دانشجویان تبریک می‌گویم و برای این دانشگاه سربلند روزهایی موفق‌تر و پربرتر را آرزومندم.

برای بررسی سیر تحول دانشگاه شهید چمران، چهار دوره را در نظر می‌گیرم؛ دوره‌ی اول از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۰، دوره‌ی دوم از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰، دوره‌ی سوم از ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ و دوره‌ی چهارم از ۱۳۹۰ تاکنون. بعد از انقلاب و به علت تعطیلی دانشگاه‌ها، بیش از نیمی از اعضای هیات‌علمی دانشگاه‌ها، آموزش عالی را ترک کردند و شرایط جنگی خوزستان موجب شد که صدمه‌ی بیشتری به دانشگاه جندی شاپور آن زمان وارد شود.

اگرچه گروه‌ها و بخش‌های پزشکی به خاطر خدمات‌رسانی به جبهه‌ها همچنان فعال بودند، ولی امر آموزش در سایر دانشکده‌ها تقریباً تعطیل بود. فعالیت‌ها برای بازگشایی از سال ۱۳۶۰ و در زمان سرپرستی مرحوم دکتر محمدصادق نجفی با تشکیل جهاد دانشگاهی آغاز شد و تا سال

۱۳۶۳ تقریباً تمامی گروه‌های آموزشی که تعدادشان حدود ۸۰ گروه بود، بازگشایی شدند. کمبود هیات‌علمی در بعضی از دانشکده‌ها مثل دامپزشکی و مهندسی به حدی بود که ناچار شماری از دانشجویان سال‌های آخر به دانشگاه‌های شیراز (دانشجویان دامپزشکی) و امیرکبیر (دانشجویان مهندسی مکانیک) منتقل شدند. دکتر نجفی نیز در سال‌های بازگشایی به صورت شبانه‌روزی تلاش می‌کرد تا وقفه‌ای در ارائه‌ی خدمات دانشگاه، مخصوصاً برای بخش‌های

پشتیبانی‌کننده جبهه ایجاد نشود. دانشگاه پیش از مسئولیت دکتر نجفی تعطیل شده بود و او هم‌زمان با تشکیل مدیریت جهاد دانشگاهی برای فعال نگه‌داشتن بخش‌های ضروری و فراهم کردن مقدمات بازگشایی به سرپرستی دانشگاه منصوب شده بود. دکتر نجفی قبل از پایان دوره‌ی سرپرستی، با وجود این‌که از جراحات ناشی از اصابت ترکش خمپاره رنج می‌کشید، ولی با دلسوزی و تلاش خستگی‌ناپذیر تمامی مسائل دانشگاه را پیگیری می‌کرد تا آنجا که نه تنها تمام رشته‌ها بازگشایی و فعال شدند، بلکه برگزاری اولین دوره‌ی کنکور سراسری بعد از بازگشایی دانشگاه در سال ۱۳۶۲ هم در زمان سرپرستی او برگزار شد.

او همچنین برای تشویق نیروهای کارآمد به ماندن در دانشگاه، واگذاری زمین برای احداث مسکن را پیگیری کرد و به نتیجه رساند. سرپرستی دکتر نجفی در زمانی بسیار سخت و پرتنش بود، زیرا در حالی که گاه و بی‌گاه هواپیماهای دشمن بر فراز دانشگاه

سیر تحول یک دانشگاه...

دکتر خسرو نادران طحان
رئیس پیشین دانشگاه شهید چمران اهواز
(۱۳۶۹-۱۳۷۲)



Y A D E G A R



۱۰
روزنامه‌ی شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه شهید چمران اهواز



پرواز می‌کردند (چون تعدادی از یگان‌های رزمندگان و تجهیزات آن‌ها در دانشگاه مستقر بودند)، کلاس‌ها نیز باید اداره می‌شدند. شرایط از این جهت پرتنش بود که افرادی از همکاران و دانشجویان به شدت اعتراض داشتند که چه ضرورتی دارد در این شرایط جنگی دانشگاه شهید چمران فعال باشد و بهتر است برای حفظ جان دانشجویان و دانشگاہیان، ولی دانشگاه همچنان تعطیل بماند، ولی چون از یک طرف خواسته‌ی دشمن این بود که خوزستان را تحت اختیار خود نشان دهد (وضعیت جوی شهرهای استان را از رادیو بغداد اعلام می‌کرد) و از سوی دیگر مصالح کشور از نظر مسئولان نظام ایجاب می‌کرد تا تمامی فعالیت‌ها از جمله فعالیت دانشگاه برقرار بماند، بازگشایی

دانشگاه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر بود. در آن زمان به‌عنوان معاون آموزشی دانشگاه فعالیت می‌کردم و در جریان جزئیات بسیاری از فعالیت‌های مرحوم دکتر محمدصادق نجفی قرار داشتم. امیدوارم مسئولان دانشگاه با تبعیت از دستور خداوند متعال که فرمود «السابقون السابقون اولئک المقربون»، به نحوی شایسته از خدمات این مرد فداکار تجلیل کنند. بعد از بازگشایی کامل دانشگاه، تحولات چشم‌گیری اتفاق افتاد؛ افزایش ظرفیت پذیرش دانشجویان برای جبران سه سال توقف پذیرش، ارتقاء سطح مدیریت دانشگاه و واگذاری جایگاه‌های اصلی به کسانی که مدارج تحصیلی بالاتری داشتند و تفکیک دانشگاه پزشکی جندی‌شاپور از دانشگاه شهید چمران از مهم‌ترین اتفاقات دانشگاه در آن

زمان بود. لازم بود از نیروهای معدودی که دارای مدرک دکترا هستند در جایگاه‌های مدیریتی استفاده شود که در مواردی مشکلاتی ایجاد کرد.

اگرچه در این مرحله فعالیت‌های جهاد دانشگاهی کمک مؤثری به مدیران می‌کرد، ولی اعمال سلیقه بعضی دانشجویان حاضر در تشکیلات مدیریت و دیدگاه‌های فردی آن‌ها در مواردی مشکل‌آفرین شده بود؛ مخصوصاً که دیگر گروه‌های فعال در دانشگاه نیز مدعی می‌شدند. مساله تفکیک دو دانشگاه هم اگرچه در ابتدا کارساز به نظر نمی‌رسید، ولی معلوم شد که یکی از راه‌های صحیح توسعه‌ی آموزش عالی در کشور مخصوصاً برای گروه پزشکی و رشته‌های وابسته به آن بود، زیرا از توانایی‌ها و استعداد‌های متخصصان دانشگاه پزشکی به نحو بهتری برای اداره‌ی امور آموزش عالی استفاده شد.

هرچند که بحث تقسیم امکانات و تلاش برای سهم‌خواهی هرچه بیشتر از امکانات موجود، باعث اختلاف‌ها و کشمکش و ائتلاف انرژي مدیران هر دو دانشگاه شد که تا زمان مسئولیت اینجانب نیز ادامه داشت، ولی خوشبختانه با توافقات و تفاهم‌هایی که شد این مشکلات در سال ۱۳۷۱ عمده‌تأ حل و فصل شد؛ موضوع تفکیک دو دانشگاه در سال‌هایی بود که اینجانب در مأموریت تحصیلی خارج از کشور بودم، ولی مشاجرات همچنان ادامه داشت، به طوری‌که در جلسات دانشجویی دانشجویان پزشکی، برای اعتراض به مدیریت دانشگاه شهید چمران برنامه‌ریزی می‌شد!

با وجود مشکلاتی که به پاره‌ای از آن‌ها اشاره شد، کارهای مهم و زیربنایی نیز انجام شد. ساخت ۱۱ بلوک خوابگاه (خوابگاه ۱۴ بلوکی دختران فعلی)، ساخت دانشکده‌ی دامپزشکی، احداث سالن غذاخوری دانشکده‌ی علوم، ساخت تعدادی منازل جدید در کوی استادان، ساخت

دبیرستان و راهنمایی غیرانتفاعی دانشگاه، ساخت دانشکده‌ی اقتصاد، تکمیل دانشکده‌ی مهندسی و کارگاه‌های آن از جمله‌ی این اقدامات است. شروع ساخت دانشکده‌های علوم تربیتی و الهیات در زمان ریاست آقای دکتر عبدالرسول کاظم‌پور و هیئت‌رئیس‌ه همراه او تحقق پیدا کرد و این فعالیت‌ها در زمانی بود که همچنان بخش‌هایی از دانشگاه مثل دانشکده‌ی تربیت‌بدنی، ساختمان کتابخانه‌ی مرکزی و انبارهای شهید تینوشی در اختیار رزمندگان بود و به لحاظ امنیتی حتی از ورود مسئولان به این بخش‌ها ممانعت می‌شد.

اعزام شمار چشم‌گیری از اعضای گروه‌های آموزشی برای اخذ مدرک دکترا به دانشگاه تربیت مدرس و دانشگاه‌های خارج از کشور و احداث بعضی زیرساخت‌های لازم برای توسعه از ویژگی‌های این دوره است. به همین دلیل دهه‌ی اول پس از انقلاب را در دانشگاه شهید چمران می‌توان دوره تنازع بقا و ایجاد زیرساخت‌های توسعه نامید.

سال ۱۳۶۹ تصدی ریاست دانشگاه به بنده واگذار شد. آن دوره با سال‌های سازندگی کشور بعد از جنگ مصادف بود و وزارت متبوع به تبعیت از برنامه‌های کلان کشور، توسعه‌ی کمی و کیفی فضاهای کالبدی دانشگاه‌ها را سرلوحه برنامه‌های خود قرار داد. با مساعدت و بذل توجه وزیر فرهنگ و آموزش عالی وقت نسبت به دانشگاه شهید چمران اهواز و تلاش‌های پیگیر مدیریت برای جذب اعتبارات عمرانی، پروژه‌های نیمه‌تمام تکمیل شدند و به بهره‌برداری رسیدند. فعالیت شاخه‌ی جنوبی در خرمشهر مجدداً مورد پذیرش و تأیید وزارت و سازمان برنامه و بودجه وقت قرار گرفت و برای آن، اسناد اختصاص یکصد هکتار زمین تنظیم شد؛ شاخه‌ی شمالی دانشگاه در دزفول نیز فعال‌تر و برای آن اسناد اختصاص ۴۰۰ هکتار زمین تنظیم

شد. پیگیری‌های لازم برای تأسیس دانشگاه تربیت‌معلم در شوشتر و مطالعات مربوط به ایجاد دانشگاه صنعتی انجام شد و برای نخستین بار بعد از انقلاب برنامه‌ی درازمدت دانشگاه تدوین شد.

سطح علمی مدیران دانشگاه، دانشکده‌ها و گروه‌ها ارتقا یافته بود و تعدادی از اعضای هیئت‌علمی مدرک دکترای تخصصی خود را اخذ کرده و برای خدمت بازگشته بودند. بر این اساس برنامه‌ریزی برای ایجاد دوره‌های دکترای تخصصی و افزایش دوره‌های ارشد در دستور کار قرار گرفت؛ در بعضی گروه‌ها دوره‌های ارشد دایر شده بود، ولی تا آن زمان هنوز دوره‌ی دکترای تخصصی راه‌اندازی نشده بود. در بازدید استاندار وقت، مهندس تولایی، از گروه شیمی، خانم دکتر پور رضا (اولین مدیرگروه خانم در دانشگاه بعد از انقلاب) به وی اطلاع داد که اگر فقط ۱۰ میلیون تومان در اختیار او قرار گیرد دوره‌ی دکترای شیمی را راه‌اندازی خواهد کرد؛ خوشبختانه آقای استاندار این مبلغ را تعهد و پرداخت کرد و معاونت آموزشی دانشگاه هم با پیگیری‌های مستمر توانست مجوز آغاز فعالیت این دوره را دریافت کند. تقریباً هم‌زمان برای رشته‌ی ریاضی هم مجوز مشروط دوره‌ی دکترای گرفته شد، به شرط این‌که هر دو سال فقط یک دانشجوی دکترا پذیرش شود.

مدیریت دانشگاه برای توسعه‌ی هرچه بیشتر و سریع‌تر تحصیلات تکمیلی، معاونت تحصیلات تکمیلی را در دانشگاه ایجاد کرد. دکتر مرتضی زرگرشوشتری اولین معاون تحصیلات تکمیلی دانشگاه بود که سابقه و تجربه‌ی معاونت آموزشی دانشگاه را در دوره‌ی مدیریت قبلی برعهده داشت. با ارتقاء برخی از اعضای هیئت‌علمی به مراتب بالاتر، ظرفیت پذیرش دانشجویان تحصیلات تکمیلی و همچنین تعداد دوره‌ها به سرعت رو به افزایش گذاشت و این روند در

طول دهه‌ی دوم کم‌وبیش حفظ شد. با این وجود در گزارشی تحلیلی که روند رشد ظرفیت پذیرش دانشجو از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۰ را بررسی کردم و در سال ۱۳۹۰ تنظیم و به ریاست وقت دانشگاه ارائه دادم، نشان داده شد که فقط بخشی از ظرفیت موجود برای دوره‌های ارشد مورد بهره‌برداری قرار گرفته است.

در ابتدای دوره‌ی دوم، فعالیت فرهنگی و اجتماعی دانشجویان افزایش چشمگیری داشت و این روند باعث شد تا عناصری با سوءاستفاده از فرصت‌های ایجادشده، اختلال‌هایی در فعالیت مدیریت دانشگاه ایجاد کنند که آثار آن تا پایان دهه‌ی دوم پایدار ماند و هزینه‌های مادی و معنوی زیادی به دانشگاه تحمیل کرد. این دوره را می‌توان دوره‌ی فرصت‌های از دست رفته برای آموزش عالی استان نامید.

دهه‌ی سوم فعالیت دانشگاه با مستقل کردن واحدهای اقماری آن در دزفول، رامین، بهبهان و خرمشهر مصادف شد. در این زمان ظرفیت پذیرش دانشجویان دوره‌ی کارشناسی به میزان چشمگیری افزایش پیدا کرد؛ علاوه بر افزایش تعداد دوره‌های تحصیلات تکمیلی و ظرفیت آن‌ها، ارتقای اعضای هیئت‌علمی به‌مراتب بالاتر و استخدام شمار قابل‌توجهی نیروهای جوان در واحدهای اقماری، نوید آموزش عالی بالنده‌ای را در استان داد. برگزاری بزرگداشت پنجاهمین سال فعالیت دانشگاه در اوایل این دهه افق‌های تازه‌ای را پیش چشم علاقه‌مندان به آموزش عالی در استان قرار داد و توجه‌ها را به این نکته مهم جلب کرد که پس از هر دوره‌ی فعالیت لازم است به ارزیابی دستاوردها همت گماشت. اگرچه با ایجاد دوره‌های پولی و واردکردن مباحث درآمذزایی، ناچار کیفیت دانشجویان و تحصیل آن‌ها افت نگران‌کننده‌ای را به دنبال داشت.

تأخیر در زمان فراغت از تحصیلی و انباشت دانشجویان دوره‌های مختلف و ورود دانشجویانی که علاقه‌ی کمتری به تحصیل در دوره‌های ارشد و دکتری داشتند، هزینه‌های زیادی را به دانشگاه و آموزش عالی تحمیل کرد که با جدیت و برنامه‌ریزی‌های جامع‌تر امکان داشت از پیامدهای منفی این وضعیت کاست. کمیت پژوهش و درآمدزایی در این دهه افزایش چشمگیری داشت و مدیران دانشگاه و اعضای هیئت‌علمی به گواهی آمارهای اعلام‌شده توسط مسئولان، موفقیت‌های تحسین برانگیزی را به دست آوردند که تاکنون ادامه دارد. بنابراین دوره‌ی سوم را علی‌رغم بعضی کاستی‌ها می‌توان دوره موفقیت‌های دانشگاه نام نهاد.

اکنون که شصتمین سال تأسیس دانشگاه را جشن می‌گیریم، مدیریت دانشگاه باید به این سؤال اساسی پاسخ دهد که برای دهه‌ی چهارم بعد از انقلاب در صدد حصول چه دستاوردهایی است که این دوره را از دوره‌های قبلی متمایز سازد؟ مدیریت دانشگاه با تفکیک دوره‌ی تحصیلات تکمیلی از دوره‌های کارشناسی، ایجاد پژوهشگاه برای مدیریت یکپارچه فعالیت کلیه‌ی مراکز مطالعاتی و پژوهشی دانشگاه، ایجاد مؤسسه همکاری‌های بین‌المللی برای توسعه‌ی فعالیت‌های بین‌المللی و ایجاد مؤسسه‌ی اقتصادی و تجاری برای سازمان‌دهی و مدیریت فعالیت‌های اقتصادی و درآمدزایی منطبق بر قوانین تجارت، می‌تواند دوره‌ی چهارم را به دوره پاسخ‌گویی به نیاز جامعه و مشارکت دانشگاه در پیشرفت کشور تبدیل کند. حوزه‌های موفق دانشگاه عمدتاً آموزش کارشناسی و تحصیلات تکمیلی است، هرچند همچنان ظرفیت‌های خالی وجود دارد که با برنامه‌ریزی‌های پایدار می‌توانست موفق‌تر از این هم باشد. اگرچه این موفقیت‌ها تحت

فشارها و رویکردهای کلی وزارت متبوع حاصل شده است و کمتر ناشی از برنامه‌ریزی‌های قبلی در دانشگاه است. در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی ظرفیت‌های فراوانی وجود دارد که متأسفانه مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است. در زمینه‌ی پژوهشی نیز باید این نکته را مورد توجه قرار داد که پژوهش و پژوهشگری یک حرفه است و مأموریت دانشگاه مثل مأموریت برای سایر حرفه‌های موردنیاز جامعه، تربیت نیروی انسانی در این زمینه است.

در دهه‌ی اول پس از انقلاب توجهی به انجام تحقیقات وجود نداشت و تقریباً کار در این حوزه فراموش شده بود. در دهه‌ی دوم هم تحقیقات عمدتاً جنبه آموزشی داشت. در دهه‌ی سوم به علت اعلام اهداف و مأموریت‌های جدید برای دانشگاه، تلاش‌هایی صورت گرفت تا اجرای طرح‌های تحقیقات صنعتی شکل قانون‌مندی بگیرد، ولی همان‌طور که گفته شد پژوهش و پژوهشگری سازوکار خود را می‌طلبد و با سازوکارهای موجود بعید است بتوان کارهای قابل‌توجهی انجام داد. در مورد ظرفیت‌سازی برای جذب دانشجو، اقداماتی که در دهه‌ی سوم صورت گرفت و همچنین جدا شدن دانشگاه شهید چمران و مستقل شدن واحدهای اقماری، به این افزایش ظرفیت کمک شایانی کرد. در حال حاضر به علت محدودیت فضاهای کالبدی تقریباً امکان افزایش ظرفیت به‌صورت چشمگیر در دانشگاه شهید چمران فراهم نیست، هرچند در موارد معدودی کمتر از ظرفیت‌های اسمی بهره‌برداری می‌شود؛ مخصوصاً فعالیت‌های سازمان‌یافته برای جذب دانشجویان خارجی تقریباً ناچیز و فراموش شده است.

لازم می‌دانم از تلاش‌های تمامی مدیران گذشته و حال دانشگاه، در تمامی سطوح صمیمانه قدردانی کنم

که در شرایط سخت و ناپایدار شبانه‌روز تلاش می‌کنند تا وظایف خود را به نحو احسن انجام دهند. بدون شک اجر این عزیزان نزد خداوند متعال محفوظ است و اگر انتقادی از نحوه انتخاب مدیران می‌شود، نه به‌خاطر تخطئه تلاش‌های آن‌ها بلکه برای توجه دادن به ضرورت ایجاد سازوکاری است که تلاش هر یک از مدیران، گامی برای رسیدن به اهداف دانشگاه باشد. در دانشگاه مدیران اغلب برای جایگزینی مدیر قبلی انتخاب می‌شوند و به این نکته توجه نمی‌شود که مدیر قبلی چه قوت و وضعی داشته و یا چه برنامه‌هایی را برای دستیابی به اهداف مؤسسه دنبال می‌کرده است و آیا مدیر جدید نسبت به مشکلات و امکانات حوزه‌ی مسئولیت خود آشنایی دارد؟ همچنین به این موضوع که آیا فرد موردنظر، آموزشی برای مدیریت دیده است یا نه، توجه نمی‌شود. در بسیاری از موارد تعویض مدیران «شبه‌کودتایی» و یا به‌خاطر انتقادی است که از مدیر بالادست خود می‌کنند، به همین دلیل مدیران جدید اغلب ارتباطشان با مدیر قبلی قطع و در بسیاری از موارد در تعارض قرار می‌گیرد. در نتیجه ادامه‌ی شیوه‌ی حدس و خطا در مدیریت دانشگاه در سال‌های گذشته به‌وضوح مشاهده می‌شود؛ متأسفانه در مواردی این شیوه‌ی انتخاب مدیران آثار تخریبی ماندگاری داشته است.

برای جبران این نقیصه و احتمالاً فراهم کردن فضایی که در آن مدیران دانشگاه بتوانند از تجارب همکاران پیشین خود بهره بیشتری ببرند، به تازگی جمعی از اعضای هیئت‌رئیس‌های گذشته دانشگاه، کانون هیئت‌رئیس‌ه ادوار دانشگاه را تشکیل داده‌اند که مشکل از اعضای هیئت‌رئیس‌ه‌های دانشگاه در طول ۳۴ سال گذشته است تا شاید برای تقویت این حوزه از فعالیت‌های اساسی و فراموش‌شده دانشگاه چاره‌اندیشی



کرده باشند.

بدون مشخص کردن شاخص‌ها، اظهارنظر در مورد درخشان‌ترین دوره‌ی دانشگاه صحیح نیست. در دوره‌هایی ممکن است جذب اعتبارات و یا افزایش شمار دانشجویان و گسترش تحصیلات تکمیلی یا حضور دانشگاه در مجامع بین‌المللی به‌خاطر چاپ مقالات و وجود اعضای هیئت‌علمی با مراتب بالاتر و یا تعداد پژوهش‌های تقاضامحور جزء اهداف درازمدت مدیران دانشگاه باشد. دستیابی به هر یک از این اهداف نتیجه‌ی تلاش‌هایی است که سال‌ها بلکه دهه‌های قبل برای آن‌ها برنامه‌ریزی و تلاش شده است، بنابراین مشخص کردن درخشان‌ترین دوره‌ی دانشگاه بدون در نظر گرفتن سوابق امر، کاری اشتباه است و این کار هم نیاز به آمار و اطلاعات و اسناد منتشرشده دارد. دانشگاه شهید چمران یکی از واحدهای تابعه وزارت علوم است که برای دستیابی به اهداف کلان ملی برنامه‌ریزی و بر اجرای آن‌ها نظارت می‌کند. بدیهی است که تصمیم‌های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بر کم‌وکیف فعالیت‌های دانشگاه اثرگذار باشد. در سال‌هایی که سیاست‌های

وزارت علوم انقباضی بوده است، دانشگاه هم از این سیاست تأثیر پذیرفته است؛ ولی در مواردی که این سیاست‌ها انبساطی بوده است، متأسفانه اجرای آن‌ها در دانشگاه با تأخیرهایی که گاهی غیرقابل‌توجیه بوده، همراه شده است. برای اجتناب از این شرایط نامطلوب لازم است دانشگاه شهید چمران، همواره در شوراها و کمیته‌های برنامه‌ریزی و اجرایی وزارت نمایندگان دائمی داشته باشد تا سریع‌تر در جریان تصمیم‌ها قرار بگیرد. نمونه‌ای از این عقب افتادن‌ها، قراردادهایی است که تحت نظارت وزارت متبوع با وزارت نفت برای انجام پژوهش‌های بالادستی و پایین‌دستی منعقد شده است که در هیچ‌یک از این قراردادهای کلان مهم که برای توسعه پژوهش در دانشگاه ضروری است به دانشگاه شهید چمران نقش محوری واگذار نشد، درحالی‌که از دانشگاه‌های دیگر استحقاق بیشتری دارد.

همان‌طور که وجود دانشگاه در یک کشور آن را از زمره‌ی کشورهای عقب‌افتاده خارج و در ردیف کشورهای درحال توسعه قرار می‌دهد، تأثیر دانشگاه شهید چمران بر منطقه هم موجب شده است تا شرایط خوزستان و منطقه از وضعیت عقب‌افتادگی به وضعیت درحال توسعه تغییر پیدا کند. به‌ویژه آثار دانشگاه در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی چشم‌گیر و غیرقابل‌انکار است. با ایجاد واحدهای دانشگاهی در شهرهای مستعد استان که با پشتیبانی علمی دانشگاه شهید چمران صورت گرفته است، امید است که این شرایط توسعه و پیشرفت در زمینه‌های مختلف همچنان ارتقا یابد. به‌کارگیری مدیران با انگیزه و پاسخ‌گو و دارای برنامه در این دانشگاه‌ها زمان دستیابی به شرایط مطلوب را کاهش خواهد داد. برون‌داد دانشگاه شهید چمران

در گذشته به صورت حضور فعال دانش‌آموختگان آن در تمامی عرصه‌های حیاتی کشور قابل مشاهده است، به همین دلیل با توجه به استعدادها و ظرفیت‌های ایجاد شده لازم است تلاش شود تا وزارتخانه در حوزه‌های جدید علمی و فناوری که در سطح کشور در حال گسترش است، نقش پررنگ‌تری برای این دانشگاه در نظر بگیرد. استقبال هرساله‌ی صدها هزار داوطلب برای ورود به دانشگاه و اشتغال به تحصیل بیش از سه میلیون دانشجو در سطوح و رشته‌های مختلف که بخشی از آن‌ها نیز به دانشگاه شهید چمران تعلق دارند، نشان می‌دهد که جایگاه این نهاد مهم علمی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه کاملاً شناخته شده و مورد توجه عموم مردم است. آموزش علوم نوین به جوانان کشور، اعتماد به نفس آن‌ها را بالا برده و آن‌ها را برای ساختن یک زندگی توأم با دانایی و آگاهی آماده می‌کند و استقبال خانواده‌ها از حضور فرزندان‌شان در دانشگاه نیز مؤید این نظر است.

در تمام دانشگاه‌های کشور بخش اول مأموریت که آموزش علوم، فنون و دانش و نتیجه‌ی آن آماده‌کردن جوانان برای فعالیت‌های تخصصی است، تا حد قابل قبولی انجام می‌شود، اما بخش دیگر مأموریت دانشگاه‌ها که موجب ارتقاء جایگاه آن‌ها در جامعه می‌شود و به اندازه‌ی کافی مورد توجه قرار نگرفته است، جنبه‌های تربیتی و آموزش مهارت‌های زندگی است. برای انجام این بخش از وظایف دانشگاه تاکنون برنامه‌ریزی‌های مؤثری ندیده‌ام؛ دلیل آن هم متأسفانه این باور نادرست است که اعضای هیئت‌علمی باید درس خود را ارائه دهند و امور تربیتی به وسیله‌ی افراد و یا تشکیلات دیگر باید انجام شود.

مایلم نیستیم از کلمه «ضعف» و «کاستی» استفاده کنیم، چون به کار بردن این کلمه ممکن است انتقاد از

عملکرد مدیران دانشگاه را تداعی کند، در حالی که همه آگاهیم در هر دوره‌ی مدیریت بیش از صد نفر از همکاران ما با وجود کمبودها و توقعات فراوان، شبانه‌روز و با خلوص نیت تلاش می‌کنند تا اهداف متعالی دانشگاه تحقق پیدا کند؛ لذا به کار بردن این کلمه را که ممکن است بعضی کمبودها را متوجه عملکرد آن‌ها کند، بی‌انصافی می‌دانم.

منشأ کمبودهای کنونی دانشگاه، حذف اعتبارات در دهه‌ی نخست پس از انقلاب از سوی سازمان برنامه و بودجه وقت است که هزینه‌کردن اعتبارات برای ساخت و ساز در مناطق جنگی را توجیه‌ناپذیر می‌دانست. وقتی در سال ۱۳۶۹ مسئولیت اداره‌ی دانشگاه به اینجانب و همکارانم واگذار شد، با بررسی کارشناسی و ارائه مستندات کافی به مسئولان وزارت متبوع و سازمان برنامه و بودجه نشان دادیم در حالی که برای دانشگاه‌های هم‌تراز دانشگاه شهید چمران (دانشگاه‌های شیراز، اصفهان، کرمان، مشهد و تبریز) رشد سالیانه اعتبارات در نظر گرفته‌اند، برای دانشگاه شهید چمران این رشد بسیار ناچیز و عملاً در حد صفر در نظر گرفته شده است.

تلاش فراوانی شد تا پس از سه سال وزیر به معاون عمرانی خود دستور داد که اعتبار ویژه‌ای برای جبران عقب‌ماندگی‌های هشت سال دفاع مقدس در نظر بگیرد. متأسفانه به علت مداخلات بعضی افراد و جریان‌ها در امور دانشگاه و خاتمه‌ی مسئولیت اینجانب، پیگیری‌ها دنبال نشد و فرصت اصلاح اعتبارات ملی دانشگاه از دست رفت که از آن به نام دوره‌ی از دست رفتن فرصت‌ها یاد کردم. متأسفانه در تمام دوره‌ی بعد از انقلاب کم و بیش شاهد این‌گونه مداخلات و کم‌توجهی مدیریت دانشگاه برای تأمین و جذب اعتبارات بوده‌ایم.

نتیجه‌ی این تنازعات، وصول نشدن مطالبات دانشگاه از اعتبارات ملی

برای توسعه‌ی فضاها کالبدی و نگهداری و نوسازی بعضی از تأسیسات دانشگاه است. برای مثال بیش از ۳۰ سال است که اعتبار مناسبی برای انجام تعمیرات و بازسازی کارگاه‌های مهندسی یا اصلاح شبکه جمع‌آوری آب‌های سطحی کوی استادان و احداث منازل سازمانی جدید هزینه نشده است. راهکار رفع این کمبود این است که مسئولان دانشگاه بدون احساس خستگی و با بسیج همه‌ی امکانات، جذب اعتبارات ملی و استانی را پیگیری کنند. بدون شک درآمدهای دانشگاه کفاف جبران این عقب‌ماندگی‌ها را نمی‌کند.

نقص عمده‌ای که بعد از انقلاب در دانشگاه وجود داشته و بسیاری از کمبودها ناشی از این نقیصه است، فقدان یک سازوکار منطقی، روشن و کارساز برای انتخاب مدیران ارشد دانشگاه است. اگرچه هر از چندگاهی روش‌هایی برای این امر مهم در پیش گرفته می‌شود، ولی معلوم نشده است که این روش‌ها تا چه حد کارایی دارند. اگر بتوان برای این امر مهم، سازوکار مناسب و کارآمدی را پیدا کرد و به اجرا گذاشت، تحول چشم‌گیری در تمامی فعالیت‌ها به وجود خواهد آمد. مدیران دانشگاه در تمامی سطوح باید شرایطی را فراهم و اعضای هیئت‌علمی را تشویق کنند تا در انجام بعضی از کارها به صورت داوطلبانه مشارکت کنند. این نوع فعالیت‌های داوطلبانه فرصتی را فراهم می‌کند تا از ابتکارات و توانایی‌های اشخاص برای پیشبرد امور و ارتقای کیفیت خدمات استفاده شود و تجارب آن‌ها برای پذیرش امور مدیریتی افزایش یابد.



دانشگاه شهید چمران، دانشگاهی جانباز و رزمنده

دکتر مسعود صفایی مقدم
رئیس پیشین دانشگاه شهید چمران اهواز
(۱۳۸۰-۱۳۸۴)

حضور من در دانشگاه شهید چمران به سال ۱۳۶۴ بازمی‌گردد؛ در آن زمان برای نخستین بار برای تدریس در کلاس درس حضور پیدا کردم و یادداشت‌های آن زمان را هنوز دارم. پس از آن در سال ۱۳۶۵ به‌عنوان معاون جنگ دانشگاه منصوب شدم که بعدها نام آن به معاونت امور دفاعی تغییر پیدا کرد.

آن زمان همه‌ی نهادهای دولتی سعی داشتند چنین معاونتی را در مجموعه‌ی خود ایجاد کنند. این معاونت خدمات بسیاری را انجام داد و حتی با سازمان دهی نیروهای دانشگاهی از دانشگاه‌های دیگر که می‌خواستند به جبهه‌های نبرد ملحق شوند و ایجاد گردانی به نام دانشگاه، نیروهای رزمنده دانشگاهی را در بعضی مناطق جبهه مانند جزیره مجنون مستقر کرد. از این نظر شاید دانشگاه شهید چمران، به تعبیر امام (ره) که فرمود، «خوزستان دین خود را به اسلام ادا کرد»، در میان دانشگاه‌های کشور دین خود را ادا کرده است و امیدواریم آسیب‌هایی که در دوران جنگ تحمیلی متحمل شد نیز به‌نوعی مورد توجه قرار گیرد و جبران شود.

در آن زمان عضو هیئت‌علمی دانشکده‌ی علوم تربیتی بودم. سپس برای ادامه‌ی تحصیل به خارج از کشور رفتم. حدود سال ۱۳۷۳ تحصیلاتم را به پایان رساندم و به‌عنوان استادیار در دانشگاه مشغول به کار شدم. در سال ۱۳۸۰ مسئولیت مدیریت دانشگاه را بر عهده گرفتم که البته پیش از آن در سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۸۰ به‌عنوان معاون اداری مالی دانشگاه و پیش از آن در جایگاه معاون اداری مالی دانشکده فعالیت می‌کردم.

دانشگاه شهید چمران به‌طور رسمی از سال ۱۳۳۴ آغاز به کار کرد و سال تأسیس آن به این زمان منسوب می‌شود. برای دانشگاه‌ها یک رسالت جهانی، منطقه‌ای، ملی و محلی قائل هستم، بنابراین هر دانشگاه در هر جامعه باید دورنمایی از چنین رسالت چهارگانه‌ای را مدنظر داشته باشد؛ به این معنا که نباید از تحولات جهانی دور بماند و از سوی دیگر سهمی در تحولات علمی منطقه، کشور و حتی موقعیت محلی خود داشته باشد. دانشگاه شهید چمران نیز از زمان تأسیس تا انقلاب، روند

نسبتاً مشخصی را طی کرد. دانشگاه جندی شاپور که یک دانشگاه جوان محسوب می‌شد، امیدهای بسیاری را به خود معطوف کرد و در کنار رسالت بین‌المللی خود، رسالت منطقه‌ای برجسته‌ای نیز مورد انتظار بود و تلاش بر این بود که این دانشگاه، محور علمی منطقه‌ی خلیج فارس و مرجعی در منطقه جنوب و غرب کشور و به‌خصوص کشورهای حاشیه خلیج فارس تبدیل شود.

با وقوع انقلاب اسلامی و بلافاصله پس از آن جنگ تحمیلی، دانشگاه دچار شرایط بسیار متفاوتی شد. دانشگاه شهید چمران به تبع استقرار آن در منطقه‌ی خوزستان، بیشتر از دانشگاه‌های دیگر کشور درگیر جنگ شد و بیشترین و فعال‌ترین حضور را در دوران دفاع مقدس داشت. از ۳۱ شهریورماه سال ۱۳۵۹ که کشور مورد هجوم عراق قرار گرفت، یکی از شهرهایی که بیشترین تهاجم‌ها متوجه آن شد، اهواز بود و از همان زمان دانشگاهیان، کارکنان، استادان و دانشجویان دانشگاه



نیز به طور مستقیم درگیر جنگ شدند. در ابتدا فضای متشنجی ایجاد شد که دانشگاهیان و خانواده‌های آنان را نیز متأثر کرد. به تدریج یک سازمان دهی انجام و حضور دانشگاهیان به شیوه‌های مختلف نظام‌مند و مؤثرتر شد. در نهایت دانشگاه شهید چمران پایگاه استقرار نیروهایی شد که از استان‌های مختلف اعزام می‌شدند و بسیاری از مکان‌ها و امکانات دانشگاه در اختیار نیروهای رزمنده قرار گرفت. به تدریج این روند سازمان یافته‌تر شد، تا جایی که پس از بازگشایی دانشگاه‌ها، معاونت جنگ نیز در دانشگاه تأسیس شد و توانست کمک‌های زیادی کند و بسیاری از همکاری‌هایی را که به صورت پراکنده در دانشگاه صورت می‌گرفت، سازمان‌دهی کند و در نهایت گردانی به نام گردان دانشگاه ایجاد شد. در شرایطی که همه‌ی دانشگاه‌های کشور پس از انقلاب با توجه به جریان انقلاب فرهنگی تعطیل شدند، دانشگاه شهید چمران علاوه بر آن دچار آسیب‌های جنگ هشت‌ساله شد؛ در سال‌های اول جنگ، از لحاظ فیزیکی نیز درگیر بود و سال‌های بعد نیز بسیاری از اماکن و امکانات دانشگاه در اختیار نیروهای رزمنده قرار گرفت. از این رو، هیچ دانشگاهی در کشور مانند دانشگاه شهید چمران عملاً درگیر جنگ و دفاع مقدس نبود.

این روند تقریباً تا پایان جنگ ادامه یافت و پس از آن دانشگاه کم‌کم توانست به شرایط عادی بازگردد. این در حالی بود که دانشگاه‌های دیگر در شرایط نسبتاً مناسبی به سر می‌بردند و هرچند کشور در حال جنگ بود، آن شهرها، استان‌ها و دانشگاه‌ها در آرامش، رشد طبیعی خود را طی می‌کردند. با وجود این‌که خسارت‌های جنگ مستقیماً متوجه دانشگاه شهید چمران بود و جنگ یک تهدید و آسیب محسوب می‌شود، اما وجه دیگر آن یک فرصت است. در آن دوران دانشگاه با

شرایط معنوی کاملاً برجسته‌ای مواجه بود که شاید دانشگاه‌های دیگر چنین تجربه‌ی معنوی در دفاع مقدس را نداشتند و این امر می‌توانست مبنای یک سرمایه برای دانشگاه باشد. بسیاری از نیروهای مستعد و توانمند دانشگاه‌های دیگر که در آن سال‌ها به جبهه‌های جنگ اعزام می‌شدند، بعدها به‌عنوان اعضای هیئت علمی، جذب دانشگاه شدند. در واقع انگیزه‌ی این افراد نسبت به شرایط دفاع مقدس در دانشگاه و مردم ایران و احساس دین نسبت به خوزستان موجب شد که خواستار حضور در جبهه‌های دفاع مقدس شوند. بنابراین جنگ در عین حال که خسارت‌های جدی به دانشگاه وارد کرد، فضایی معنوی نیز ایجاد کرد که نباید آن را از نظر دور بداریم.

پیش از انقلاب، دانشگاه جندی شاپور از لحاظ فیزیکی و امکانات با دانشگاه شهید چمران فعلی قابل مقایسه نبود و شاید بتوان گفت دوران نوجوانی خود را طی می‌کرد، ولی برحسب برنامه‌های صحیح و درازمدت، می‌توان پیش‌بینی کرد که در آینده وضع به‌گونه‌ای خواهد شد که به یکی از قطب‌های علمی منطقه تبدیل شود؛ به‌رحال این توقف هشت‌ساله و وقوع جنگ برخی برنامه‌های پیش‌بینی شده را به تعویق انداخت، اما با پایان جنگ شرایط کشور تا حدودی به سامان شد و دانشگاه نیز توانست طرح جامع خود را دوباره از سر بگیرد.

امیدوارم دانشگاه شهید چمران در آینده نقش بسیار فعال‌تری در منطقه ایفا کند و برای تحقق این امر لازم است که مسئولان کشور، در عمل دانشگاه را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین قطب‌های علمی و شاید مهم‌ترین قطب علمی منطقه‌ی جنوب غرب کشور به رسمیت بشناسند و امکانات مورد نیاز را در اختیار آن قرار دهند.

پس از پایان جنگ، فرصت و امکانات کافی برای جبران عقب‌ماندگی‌ها در اختیار دانشگاه قرار

نگرفت و هنوز این مساله به قوت خود باقی است. معتقدم این عقب‌ماندگی‌ها همچنان گریبان دانشگاه را گرفته است و در بعضی بخش‌ها هنوز با مشکل مواجه‌ایم. انتظار می‌رفت این مساله و مسائلی از این دست، به‌طور برجسته دیده شود که متأسفانه این‌گونه نشد. با وجود آن، دانشگاهیان دانشگاه شهید چمران به تلاش خود ادامه دادند و اکنون می‌توان گفت دانشگاه در شرایط خوبی قرار دارد. البته مشکلات در همه‌ی ساختارهای اداری کشور و همه‌ی دانشگاه‌ها وجود دارد، اما دانشگاه شهید چمران دانشگاهی



است که در بخش‌ها و سطوح مختلف از کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا، یکی از دانشگاه‌های بسیار فعال است و ارتباط دانشگاه با نهادها بیرونی اعم از صنایع و نهادهای اجتماعی در شرایط خوبی است و امیدواریم بیش از پیش گسترش یابد و روز به روز دانشگاه برای رفع مشکلات مردم، صنایع و نهادهای اجتماعی با حساسیت و مسئولیت بیشتری وارد عمل شود و از بیرون نیز اعتماد مسئولان به دانشگاه تقویت شود.

برای رشد دانشگاه و جامعه هیچ راهی نداریم جز آن‌که فرآیندهایی را

طراحی کنیم که ارتباط دانشگاه با نهادهای بیرونی از لحاظ کمی و کیفی به شکل نظام‌مند و سازمان یافته افزایش یابد و دانشگاه برطرف‌کننده مشکلات واقعی مردم باشد. البته دانشگاه‌ها همواره از جمله مجموعه‌های مورد اعتماد مردم بوده‌اند؛ به همین دلیل در مقاطع مختلف سعی شده که نظرات دانشگاهیان به جامعه منتقل شود و جامعه نیز به دانشگاهیان اعتماد کند. این اعتماد اجتماعی نیز نباید



خدشه‌دار شود و در شرایطی که گفته می‌شود اخلاق اجتماعی رو به افول است، نباید اجازه داد که در دانشگاه، چنین شرایطی ایجاد شود. تحقق این امر مستلزم آن است که دانشگاهیان به‌عنوان اقشار فرهیخته جامعه، بیش از دیگران احساس مسئولیت اخلاقی، اجتماعی و علمی داشته باشند، نسبت به شرایط اخلاقی و اجتماعی جامعه حساسیت نشان دهند، محیط کار خود را سالم و پاک کنند و پاک نگه‌دارند و کارهای خود را به نحو احسن انجام دهند.

مواردی که امروزه به عنوان

بداخلی‌های علمی و سرعت‌های ادبی مطرح است نباید در دانشگاه‌های ما دیده شود و انتظار می‌رود که دانشگاه شهید چمران از این نظر اولین دانشگاه کشور باشد و برنامه‌ی یک دانشگاه پاک و سالم را اجرایی کند. به‌رحال همه دانشگاه‌های کشور خوب هستند، اما دانشگاه شهید چمران در منطقه‌ای قرار دارد که هشت سال دفاع مقدس را تجربه کرده و بیشترین نزدیکی را



به مناطق عملیاتی داشته است. هم محیط فیزیکی دانشگاه دچار آسیب‌های ناشی از تهاجم عراق شد و هم دانشگاهیان ما جنگ را از نزدیک شاهد بودند و شهیدان بسیاری تقدیم انقلاب کردند. دانشگاه شهید چمران یک دانشگاه جانباز و رزمنده است؛ همان‌گونه که از یک جانباز و رزمنده انتظار دارند الگوی اخلاقی جامعه باشد، دانشگاه شهید چمران نیز باید الگوی اخلاق، پاک‌ی و صداقت در پژوهش برای همه دانشگاه‌های کشور باشد و امیدواریم با برنامه‌ریزی‌هایی که در حوزه‌ی معاونت پژوهشی و مدیریت

دانشگاه در حال انجام است، به این هدف دست یابیم.

مأموریت اصلی دانشگاه‌ها مأموریت منطقه‌ای نیست، بلکه حتی می‌توان گفت بین‌المللی است و پس از آن مسائل ملی و سپس مسائل و مشکلات منطقه را شاید بتوان مورد توجه قرار داد؛ در درجه‌ی اول، دانشگاه یک نهاد علمی است و علم نیز یک امر



جهانی است. بر این اساس ارتباطات دانشگاه با سراسر دنیا باید به‌روز باشد، درحالی‌که شاید در بخش‌های دیگر چنین نیازی وجود نداشته باشد؛ بنابراین مأموریت دانشگاه ملی و فراملی است. با این وجود دانشگاه به هر منطقه‌ای که وارد می‌شود همراه با خود عمران، آبادی، فکر، اندیشه و فرهنگ را نیز به آن منطقه وارد می‌کند؛ زیرا وقتی دانشگاهی تأسیس می‌شود به تدریج استادان، فرهیختگان، دانشگاهیان، دانشجویان و افرادی که با علم، دانش، فهم و رفتار سنجیده سروکار دارند به آن منطقه وارد می‌شوند و همه‌ی این موارد



به معنای فرهنگ است.

رشد و پرورش فرهنگ جامعه‌ای که دانشگاه در آن واقع شده است، نسبت به جامعه‌ای که دانشگاه ندارد، کامل‌تر و سریع‌تر است. به‌طور طبیعی انتظار این است که جامعه‌ای که در آن دانشگاه وجود دارد، در همه‌ی وجوه و ابعاد اخلاقی، رفتاری و عملکردی بهتر عمل کند. وقتی چنین فضای فرهنگی در جامعه‌ای ایجاد شود، آن‌گاه این انتظار وجود دارد که بخش‌های مختلف صنعتی، اقتصادی و تجاری نیز رشد بهتری داشته باشند. رشد اقتصادی در بستر فرهنگ درست، حاصل می‌شود. دانشگاه باید چنین امری را محقق کند. حال این‌که دانشگاه شهید چمران تا چه میزان در این امر موفق بوده، نیازمند بررسی است. به‌طور کلی می‌توان گفت دانشگاه تأثیرات مفیدی داشته است، اما این‌که آیا این اثرگذاری به حدی بوده که اسباب رضایت‌مندی ما را فراهم کند، شاید بگوییم خیر؛ این مساله شاید به محدودیت‌هایی برگردد که گاه در مورد دانشگاه‌ها اعمال شده است یا شاید دانشگاهیان آن اعتماد به نفس لازم را نداشته‌اند.

حضور دانشگاهیان در جامعه تحت تأثیر این کاهش اعتماد به نفس کم‌رنگ‌تر شده است و وقتی حضور دانشگاه در حوزه مسائل اجتماعی در جامعه کم‌رنگ شود، کم‌کم نادیده گرفته می‌شود. اگر دانشگاه و دانشگاهیان حضور خود در جامعه را به کلاس‌های درس محدود کنند، این به معنای محدود کردن خود است و به تدریج جامعه نیز دانشگاه و دانشگاهیان را گم می‌کند. دانشگاهیان باید با حضور در جامعه و ارتباطات بیرونی به اثبات خود بپردازند. نهاد دانشگاه در عین حال که یک مأموریت فراملی دارد، باید برای همسایگان خود، نهادهای صنعتی پیرامون و مردم اطراف برکاتی داشته باشد و آن‌ها به روشنی ببینند که دانشگاه هم از لحاظ مادی و هم معنوی به آن‌ها منفعت

می‌رساند و همه‌ی این موارد مستلزم حضور دانشگاه به خصوص در حوزه‌ی مسائل اجتماعی است.

اگر دانشگاه شهید چمران نسبت به سرنوشت مردم مناطق حاشیه و محروم خوزستان حساسیت نداشته باشد و سرنوشت مردم، دل‌مشغولی دانشگاهیان نباشد، این دانشگاه کم‌کم از دید مردم که همه‌کاره‌ی مملکت هستند، فراموش می‌شود. دانشگاهیان باید نشان دهند که احساس مسئولیت می‌کنند، نگران جامعه هستند و تمام تلاش خود را به‌کار بگیرند که جامعه را از شاهره توسعه‌ی علم و فرهنگ، ارتقا دهند و سطح زندگی، رفاه، اخلاق، معنویت و دین مردم بهبود یابد؛ این موارد انتظاراتی است که جامعه از دانشگاه دارد و همه‌ی این‌ها مستلزم اعتماد به نفس است. اگر موانعی برای هر دانشگاه ایجاد شود که به وظایفش بپردازد و حضور در این میدان‌ها، انجام این مسئولیت‌های اجتماعی برای دانشگاه و ایفای نقش در این حوزه‌ها هزینه‌بر شود، کم‌کم این احساس مسئولیت فروکش می‌کند و تحلیل می‌رود، تا آنجا که دانشگاه نسبت به سرنوشت مردم بی‌توجه می‌شود.

امام خمینی (ره) فرمودند: «دانشگاه کارخانه‌ی آدم‌سازی است» و در شعری از سده‌ی هم آمده که «توکز محنت دیگران بی‌غمی، نشاید که نامت نهند آدمی»؛ دانشگاهی که می‌خواهد کارخانه‌ی آدم‌سازی و انسان‌سازی باشد، نباید نسبت به محنت دیگران بی‌غم و بی‌تفاوت باشد؛ حساسیت به مسائل اجتماعی در قالب مأموریت‌های اجتماعی دانشگاه‌ها باید بروز یابد؛ به عبارت دیگر یک استاد شیمی و ریاضی در دانشگاه نیز چنین مسئولیتی دارد و این تنها مربوط به استاد اقتصاد و علوم اجتماعی نیست، بلکه هر کس به میزان دانش و فهم خود مسئول است. از خداوند متعال می‌خواهیم که ما را موفق کند هم در حوزه‌ی مسائل علمی توفیق پیدا کنیم و دانشگاه‌مان

و خودمان را ارتقا دهیم و هم بتوانیم وضعیت مردم در ابعاد فرهنگی، علمی و اقتصادی را ارتقا بخشیم که از زندگی در جامعه‌ای مانند ایران احساس مباهات و افتخار کنند و روزی برسند که افرادی در جوامع دیگر نیز این آرزو را داشته باشند که در ایران زندگی کنند.

معتقدم دانشکده‌ی مهندسی علوم آب دانشگاه در سطح کشور بی‌نظیر است و اگر هم دانشکده‌ی علوم آب دیگری در کشور وجود داشته باشد، عمر چندانی ندارد؛ در واقع دانشکده‌ی آب دانشگاه شهید چمران نخستین دانشکده‌ی علوم آب کشور و دارای ظرفیت‌های بسیاری است و از سوی دیگر با توجه به این‌که بیشترین پروژه‌های آبی کشور در خوزستان طراحی و اجرا می‌شود، این دانشکده این شانس و فرصت را داشته که با پروژه‌های بزرگ آبی کشور همکاری کند. این همکاری‌ها نیز انجام شده است و یکی از ظرفیت‌های خوب دانشگاه، استادان و دانشجویانی هستند که در این رشته کار می‌کنند. بخش آب خوزستان نیز از نتایج این همکاری‌ها کاملاً منتفع شده است و رضایت دارد، به‌گونه‌ای که این همکاری‌ها یک الگوی خوب از ارتباط میان دانشگاه و صنعت است.

دانشکده‌ی ریاضی نیز از دانشکده‌های قدیمی و بسیار با ظرفیت است که از استادان برجسته برخوردار است؛ در دانشکده‌ی مهندسی نیز در بیشتر رشته‌ها استادان مجربی حضور دارند که در سطوح مختلف فعال هستند؛ هرچند این ظرفیت وجود دارد که در استانی مانند خوزستان با وجود صنایع بزرگ، یک دانشگاه صنعتی بزرگ نظیر آنچه در اصفهان وجود دارد، طراحی و دایر شود. بخش علوم انسانی دانشگاه نیز در حال توسعه است. دانشکده‌ی علوم تربیتی دانشگاه از سال‌های پیش از انقلاب در تحصیلات تکمیلی فعال بوده و استادان بسیار خوبی داشته است و دارد؛ همچنین

دیگر بخش‌های علوم انسانی دانشگاه مانند دانشکده‌های ادبیات و زبان‌های خارجی، اقتصاد و علوم اجتماعی و الهیات نیز همین‌طور است.

دانشکده‌ی دامپزشکی دانشگاه نیز یکی از بهترین‌های این حوزه در کشور است. این دانشکده دارای امکانات خوب و استادان زبردستی است و در مجموع فکر می‌کنم در بخش‌های مختلف با توجه به نیازمندی‌ها، کارهای خوبی از سوی دانشگاه انجام شده است، اما سرمایه‌ی علمی عظیم موجود در دانشگاه بسیار بیشتر از آنچه تاکنون از آن استفاده شده است، می‌تواند به جامعه خدمت‌رسانی کند و آنچه تاکنون انجام شده است، کافی نیست. خوشبختانه دفتر ارتباط با صنعت در دانشگاه تأسیس شده است، معتقدم این دفتر باید از روز اول با عنوان «دفتر ارتباط با جامعه» نام‌گذاری می‌شد، زیرا از دید من آموزش و پرورش هم یک صنعت است، اما چون امروز صنعت معنای دیگری در زبان عامه‌ی مردم دارد، دانشگاه باید ارتباط خود با کل جامعه و از جمله بخش صنعت را قوی‌تر کند. دانشگاه در زمینه‌ی ارتباطات اجتماعی که به خصوص بخش علوم انسانی می‌تواند در این حوزه فعال‌تر شود، باید در گفتمان‌سازی برای جامعه‌ی نخبه‌ی خوزستان و بلکه مملکت فعالیت کند.

در واقع مسائل جدی، اساسی و استراتژیک در هر استان باید از سوی دانشگاه شناسایی و مطرح شود و دانشگاه تمام اسباب و لوازم تئوریک و غیرتئوریک رشد فرهنگی را در قالب گفتمان‌های مختلف در اختیار بخش فرهیخته‌ی جامعه و سپس توده‌ی مردم قرار دهد. با توجه به این‌که کشور ما دارای یک نظام متمرکز است، همواره دولت مرکزی بسیار تأثیرگذار است، زیرا همیشه به مرکز نگاه می‌کنیم؛ راهکار، راهنما، بخش‌نامه، آیین‌نامه و ... همواره از مرکز ابلاغ می‌شود. این مساله در هر بخش و سازمان که درست باشد،

در دانشگاه چندان درست نیست و دانشگاه‌ها نباید این‌گونه اداره شوند. تصویب قانون اداری دانشگاه‌ها به صورت هیئت‌امنائی، هم‌راستا با این وجه ممیزه‌ی دانشگاه است. متأسفانه چون بخش‌های دیگر جامعه این ظرفیت را ندارند، دانشگاه‌های ما هم این ظرفیت را پیدا نکردند یا این ظرفیت در عمل به آن‌ها داده نشد که خودشان، خودشان را اداره کنند؛ حال آن‌که باید به جایی برسیم که یک دانشگاه مانند دانشگاه شهید چمران با وجود شمار زیاد هیئت‌علمی، خود را اداره کند. اگر قرار است برای دانشگاه رییس تعیین شود، خود دانشگاه آن را انتخاب کند و اگر می‌خواهند رییس دانشکده انتخاب کنند، خودشان این کار را انجام دهند.

مسئولان وزارت، دوستان ما هستند، اما بسیاری از مسائل مناطق را نمی‌دانند و نیازی هم نیست که بدانند. هیچ جای دنیا این‌گونه نیست که یک وزارت علوم عربض و طویل برای دانشگاه‌ها تعیین تکلیف کند. آن‌ها کاری به مسائل و جزئیات کار دانشگاه‌ها ندارند، این‌که کاری ندارند به این معنا نیست که حساس نیستند، بلکه کاملاً حساس هستند، اما می‌دانند که کار را باید به کاردان بسپارند. افرادی که در همان محیط کار می‌کنند و به مسائل مختلف آن اشراف و تسلط دارند، کاردان هستند. اگر یک مدیر به نیروهای زیردست خود اعتماد کند، آنگاه تربیت آغاز می‌شود؛ شروع کار تربیت با اعتماد به افراد است. آن‌وقت خود افراد دنبال مسائل خود می‌روند و آن‌ها را بررسی می‌کند و راهکار ارائه می‌دهند.

اگر استادان دانشگاه نتوانند محیط کاری یا دانشگاه خود را اداره کنند، چگونه می‌خواهند انسانی تربیت کنند که مملکت را اداره کند و امور مختلف آن را به دست بگیرد؟ بنابراین میزان اثرگذاری وزارت، افراد و دولت‌های مختلف بر روند فعالیت دانشگاه بسیار زیاد است، اما کاری که

باید دانشگاهیان انجام دهند، کاهش این اثرات است؛ این‌که چه دولتی روی کار است یا چه دولتی آمده و می‌رود، نباید در کار دانشگاه اثر داشته باشد و دانشگاهیان باید وظیفه و کار اصلی خود را انجام دهند.

باید برنامه‌ی درازمدت توسعه‌ی دانشگاه تدوین شود و دانشگاهیان بر اساس آن عمل کنند؛ ارزیابی‌ها نیز به دور از این باشد که امروز چه دولتی بر روی کار است؛ زیرا همه‌ی دانشگاهیان به دنبال توسعه‌ی فکر و اندیشه هستند. متأسفانه اکنون این‌گونه نیست و با آن‌که قانون هیئت‌امنا برای دانشگاه‌ها تصویب شده است، هنوز نه وزرای ما این اعتماد به نفس را دارند که کار را به دانشگاهیان واگذارند و نه دیگر بخش‌های جامعه چنین امری را می‌پذیرد.

مدیران اجرایی در هراستان با این استدلال که «مگر دانشگاه تافته‌ی جدا بافته است و دانشگاه نیز مانند دیگر نهادها و ساختارها یک اداره است»، عنوان می‌کنند که چیزی به نام قانون هیئت‌امنا را نمی‌شناسند و به همین دلیل مشکل ایجاد می‌شود، درحالی‌که چون مأموریت دانشگاه در هر منطقه، استانی نیست، ساختار آن هم نباید استانی باشد؛ هیئت‌امنائی شدن دانشگاه‌ها نیز در همین رابطه است. مأموریت دانشگاه فراملی است، بنابراین نباید خیلی استانی یا منطقه‌ای اداره شود. در واقع از این نظر دانشگاه عکس سازمان‌های دیگر است. برای مثال سازمان آب و برق خوزستان به دلیل آن‌که باید آب خوزستان را تأمین کند، باید زیر نظر استاندار باشد، اما دانشگاه شهید چمران ایجاد نشده است که علم استان خوزستان را تأمین کند. آنچه بدتر از این موارد است، دخالت افرادی از یک قوه‌ی دیگر در کار دانشگاه‌ها است. نمایندگان مجلس که مربوط به قوه‌ی قانون‌گذاری هستند، در کار قوه‌ی مجریه دخالت و عنوان می‌کنند که چه کسی باید رییس دانشگاه یا

دانشکده شود که در اکثر موارد افرادی غیردانشگاهی هستند و این یکی از خطراتی است که دانشگاه‌ها را تهدید می‌کند. به نظرم دولت فعلی نیز در این بخش ضعیف عمل کرده و نتوانسته است استقلال قوه‌ی مجریه را پاس بدارد، به همین دلیل در بخش آموزش عالی مشاهده می‌کنیم که قوه‌ی مقننه و نمایندگان مجلس دخالت ناموجه دارند و وزرای ما را به گروگان گرفته‌اند و می‌گویند اگر آن کار را انجام ندادید شما را استیضاح می‌کنیم! این فرهنگ، اخلاق و رفتار باید از ساخت آموزش عالی زدوده شود.

دانشگاه نباید به یک سرمایه‌ی سیاسی تبدیل شود که در صورت روی کار آمدن یک گروه سیاسی، در اختیار این و سپس با روی کار آمدن گروهی دیگر، به دست آن باشد. دانشگاه یک نهاد علمی است که قرار است تمام ملزومات بهترین رفتارهای فرهنگی و سیاسی را بسازد و این‌ها مواردی است که باید در عالی‌ترین سطوح کشور و در شورای عالی انقلاب فرهنگی به بحث گذاشته شود و یک‌بار برای همیشه تکلیف دانشگاه‌ها روشن شود و همه بپذیرند که اجازه دهند خود دانشگاهیان، دانشگاه را مدیریت کنند.

دانشگاه‌ها و آسیب سیاست‌زدگی

دکتر مرتضی زرگر شوشتری

رئیس پیشین دانشگاه شهید چمران اهواز
(۱۳۸۶-۱۳۸۹)



۱۲ شهریور ۱۳۶۲ و پس از فارغ‌التحصیلی از آمریکا به دانشگاه شهید چمران وارد شدم. آن زمان دانشگاه‌ها پس از انقلاب فرهنگی دوباره بازگشایی شده بودند و البته هنوز جنگ جریان داشت. به علت فضای جنگ تحمیلی، بخشی از دانشگاه در اختیار رزمندگان قرار داشت. سوله‌ی بزرگ دانشکده‌ی تربیت بدنی بخش عمده‌ای بود که در اختیار نیروهای پشتیبانی جبهه‌ها قرار گرفته بود و استخر و کتابخانه‌ی مرکزی نیز در اختیار نیروهای بسیج بود و تا اوایل سال ۱۳۷۰ نیز رزمندگان در دانشگاه حضور فیزیکی داشتند. البته بسیجیان همواره در دانشگاه حضور دارند و اکنون هم بیشتر اعضای هیات علمی دانشگاه از بسیجیان هستند، اما آن زمان مکان‌هایی از دانشگاه هم به‌طور فیزیکی در اختیار آن‌ها قرار داشت. پس از آن و با قبول قطعنامه‌ی ۵۹۸ و پایان جنگ تحمیلی، دانشگاه رشد خود را آغاز کرد.

آن زمان طرح‌های عمرانی دانشگاه متوقف شده بود. یکی از دلایل عقب‌افتادگی دانشگاه شهید چمران از دانشگاه‌های مشابه خود در جنبه‌های مختلف و حداقل از نظر فیزیکی نسبت به دانشگاه‌های هم‌تراز که در آن زمان به سرعت رشد می‌کردند، این بود که در دانشگاه شهید چمران به دلیل وقوع جنگ، امکان ساخت و ساز وجود نداشت. به هر حال با پایان جنگ تحمیلی، دانشگاه به تدریج روند رو به رشد خود را طی کرد و به نظرم در سال‌ها اخیر رشد نسبی خوبی داشته است. بنده هم در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹ مسئولیت ریاست دانشگاه را برعهده داشتم.

عمر ۶۰ ساله‌ی دانشگاه را می‌توان در دو بخش ۲۵ سال پیش از انقلاب و ۳۵ سال پس از انقلاب بررسی کرد. اگر اواخر سال ۱۳۵۶ را به عنوان معیار در نظر بگیریم، در آن زمان تعداد دوره‌های تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عدد انگشتان دو دست هم نمی‌رسید. اگرچه دانشگاه

نیروهای خوبی در اختیار داشت و به طور مثال در گروه فیزیک بیش از ۱۰ استاد با درجه دکتری فعالیت می‌کردند و همه دانش‌آموخته‌ی دانشگاه‌های خارج کشور بودند، اما دوره‌ی کارشناسی ارشد در گروه وجود نداشت و در دانشکده‌ی علوم هم بیشتر رشته‌ها فعال نبودند؛ در سطح دانشگاه نیز تعداد دوره‌ها اندک بود. با وجود اعضای هیئت علمی خوب، به دلایل مختلف که یکی از آن دلایل می‌تواند عدم اعتماد به نفس باشد، دوره‌های تحصیلات تکمیلی گسترش چندانی نداشت، اما به هر حال عملکرد دانشگاه خوب بود.

معتقدم همه‌ی رؤسای دانشگاه در دوران ریاست خود با توجه به شرایط زمانی، کم‌وبیش برای رشد و توسعه‌ی دانشگاه تلاش کرده‌اند؛ حال ممکن است در دوره‌ای شرایط به‌گونه‌ای بوده که کار بیشتری نمود پیدا کرده است و یا در دوره‌ای شرایط، عکس آن بوده است. به هر حال افرادی که اوایل انقلاب و در دوران جنگ، مدیریت دانشگاه را بر عهده داشتند، به دلیل آن‌که امکانات رشد و توسعه برای‌شان فراهم نبود شاید نتوانستند آن‌گونه که باید دانشگاه را توسعه دهند، اما در هر صورت تلاش خود را کرده‌اند.

در دوره‌ی مدیریت خود، بیشتر بر

حوزه‌های آموزشی، پژوهشی و فرهنگی متمرکز شدم. از منظر مسائل سیاسی نیز تلاش کردم دانشگاه سیاست‌زده نشود، اما قطعاً مسائل سیاسی هم در همه‌ی دوران‌ها وجود داشته است. یکی از آسیب‌های دانشگاه، سیاست‌زدگی و نه سیاسی بودن است. در هر حال سیاست را نمی‌توان از افراد جدا کرد، زیرا مطابق جمله‌ی معروف شهید مدرس که «سیاست ما عین دیانت ما و دیانت ما عین سیاست ماست»، هر فرد در جامعه‌ی اسلامی باید در مسائل سیاسی نیز نقش ایفا کند، اما تلاش شد که فضای حاکم بر دانشگاه، علمی باشد. رسالت دانشگاه، انجام کار علمی است و بر این اساس در دوره‌ی مسئولیت خود تلاش کردم جذب بودجه‌های تحقیقاتی برای دانشگاه افزایش یابد و آمارها نیز نشان می‌دهد که بیشترین جذب بودجه‌های پژوهشی از استان در طول ۶۰ سال عمر دانشگاه، در سال ۱۳۸۷ محقق شده است که در آن سال حدود هشت میلیارد تومان اعتبار از محل اجرای طرح‌های تحقیقاتی جذب شد. گویا امسال قرار است این رکورد شکسته شود؛ البته هنوز این موضوع عملی نشده است و به هر حال تلاش برای جذب بودجه‌های بیشتر پژوهشی، برای اعضای هیئت‌علمی موجب

مسرت و برای مدیریت‌ها مایه‌ی افتخار است. در آن سال دانشگاه در بعضی شاخص‌های جذب اعتبارات پژوهشی، در سطح کشور رتبه‌ی نخست و در برخی شاخص‌ها رتبه‌ی دوم را کسب کرد. دانشگاه‌ها بر جامعه تاثیر متقابل دارند و به نظرم دانشگاه شهید چمران در همه‌ی زمینه‌ها اثرات خود را بر جامعه گذاشته است. دانشگاه از نظر علمی با تربیت دانش‌آموختگان برجسته و فرهیخته از بدو تأسیس تاکنون، هم در استان و هم خارج استان، اثرگذار بوده است، زیرا دانش‌آموختگان تأثیرات دانشگاه را به خانواده‌های خود منتقل می‌کنند و خانواده‌ی پایه‌ی اجتماع است. در حیطه‌ی فرهنگی نیز به همین صورت بوده است و دیدگاه‌های مختلفی که در جنبه‌های گوناگون از جمله مسائل سیاسی داشتند، این تأثیرات را گذاشته است.

انعقاد قراردادهای پژوهشی با دستگاه‌های اجرایی یکی از نمودهای تأثیرگذاری دانشگاه بر جامعه با رفع مشکلات سازمان‌های مختلف است. اثربخشی دانشگاه بر جامعه با انعقاد قراردادهای تحقیقاتی نمود و بروز پیدا می‌کند. در دوره‌ی مسئولیت در دانشگاه تلاش شد هیئت‌ریسه ارتباط خوبی با استانداری داشته باشد و

استاندار وقت نیز جلسات متعددی با مسئولان بخش‌های مختلف استان با حضور دانشگاه، ترتیب داد که موجب شد بسیاری از پژوهش‌هایی که به سمت تهران هدایت می‌شدند، مسیر دانشگاه شهید چمران را در پیش بگیرند. اگر دانشگاه بتواند با دستگاه‌های اجرایی تعامل پیدا کند، بی‌گمان بسیاری از پژوهش‌هایی که از استان خارج می‌شوند، می‌تواند در استان انجام شوند. با توجه به جذب اعضای هیئت‌علمی بسیار خوب در این سال‌ها، توانمندی دانشگاه در حوزه‌های مختلف علمی نسبت به گذشته بسیار بیشتر شده است، ولی در مجموع آرمانی نیست و راه‌های نرفته بسیاری وجود دارد.

در خصوص ارزیابی وضعیت فعلی دانشگاه در حوزه‌های مختلف آموزشی، پژوهشی و نظرات مختلف و متضاد در حوزه‌ی تحصیلات تکمیلی که گاه وضعیت کنونی را به علت رشد بی‌رویه و عدم تعریف کار برای دانش‌آموختگان دکتری و کارشناسی‌ارشد نادرست می‌دانند و گاه تحصیلات تکمیلی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های پیشرفت پژوهش و فناوری عنوان می‌شود، معتقدم در هر کاری افراط و تفریط شود. آن کار مشکل پیدا می‌کند. اگر در جذب

دانشجوی کارشناسی یا کارشناسی‌ارشد و دکتری نیز از حالت تعادل یا اعتدال خارج شویم، آن سیستم با مشکل مواجه می‌شود. زمانی جذب دانشجوی تحصیلات تکمیلی بسیار اندک بود، اما با توجه به شرایط کشور، در دوره‌ای رشد بسیار سریعی پیدا کرد؛ اگر یک رشد آرام و متناسب با افزایش اعضای هیئت‌علمی انجام می‌شد، بین تعداد اعضای هیئت‌علمی و دانشجویان تعادل برقرار می‌شد.

رشد علمی وابسته به انجام تحقیقات است و تحقیقات نیز بدون داشتن دانشجوی تحصیلات تکمیلی امکان‌پذیر نیست؛ پیش از انقلاب که تعداد دانشجویان تحصیلات تکمیلی چه در دوره‌ی کارشناسی‌ارشد یا اندک دوره‌های دکتری، محدود بود، تحقیقات چندانی در کشور انجام نمی‌شد. تحقیقات آن زمان با ۲۵ سال اخیر قابل قیاس نیست. در ۱۰ سال اول پس از انقلاب درگیر مسائل مختلف از جمله جنگ تحمیلی بودیم، نه این‌که در این دوره رشد پژوهشی در کشور وجود نداشت، اما اندک بود؛ ولی در ۲۰ سال گذشته رشد پژوهش و تحقیق در کشور به هیچ وجه با اوایل انقلاب قابل قیاس نیست و یکی از دلایل عمده این رشد، توسعه‌ی تحصیلات

تکمیلی است. در آن دوران اعضای هیئت‌علمی بسیار خوبی در دانشگاه فعالیت می‌کردند. فکر می‌کنم با احتساب اعضای هیئت‌علمی دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور در مجموع حدود ۳۰۰ عضو هیئت‌علمی در دانشگاه حضور داشت و حدود ۳۰، ۳۵ رشته ارائه می‌شد، اما دوره‌های تحصیلات تکمیلی اندک بود. به نظرم افرادی که با گسترش دوره‌های تحصیلات تکمیلی مخالف هستند، درست فکر نمی‌کنند؛ البته من هم با رشد بی‌قاعده موافق نیستم و باید تعادل وجود داشته باشد، نه آن‌که آن قدر زیاد دانشجوی جذب شود که یک عضو هیئت‌علمی ۲۰، ۲۵ دانشجوی دکتری داشته باشد؛ در واقع در جذب دانشجوی کیفیت هم باید لحاظ شود.

گفته می‌شود پایین بودن آمار استناد به مقالات علمی کشور در سطح دنیا نشان می‌دهد که به نوعی کیفیت کار علمی در دانشگاه‌های ما در میان محققان دیگر کشورها چندان از درجه‌ی اعتبار بالایی برخوردار نیست و این مسأله به دلیل رشد کمی تحصیلات تکمیلی بدون توجه به ارتقاء کیفی است. تا اندازه‌ای با این دیدگاه موافقم که استناد یا ارجاع به مقالات ما شاید از متوسط استناد جهانی کمتر است. البته این موضوع





که این مسأله به علت عدم ارتباط قوی میان دانشگاه‌ها و صنعت است. اگر موضوع پایان‌نامه‌ها بنا بر نیاز صنعت تعریف شود، بخش عمده‌ای از این مشکل رفع می‌شود. البته نه همه‌ی رشته‌ها، زیرا بعضی رشته‌ها بنیادی هستند و ممکن است که صنعت نیاز آنی به آن‌ها احساس نکند، اما بسیاری از رشته‌ها این چنین نیستند و می‌توان با صنعت تعامل ایجاد کرد. پایین بودن آمار استنادات از ضعف مقالات نیست، زیرا بسیاری از مقالات ما در مجلات معتبر علمی داخل یا خارج کشور به چاپ می‌رسند و در برخی رشته‌ها تا زمانی که نکته‌ی بدیعی در پایان‌نامه وجود نداشته باشد، اصلاً پیشنهاد تأیید نمی‌شود، زیرا بدیع بودن به این معناست که کار خوب است و قطعاً به آن استناد می‌شود؛ اما به هر حال به نظر می‌رسد که باید رشد تحصیلات تکمیلی به یک تعادل برسد و هم‌زمان با رشد کمی، کیفیت هم لحاظ شود.

در حوزه‌ی آموزشی معتقدم نسبتاً توسعه خوبی اتفاق افتاده است؛ به عبارت دیگر از نظر تأسیس رشته‌های مختلف و جذب اعضای هیئت‌علمی در بسیاری از گروه‌ها خوب کار شده است و تقریباً در حال رسیدن به یک نقطه تعادل هستیم. در حوزه‌ی پژوهش باید تا حدودی بیشتر سرمایه‌گذاری کنیم. به نظرم حداکثر شاید ۲۰، ۴۰ درصد اعضای هیات‌علمی دانشگاه، پژوهش انجام می‌دهند که این آمار در دهه‌ی قبل حدود ۱۰ درصد بود؛ اکنون به‌طور متوسط این رقم در سطح دانشگاه‌های کشور حدود ۴۰ درصد و در دانشگاه شهید چمران نیز تقریباً مشابه متوسط کشور است که لازم است بر مسأله‌ی پژوهش بیشتر متمرکز شویم و ارتباط دانشگاه و صنعت را بیشتر تقویت کنیم.

از سوی دیگر بسیاری از وسایل آزمایشگاهی چه در بخش آموزش و چه پژوهش، فرسوده شده‌اند و در برخی گروه‌ها آزمایشگاه‌های آموزشی نیاز به بازسازی و نوسازی دارند؛ در بخش

پژوهش نیز با توجه به مشکلات مالی که از بدو تأسیس به خاطر پایه‌ی ضعیف بودجه‌ی دانشگاه در دوران جنگ، گریبان‌گیر دانشگاه بوده است، به نظر می‌رسد که باید سرمایه‌گذاری خوبی در تجهیزات آزمایشگاه‌های پژوهشی انجام شود، زیرا اکنون بسیاری از گروه‌ها که در تحصیلات تکمیلی تجربی کار هستند با مشکلات دستگاهی مواجه‌اند. آنچه باید مورد توجه قرار گیرد این است که به هر حال در مسائل فرهنگی نشاط لازم است. جامعه باید بانشاط باشد؛ یکی از مسائل در کنش و ارتباط متقابل جامعه و دانشگاه، مسائل فرهنگی است و این نشاط قابل قبول باید در فضای دانشگاه وجود داشته باشد. از سوی دیگر یکی از مشکلاتی که دانشگاه‌های کشور با آن مواجه هستند این است که احزاب در جامعه رشد منطقی خود را ندارند و به همین دلیل دانشگاه جور احزاب را می‌کشد.

این نکته که دانشگاه نباید سیاست‌زده باشد، اما سیاسی باشد به همین دلیل است که دانشگاه جور بسیاری از نهادها را می‌کشد؛ در حیطه‌ی مسائل فرهنگی نیز دانشگاه باید وزنه تعادل جامعه باشد و اگر جامعه تند یا کند می‌رود آن را به تعادل برساند، نه آن‌که جامعه را متلاطم کند. دانشگاه در حوزه‌های مختلفی می‌تواند رشد کند و مؤثر واقع شود. امکان رشد در حیطه‌های مختلف آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و اجتماعی و سیاسی در دانشگاه وجود دارد؛ به هر حال مسائل سیاسی کجا باید تبیین شوند؟ مگر غیر از این است که مسائل سیاسی باید در دانشگاه به بحث و نقد گذاشته شود و رشد کند؟ نظریه‌های سیاسی در کدام محافل شکل می‌گیرد؟ تاریخ علم نشان می‌دهد که پس از شکل‌گیری اسلام، رشد شتابنده‌ای در علم اتفاق افتاده، اما در دورانی نیز این رشد معکوس شده است. به عبارت دیگر ما علم را به غرب دادیم، اما به دلایل مختلف علم در شرق افول کرد؛ در حالی که غرب در حال رشد علمی بود؛

این موضوع که خاستگاه دانشگاه‌های ما به غرب باز می‌گردد درست است، زیرا ۱۵۰ سال قبل چنین ساختارهایی در کشور وجود نداشت، اما اگر از نظر زمانی به دورتر نگاهی بیندازیم در دوره‌ی آغازین اسلام هزار خانه‌ی تفکر در بغداد ایجاد شده بود. چرا به چنین وضعیتی رسیده‌ایم؟ این موضوع باید به‌طور تخصصی بررسی شود، اما به نظرم گروه‌های علوم انسانی ما باید بسیار بیشتر از علوم تجربی و بنیادی نظریه‌پردازی و کار کنند که این خلأها پر شود. انسان در این زمانه نمی‌تواند با جوامع دیگر برهم‌کنش نداشته باشد. به نظرم اسلام آن قدر قوی هست که بتواند با دیگر فرهنگ‌ها تعامل و گفت‌وگو کند و غالب هم شود. این موضوع هم به این بر می‌گردد که ما چه نیروهای انسانی در اختیار داریم و چگونه و با چه آموزه‌هایی آن‌ها را پرورش داده‌ایم تا بتوانند در مقابله با فرهنگ‌های بیرونی از فرهنگ و دین خود دفاع کنند.

باید به خودمان برگردیم و مسائل را خودمان حل کنیم، اما این‌که فرض کنیم به دلیل آن‌که دانشگاه‌ها را از بیرون اقتباس کرده‌ایم پس باید این ساختار را حذف کنیم، چنین چیزی امکان ندارد؛ این‌که بخواهیم با همین روند نیز ادامه دهیم به نظر درست نیست؛ بنابراین باید یک برنامه‌ریزی انجام دهیم که این روند را به دل‌خواه خود به سرانجام برسانیم که البته این کار ساده‌ای نیست. در حوزه‌ی علوم انسانی باید بیش از پیش تلاش کنیم، ولی باید نظریات دیگران را هم بشنویم، بخوانیم، تدریس کنیم و در نهایت بتوانیم از نظریات خود دفاع و یا آن نظریاتی که باید اصلاح شوند را اصلاح کنیم. در واقع این‌گونه نیست که بگوییم تنها نظر ما درست است و اسلام این توانمندی را دارد که تمام نظریاتی را که خلاف هستند پاسخ دهد و آن‌ها که درست است را تأیید کند. بنابراین باید بشنویم و سپس بهترین‌ها را انتخاب کنیم. به نظرم می‌رسد که یک کار را خودمان

باید انجام دهیم و آن مضاعف‌کردن تلاش‌ها است. همه‌ی اعضای هیئت‌علمی باید وارد میدان شوند و تلاش خود را در همه‌ی زمینه‌ها افزایش دهند و قطعاً باید با افزایش تعاملات با بیرون دانشگاه و تقویت این ارتباطات، امکانات بیشتری از بیرون جذب شود. بیشتر بودجه‌های دانشگاه‌ها از منابع دولت تأمین می‌شود که این کاردرستی نیست و باید سعی کنیم وابستگی بودجه‌ی دانشگاه‌ها به دولت کاهش یابد و از بخش‌های بیرونی نسبت به جذب منابع اقدام کنیم. در حال حاضر ساختار بخش خصوصی در کشور ضعیف است و امکان آن وجود ندارد که از طریق ارتباط با بخش خصوصی برای متنوع‌سازی منابع دانشگاه اقدام شود. اگر ساختار بخش خصوصی قوی شود می‌توانیم بودجه بیشتری از این بخش برای دانشگاه جذب کنیم. منابع دولتی هم محدود است و اگر تنها براساس بودجه‌ی دولتی برنامه‌ریزی کنیم، شاید تحقق اهداف دانشگاه بسیار زمان‌بر باشد. تجربه نشان داده دانشگاه‌هایی که توانسته‌اند ارتباط و تعامل خوبی با بخش خصوصی و صنعت برقرار کنند، پیشرفت‌شان نسبت به دانشگاه‌هایی که این توانمندی یا ارتباط را نداشته‌اند بسیار سریع‌تر بوده است.

مدیریت می‌تواند مسیر این ارتباط را فراهم و تسهیل کند. همه‌ی اعضای هیئت‌علمی باید برای ارتباط با صنعت تلاش کنند و با مسیری که مدیریت دانشگاه فراهم می‌کند، می‌توان بودجه‌ی بیشتری را جذب کرد. اگر فقط انتظار داشته باشیم که اعضای هیئت‌علمی این ارتباط را برقرار کنند، شاید درست نباشد؛ اما اگر مدیریت بتواند مسیر را بسازد اعضای هیات‌علمی باید تلاش دوچندان داشته باشند که این ارتباطات تکمیل و تثبیت شود. رفت‌وآمدها و ارتباطات میان دانشگاه و صنعت بسیار مهم است. ارتباطات مستمر و مؤثر با وزارتخانه نیز می‌تواند بر دیدگاه وزارت درباره‌ی دانشگاه

تأثیرگذار باشد؛ دانشگاه شهید چمران در گذشته‌ی نه چندان دور طرف مذاکره وزارت علوم بوده است و از این طریق توانسته امکاناتی را جذب کند.

یکی از مسائل و مشکلات دانشگاه از گذشته تا به حال، عدم ثبات مدیریت بوده است؛ عدم ثبات مدیریت در کل استان نیز همین مشکلات را برای استان رقم زده است. افرادی که در حوزه‌ی علوم انسانی کار می‌کنند می‌توانند بررسی کنند که عمر متوسط مدیریت‌ها در دانشگاه چه قدر بوده است و سپس بگویند که آیا عقب‌ماندگی‌های کل سیستم نسبت به استان‌های دیگر، ارتباطی به این موضوع دارد یا خیر. یکی از مزیت‌ها و محاسن این است که انسان در مجموعه‌ای کار کند که اختلاف نظر، دیدگاه و سلیقه وجود داشته باشد، اما نه به این معنا که چوب لای چرخ یکدیگر بگذارند. تخریب یا انتقاد متفاوت است؛ گاهی به دلیل آن‌که برخی انتقاد را با تخریب اشتباه می‌گیرند، برخوردها و رفتارهایی انجام می‌شود که عمر مدیریت‌ها را کم می‌کند؛ به هر حال سلیقه یکسان نیست، اما این‌که این عدم تشابه سلیقه باید چگونه بروز یابد و چگونه انتقاد کنیم، هنوز از مشکلات ماست و دیگر مشکلات هم به همین دلیل است.

در پایان، شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه را به همه‌ی دانشگاهیان، دانشگاه اعم از اعضای هیئت‌علمی، دانشجویان و کارکنان تبریک می‌گویم و معتقدم جامعه‌ی خوبی داریم، فقط هنر این است که بتوانیم این ظرفیت‌ها را در کنار هم مدیریت و شکوفا کنیم.

گوهری گران بها در دل خوزستان

دکتر حسن مروتی
رئیس پیشین دانشگاه
شهید چمران اهواز
(۱۳۸۹-۱۳۹۲)



دانشگاه شهید چمران یکی از مؤثرترین مراکز آموزش عالی در منطقه‌ی خوزستان و حتی استان‌های هم‌جوار آن مانند ایلام و لرستان به‌شمار می‌رود و در توسعه‌ی آموزش عالی در این استان‌ها نقش موثری ایفا کرده است. بسیاری از دانشگاه‌هایی که در منطقه فعالیت می‌کنند همه به‌نوعی برگرفته از شالوده این دانشگاه بزرگ هستند؛ اولین دانشگاهی که از دانشگاه شهید چمران اهواز مستقل شد، دانشکده‌ی لرستان بود که بعدها به دانشگاه لرستان ارتقا یافت و اکنون به‌عنوان یکی از دانشگاه‌های بزرگ این استان مطرح است.

دانشگاه‌های دیگر استان از صنعتی درفول تا علوم و فنون دریایی خرمشهر و از صنعتی بهبهان تا کشاورزی و منابع طبیعی رامین، همه دانشکده‌هایی از این دانشگاه بزرگ بوده‌اند و گسترش آموزش عالی در خوزستان از ثمرات بزرگ این دانشگاه ارزشمند است. دانش‌آموختگان دانشگاه شهید چمران نیز در استان و کشور منشأ

خدمات و کارهای بسیاری شده‌اند و این از دیگر موفقیت‌های فعالیت ۶۰ ساله‌ی دانشگاه شهید چمران است. دانشگاه در حیطه‌های مختلف آموزشی، پژوهشی و حتی فرهنگی اثرات بسیاری بر محیط بیرون خود داشته است و قطعاً در آینده نیز همان‌طور که ۶۰ سال را با موفقیت پشت سر گذاشته است، می‌تواند موفقیت‌های خود را دوچندان کند. دانشگاه شهید چمران باتوجه به جایگاه و قدمت خود و توانمندی‌های منطقه‌ی خوزستان در حوزه‌های صنعت، کشاورزی، وجود آب‌های سطحی و مردم دلیر و غیرتمند استان، می‌تواند در سطح جامعه بسیار تأثیرگذارتر عمل کند؛ اعتقاد دارم که توان دانشگاه بسیار بیشتر از آن چیزی است که تاکنون آن را به اجرا گذاشته است و می‌تواند با بهره‌گیری از مزیت‌های نسبی پیرامون خود در سطح استان و کشور بسیار بیشتر بدرخشد. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اثرگذاری

عمل کرده است، ولی در حوزه‌ی پژوهش شاید آن‌چنان که انتظار داریم و با توجه به محیط مساعد موجود، موفق نبوده است؛ البته علت آن را هم تنها دانشگاه نمی‌دانم و صنایع نیز ممکن است آن‌گونه که باید و شاید به آموزش عالی استان بها ندادند باشند و طرح‌های خود را بیشتر به دانشگاه‌های مرکز واگذار می‌کنند، این در حالی است که اگر طرح‌های خود را به سمت دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی استان هدایت کنند، هم خدمات تخصصی بیشتری دریافت می‌کنند و هم در پیشرفت استان و آموزش عالی آن مؤثر خواهند بود.

در سال‌های گذشته هیئت دولت طرحی برای دانشگاه‌ها و مجموعه‌ی آموزش عالی استان خوزستان تصویب کرد که بر اساس آن صنایع استان موظف شدند تا ۷۰ درصد طرح‌های پژوهشی خود را با دانشگاه‌های استان منعقد کنند. این مصوبات و امثال آن که باید بسیار پیش‌تر از این برای دانشگاه‌های خوزستان اخذ و عملیاتی می‌شد، می‌تواند در پیش‌برد اهداف توسعه‌ای آموزش عالی استان و به‌ویژه دانشگاه شهید چمران اهواز بسیار مؤثر باشد، اما در پاره‌ای از صنایع مهم مانند نفت، عملیاتی نشده و یا نمی‌شود و براساس نظام‌نامه‌هایی که در خود این شرکت‌ها وجود دارد، با مراکز بیرون استان قرارداد منعقد می‌کنند.

عملیاتی شدن این مصوبه برای ارتقاء آموزش عالی استان و ارائه‌ی خدمات تخصصی توسط افراد بومی بسیار مهم است. این اقدام موجب افزایش ماندگاری نیروهای متخصص، پیشرفت صنایع استان و به‌روز رسانی تجهیزات پژوهشی در استان خواهد شد. مسئولان استانی باید به فکر اجرایی‌کردن این مصوبه و ترغیب صنایع به ارتباط بیشتر با دانشگاه‌های استان باشند. دانشگاه‌ها نیز باید محیط‌های مناسب‌تری برای فعالیت

اعضای هیئت‌علمی و نخبگان خود فراهم کنند که ماندگاری و انگیزه‌ی آن‌ها افزایش یابد. این دو اقدام لازم و ملزوم یکدیگرند و اگر به‌صورت متقابل انجام شوند، هم دانشگاه و صنعت از برکات آن منتفع خواهند شد.

دانشگاه شهید چمران در دورانی نتوانست مانند دیگر دانشگاه‌های هم‌تراز خود رشد کند و یکی از مهم‌ترین دلایل این‌که دانشگاه متناسب با موقعیت و قدمت خود در زمینه‌های مختلف بودجه، ساختمان، تجهیزات، ماندگاری و جذب اعضای هیئت‌علمی رشد نکرده است، اثرات وارد آمده بر کل استان و کشور در برهه‌ای از زمان است. دانشگاه شهید چمران در دوران دفاع مقدس تمام‌قد در دفاع از کشور ورود کرد و مقر نیروهای نظامی و رزمندگان بود. تا سال‌های بسیاری ادوات و جنگ‌افزارهای نظامی در دانشگاه مستقر بود به همین دلیل بودجه‌هایی که به دانشگاه‌ها اختصاص داده می‌شد در مورد دانشگاه شهید چمران به دلیل عدم جذب، در سال‌های متوالی تغییری نمی‌کرد، زیرا دانشگاه در سال‌های جنگ در عمل هیچ پیشرفت فیزیکی نداشت؛ این در حالی است که دانشگاه‌هایی مانند شیراز و تبریز که آن‌زمان مانند دانشگاه شهید چمران به‌طور مستقیم درگیر جنگ و دفاع مقدس نبودند، هرچند به‌صورت تدریجی و اندک، پیشرفت‌های خود را ادامه می‌دادند. به همین دلیل در سال‌های پایانی جنگ بودجه‌ی دانشگاه شهید چمران با دانشگاه‌های هم‌تراز آن فاصله‌ی معنا داری پیدا کرد.

در سال‌های بعد نیز که بودجه با در نظر گرفتن تورم سالیانه افزایش داده شد، رشد بودجه‌ی دانشگاه شهید چمران با رویکردی یکسان مانند دیگر دانشگاه‌ها همچنان موجب عقب‌افتادگی بیشتر دانشگاه شده است؛ بنابراین نباید در این خصوص به مساوات رفتار شود، بلکه باید

تحولی در رشد بودجه‌ی دانشگاه شهید چمران اتفاق افتد که بتواند عقب‌افتادگی‌های خود را جبران کند. دانشگاه شهید چمران دین خود را به نظام آموزش عالی کشور ادا کرده است، همان‌طور که «خوزستان دین خود را به اسلام و انقلاب ادا کرد.» نخستین اقدامی که مسئولان باید درخصوص این دانشگاه و برای دانشگاهیان آن انجام دهند، رساندن سطح دانشگاه به سطح دانشگاه‌های هم‌تراز آن، قبل از وقوع جنگ تحمیلی است که دانشگاه بتواند جایگاه واقعی خود را در جامعه باز یابد. ۶۰ سال تجربه، زمان کمی نیست و دانشگاه در این سال‌ها فراز و نشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشته است و اکنون از نقاط قوت خوبی برخوردار است؛ اکنون به نظر می‌رسد دانشگاه باید بر روی بخش‌هایی که رشد نکرده یا رشد کمی داشته است، متمرکز شود.

اکنون دانشگاه باید در زمینه‌ی پژوهش و ارتباط با صنعت و جامعه بیشتر کار کند. دانشگاه باید به سمت دانشگاه‌های کارآفرین حرکت و دانش‌آموختگان دارای توانمندی کارآفرینی تربیت کند که بتواند در کشاورزی، صنعت و بخش‌های مختلف جامعه اثرگذاری و دخالت مثبت داشته باشد. این رویکرد ضمن برقراری ارتباط دانشگاه با بخش‌های مختلف جامعه، موجب معرفی خیل عظیم دانشجویان تحصیلات تکمیلی به جامعه و هدایت موضوع پایان‌نامه‌های آن‌ها به سمت رفع معضلات استان خواهد شد؛ بنابراین در آینده، دانشگاه باید هدفگیری خود را با این رویکرد انجام دهد و در حیطه‌ی آموزش نیز حداقل‌ها را رعایت کند. در آموزش، کیفی‌سازی دوره‌ها همگام با علم روز و پژوهش، ارتباط با صنعت، کاربردی‌کردن و تقاضامحور کردن تحقیقات باید مورد توجه قرار گیرد.



دانشگاه ظرفیت واقعی خود را نشان می‌دهد، اگر...

دکتر محمد رعایایی اردکانی
سرپرست پیشین دانشگاه شهید چمران اهواز
(۱۳۹۲-۱۳۹۴)

سال ۱۳۵۴ به‌عنوان دانشجوی کارشناسی زیست‌شناسی وارد دانشگاه شدم که در آن زمان حدود سه سال از افتتاح دانشکده‌ی علوم و حدود چهار، پنج سال از راه‌اندازی دانشکده‌ی کشاورزی می‌گذشت؛ اگرچه قدمت دانشگاه به سال ۱۳۳۴ برمی‌گردد، ولی سایت فعلی دانشگاه مدت‌ها بعد از آن افتتاح شد. دانشگاه در رقابت با دانشگاه بصره راه‌اندازی شد و در سال ۱۳۵۴ به دانشگاهی جامع و معروف تبدیل شده بود. در آن سال، دانشکده‌ی کشاورزی در کشور زبان زد بود و دانش‌آموختگان آن معروف بودند و به دانش‌آموختگان دانشکده نیز یک انگشتر به‌عنوان مهر مهندسی اهدا می‌شد. دانش‌آموختگان این دانشکده آن چنان در سطح کشور از اعتبار بالایی برخوردار بودند که بدون گزینش و مصاحبه‌ی علمی و خارج از نوبت استخدام می‌شدند. استادان خوبی هم در آن زمان در دانشگاه فعالیت می‌کردند. در سال‌های ابتدایی ۱۶ استاد با مدرک دکتری در دانشکده‌ی علوم حضور داشتند که استادان معروف و برجسته‌ای بودند. دانشکده‌ی تربیت بدنی دانشگاه نیز در سطح کشور معروف و شناخته‌شده بود؛ در دوران جنگ تحمیلی آسیب‌های اساسی به این دانشکده وارد

شد و بسیاری از استادان یا مهاجرت کردند و یا از ادامه‌ی کار انصراف دادند. رشته‌ی زمین‌شناسی نیز که از رشته‌های معروف دانشگاه در آن زمان بود در آستانه‌ی تعطیلی و حذف قرار گرفت که با مقاومت استادان در نهایت این رشته باقی ماند. دانشکده‌ی دامپزشکی نیز در آن سال‌ها به‌حدی تضعیف شد که گروهی از دانشجویان و استادان آن را به شیراز منتقل کردند و قرار بود که تعطیل شود، اما در نهایت با مقاومت بسیاری از استادان، ایفا شد.

دانشگاه از نظر پیشرفت، هیئت علمی و بودجه در دوران جنگ، آسیب‌های بسیاری را متحمل شد و هنوز آثار رنج آن دوران را به‌دوش می‌کشد. پس از آن در سال‌های ۱۳۶۲-۱۳۶۳ دانشگاه بار دیگر فعالیت خود را آغاز کرد، اما این حرکت بسیار آهسته و محدود بود و این وضعیت تا پایان جنگ تحمیلی ادامه پیدا کرد. پس از جنگ با جذب هیئت علمی و استادان جوان و بازگشت برخی استادان که در دانشگاه‌های دیگر مأمور به تحصیل بودند، دانشگاه دوباره روال عادی خود را سرگرفت و سعی کرد عقب‌ماندگی‌های خود را جبران کند.

از آن تاریخ تاکنون رؤسای مختلفی دانشگاه را اداره کردند؛ از جمله دکتر دوایی که نخستین رئیس دانشگاه پس از انقلاب بود و مدت محدودی این مسئولیت را برعهده داشت. پس از او نیز افراد دیگری از جمله صادق نجفی، چند سال مدیریت دانشگاه را برعهده گرفت که البته در این دوره دانشگاه به‌صورت شورایی همراه با جهاد دانشگاهی اداره می‌شد. دکتر کاظم پور نیز حدود ۶ سال مسئولیت اداره‌ی دانشگاه را برعهده داشت و دانشگاه در این زمان تقریباً هویت اصلی و انسجام خود را پیدا کرد. سپس افراد متعددی بر صندلی مدیریت دانشگاه تکیه زدند و دانشگاه روند رو به رشد خود را ادامه داد، اما آن سرعت رشد و قدرت بازسازی برای تکمیل طرح جامع خود را پیدا نکرد. طرح جامع دانشگاه هنوز به‌طور کامل اجرایی نشده

و بسیاری از بخش‌های طرح هنوز آغاز نشده است.

دانشگاه شهید چمران با ترکیب فعلی و با دارا بودن حدود ۶۰۰ عضو هیئت علمی و بیش از ۱۶ هزار دانشجو در مقاطع مختلف به‌ویژه تحصیلات تکمیلی، نقشی محوری در توسعه‌ی آموزش عالی استان ایفا کرده است، به‌طوری‌که تمام مراکز آموزش عالی دولتی در استان از این دانشگاه ریشه گرفته‌اند. دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اوایل دهه‌ی شصت از شهید چمران مستقل شد و دانشگاه کشاورزی رامین نیز سال ۱۳۸۰، دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر و دانشگاه صنعتی جندی‌شاپور دزفول نیز اوایل دهه‌ی هشتاد و دانشگاه صنعتی بهبهان نیز در سال ۱۳۸۵ از دانشگاه شهید چمران مستقل شدند. دانشگاه خرم‌آباد (لرستان) نیز شاخه‌ای از دانشگاه جندی‌شاپور سابق محسوب می‌شد که بعدها مستقل شد؛ در واقع دانشگاه شهید چمران از نظر تولید مراکز علمی و پشتیبانی از آن‌ها برای استقلال، نقش مثبتی را ایفا کرد، اما در مقایسه با دانشگاه‌های دیگر مانند یزد که پیش از انقلاب یک دانش‌سرای دبیری در مقطع کاردانی بود، رشد مورد انتظار را پیدا نکرد.

به دلیل صدمات ناشی از جنگ، وضعیت جغرافیایی منطقه و عدم امنیت نسبی در استان، آن‌طور که باید و شاید نیروهای نخبه‌ی مدنظر جذب دانشگاه نشدند و نمی‌شوند؛ با این وجود دانشگاه از نظر آموزشی و فیزیکی روند رو به رشدی داشته است، از نظر پژوهشی نیز نسبت به پیش از انقلاب و دوران جنگ، به تدریج به رشد زیادی دست یافت، ممکن است گاهی این رشد تند و در مقطعی کند بوده باشد، اما افول نداشته است.

دانشگاه در دوره‌ای از نظر آموزشی و تحصیلات تکمیلی، رشد کیفی خوبی داشت. در این زمان از لحاظ پژوهشی هم دوران بسیار درخشانی را پشت سر گذاشت، به‌طوری‌که پیش از آن تبدیل

وضعیت و ارتقاء استادان به‌ندرت اتفاق می‌افتاد، اما در آن زمان طی فراخوانی از استادان خواسته شد که پرونده‌های خود را برای ارتقا ارائه دهند. همچنین فرآیند جدیدی ایجاد شد و نوشتن مقاله و کتاب و انجام طرح‌های تحقیقاتی روندی رو به رشد پیدا کرد. در سال‌های بعد شاهد رشد بدون برنامه‌ریزی در آموزش عالی، مراکز دولتی و غیردولتی اتفاق افتاد. در این دوران شمار دانشجویان دکتری به یک‌باره در طول یک‌ترم از ۶ هزار نفر به ۱۲ هزار نفر افزایش یافت. این گسترش بی‌حد و حصر به کیفیت آسیب وارد کرد؛ همچنین افزایش بی‌رویه‌ی مراکز پیام‌نور در کشور برای رقابت با دانشگاه آزاد بزرگ‌ترین لطمه را به آموزش عالی زد.

در آن سال‌ها شاهد روند بی‌سابقه‌ی اعطای مجوز به مراکز آموزش عالی غیرانتفاعی بودیم و فکر می‌کنم نزدیک به ۴۰۰ مجوز فعالیت برای مراکز آموزش عالی غیرانتفاعی صادر شد و بیش از ۲۰ درصد دانشجویان کشور را به این مراکز اختصاص داد. هنوز هم بسیاری از این مراکز بدون امکانات قابل‌قبول آموزشی و پژوهشی در حال فعالیت و جذب دانشجو هستند. از سوی دیگر، دانشگاه‌های دولتی هم با پذیرش انواع دانشجوی تحصیلات تکمیلی، شبانه و پردیس‌های بین‌الملل ضربه‌ی بزرگی به کیفیت آموزش عالی وارد کردند و در مجموع می‌توان گفت دوران رشد کمی، بدون توجه به کیفیت در آموزش عالی کشور رقم خورد.

دانشگاه شهید چمران نیز از این روند مصون نماند، به‌طوری‌که در بعضی رشته‌ها که در کل سابقه‌ی فعالیت خود کمتر از ۲۰ دانشجوی دکتری جذب کرده بودند، تنها در یک دوره ۲۰۰ دانشجو پذیرش شد و یا برای بعضی رشته‌ها به ازای هر استاد، ۱۵ دانشجوی ارشد خاص آن تخصص جذب شد و کار به جایی رسید که برای استادان جوان دانشگاه که هنوز سابقه‌ی چندانی نداشتند، شمار زیادی دانشجوی ارشد و دکتری

جذب شد و افت کیفیت آموزش عالی را به دنبال داشت. مشکل دیگر در این دوران، گسترش تحصیلات تکمیلی در دانشگاه پیام‌نور بود. پذیرش بدون کنکور دانشجو در این دانشگاه نیز روند نامناسبی را ایجاد کرد و هنوز هم این دانشگاه با مشکل صندلی خالی و نبود متقاضی مواجه است؛ اتفاق بسیار تأمل‌برانگیز دیگری که در سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۴ روی داد، پذیرش ۱۲ هزار دانشجوی دکتری در دانشگاه آزاد در طول یک‌ترم و ۲۴ هزار دانشجو در طول یک سال بود. این موضوع مورد اعتراض دکتر فرجی‌دانا وزیر وقت علوم در کمیسیون آموزش عالی مجلس قرار گرفت، با این وجود نه‌تنها این روند اصلاح نشد، بلکه به تاخیر بعضی اعضای کمیسیون از رشد تحصیلات تکمیلی در دانشگاه آزاد تقدیر کردند! این چندگانگی مدیریت آموزش عالی در مورد دانشگاه‌های آزاد، علمی کاربردی، غیرانتفاعی، پیام‌نور و فنی و حرفه‌ای و نبود برنامه‌ریزی واحد و عدم وجود اهداف مشخص در آموزش عالی به‌طور کامل و منسجم، موجب شد که مسئولان امر به این نتیجه برسند که سیاست‌های توسعه‌ی کمی نادرست بوده است و با توجه به آسیب‌های گسترش بی‌حد و حصر، اکنون درصدد تجمیع مراکز آموزش عالی و واگذاری برخی مراکز به بخش خصوصی برآیند که پیش‌بینی آن در برنامه‌ی ششم آمده است.

مشکل اساسی دانشگاه‌ها در زمینه‌ی پژوهش، پرداختن به چاپ مقاله و تشویق و ترغیب افراد به تولید مقاله است. چاپ مقاله برای دانش‌آموختگی در مقطع دکتری، اجباری و در مقطع ارشد نیز در برخی دانشگاه‌ها اجباری شد و این اقدام بدون توجه به عملی کردن و کاربردی کردن پژوهش، منجر به این شد که در منطقه از نظر تولید مقاله رتبه‌ی اول و در جهان رتبه‌ی ۱۶ را به دست آوریم، اما رتبه‌ی جهانی کشور در تولید علم بالای ۱۰۰ است. از نظر استناد به مقالات نیز در دنیا

از جایگاه قابل قبولی برخوردار نیستیم و این موضوع نشان می‌دهد که باید دیدگاه خود نسبت به پژوهش را تغییر و به پژوهش‌های کاربردی در جهت تولید علم و تکنولوژی سوق دهیم و از حالت صرفاً تولید مقاله خارج کنیم. از سوی دیگر مشکلی که استادان در آموزش عالی دارند و در این سال‌ها نیز ادامه یافته است، عدم تخصیص بودجه کافی به پژوهش است، به طوری که از این نظر در سطح منطقه و جهان در جایگاه بسیار پایینی قرار داریم؛ برای مثال مالزی دو درصد از درآمد ناخالص ملی خود را به پژوهش اختصاص می‌دهد و یا ترکیه رقمی نزدیک به آن را در پژوهش هزینه می‌کند.

در مقایسه با کشورهای پیشرفته نیز، کشورهایی مانند فرانسه، آلمان، دانمارک و سوئد نیز بیش از سه درصد درآمد ناخالص ملی خود را صرف پژوهش می‌کنند، در حالی که وزارت علوم این رقم را در کشور ما حدود ۰،۴ درصد اعلام کرده است که این رقم حدود یک ششم یا یک هفتم کشورهای پیشرفته و حدود یک پنجم کشوری مانند مالزی است. مشکل اساسی دیگر در حوزه پژوهش، استقبال نکردن صنایع و سازمان‌های دولتی یا غیردولتی از نوآوری، خلاقیت، ابتکار، پژوهش و برنامه‌ریزی است؛ این امر موجب شده که ارتباط دانشگاه‌ها با صنایع، جامعه و سازمان‌ها نیازمند به پژوهش آن‌گونه که باید و شاید، برقرار نشود و دانشگاه‌ها همواره در یک حالت گسسته از این مجموعه‌ها کار خود را انجام دهند.

نتیجه‌ی این روند، تربیت نشدن نیروهای کارآمد و متخصص مورد نیاز بخش‌های مختلف جامعه در دانشگاه‌ها و از سوی دیگر عدم امکان اجرای طرح‌های تحقیقاتی کاربردی در دانشگاه‌ها است. همه‌ی این موارد به دیدگاه مسئولان نظام و طرز تلقی آن‌ها از دانشگاه برمی‌گردد که باید دانشگاه‌ها را به‌عنوان مراکز تجمع نخبگان، عالمان و محققان نگاه کنند و هم‌یاور و بازوی

پیشران حکومت و نظام بدانند. در واقع مسئولان و متولیان امر باید دانشگاه را چراغ راه پیشرفت کشور بدانند، نه موی دماغ دولت؛ اگر چنین دیدگاهی ایجاد شود که متأسفانه اکنون وجود ندارد، دانشگاه می‌تواند موتور محرکه‌ی دولت و نظام شود. تحقق این امر مستلزم اعتماد به دانشگاه و دانشگاهیان است. اگر به استقلال، آزادی تفکر و اندیشه و عمل دانشگاه‌ها معتقد باشیم و زمینه‌ی این تغییر نگاه و ایجاد آرامش خاطر و آزادی اندیشه در دانشگاه‌ها محقق شود، دانشگاه ظرفیت واقعی خود را نشان خواهد داد و همانند دانشگاه کشورهای پیشرفته در تحول جامعه و توسعه‌ی کشور نقش محوری ایفا خواهد کرد.

یک واقعیت در خارج از کشور و کشورهای پیشرفته وجود دارد و آن، این‌که در تمام دنیا شمار دانشجویان تحصیلات تکمیلی و کارشناسی، ملاک پیشرفت برای هیچ کشوری نیست و حتی شمار استادان نیز معیار پیشرفت به حساب نمی‌آید. در کشوری مانند ژاپن به‌عنوان یک کشور پیشرفته‌ی آسیایی با ۱۲۰ میلیون نفر جمعیت شمار دانشجویان ۲،۵ میلیون نفر است، حال آن‌که در کشور ما با حدود ۷۸ میلیون نفر جمعیت، چهار میلیون و ۸۵۰ هزار دانشجو تحصیل می‌کنند؛ این نسبت‌ها غیرمنطقی است. از سوی دیگر در کشوری مانند آمریکا بین شغل و تخصص فرد تا ۹۰ درصد ارتباط مستقیم وجود دارد، در حالی‌که حتی در کشورهای اروپایی ارتباط بین شغل و تخصص حدود ۶۵ درصد است؛ این رقم در ایران ۱۰ درصد و در ژاپن ۱۰۰ درصد است. این آمار نشان می‌دهد که در حال اتلاف وقت و منابع خود هستیم و هیچ دستاوردی از این رشد و توسعه‌ی کمی بدون توجه به کیفیت و نیاز کشور حاصل نشده است. اکنون نسبت دانشجویان تحصیلات تکمیلی به کارشناسی در کشورهای پیشرفته ۲ تا ۲،۵ درصد است و در ایران، این رقم چهار درصد است و همچنان به دنبال توسعه‌ی آن هستیم؛

آیا این رویکرد و سیاست، منطقی است؟! کشوری که در مجلس آن در خصوص جذب دانشجوی کارشناسی ارشد و دکتری و ترکیب هیات امنای دانشگاه‌ها طرح داده می‌شود، نشان می‌دهد که



به آزادی تفکر و اندیشه در دانشگاه‌ها اصلاً بها داده نمی‌شود. اکنون تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌ها محدود شده است و در گسترش آن به‌ویژه در حوزه‌ی علوم انسانی بسیار سخت‌گیری می‌شود. از سوی دیگر وزارت علوم طرح جمعیت دپارتمان‌ها و دانشگاه‌ها و واگذاری برخی مراکز آموزش عالی به بخش خصوصی را آغاز کرده است که نشان می‌دهد راهی که آمده‌ایم درست نبوده است و باید به کمک دانشگاهیان و نه مجلس که وظیفه‌ی آن قانون‌گذاری کلان کشور است، بازنگری شود.

استان در سطح کلان باید افزایش یابد؛ یکی از معضلات و مشکلات کشور که منجر به فشار زیاد و تقاضای شدید برای ورود به آموزش عالی می‌شود، بی‌کاری و نبود شغل است که بسیاری از افراد را به



امید دستیابی به شغل و ارتقاء دانش و مهارت به تحصیلات تکمیلی سوق می‌دهد. مدیریت در کشورمان به یک پرستیژ تبدیل شده است که به افراد، شخصیت می‌دهد و بسیاری افراد تنها برای تشخیص آن، به آموزش عالی روی می‌آورند؛ مسئولان هم میرا از این تفکر عمومی نیستند و بسیاری از نمایندگان مجلس پس از انتخاب‌شان، هم‌زمان با مسئولیت خود مدارج تحصیلی را در دانشگاه‌های آزاد، پیام نور یا دولتی طی می‌کنند و این موضوع را می‌توان به مدیران میانی و پایینی نیز تسری داد. اکثریت جامعه برای رسیدن به پرستیژ،

این مسیر را طی می‌کنند، این در حالی است که در گذشته این‌طور نبود که همه به سمت دانشگاه روی آورند و اگر شغلی وجود داشت، وارد بازار کار می‌شد و درآمد کسب می‌کرد. بنابراین باید این

دو قضیه حل شود، که دانشگاه محل تحصیل علم، تحقیق و پژوهش است، نه محل گرفتن مدرک و پرستیژ. دستیابی به شغل و اشتغال‌زایی نیز باید در نهادهای خارج از دانشگاه حل شود و افرادی وارد چرخه‌ی آموزش عالی و دانشگاه‌ها شوند که واقعاً علاقه‌مند و عاشق علم و پیشرفت علمی پژوهشی باشند، نه آن‌که عشق به مدرک و شغل، آن‌ها را به دانشگاه سوق داده باشد. در دانشگاه‌های خارج کشور برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت مشخصی وجود دارد و منابع خود را کاملاً مدیریت شده برای اهداف مشخص، هزینه می‌کنند،

به طوری که کشوری مانند کره‌ی جنوبی در سال ۲۰۰۸ برای آیف ۲۰۲۰ خود در آموزش عالی طرح و برنامه‌ی مشخصی برای دستیابی به جایزه‌ی نوبل شیمی را هدف‌گذاری کرده است. در کشور ما چه برنامه‌ی مشخص و منسجمی در حوزه‌های علم وجود دارد؟ هر گروه و دولت، روال خاص خود را پی می‌گیرد. اگر معضلات در ابعاد فرهنگی، مدیریتی و مالی رفع شود، می‌توان امید داشت که دانشگاه‌ها در مسیری قرار گیرند که تولید علم کنند و بتوانند حلال مشکلات جامعه باشند، زیرا واقعاً توان آن را دارند؛ ایرانیان از نظر بهره‌ی هوشی، ذکاوت، زیرکی و فراست نسبت به مردم کشورهای دیگر چیزی کم ندارند و می‌توانند به آنچه لایق آن هستند، دست یابند. این امر مستلزم آن است که مسائل بودجه‌ای، مدیریتی و دیدگاهی در مورد دانشگاه‌ها حل شود و دانشگاه را یک موجود مستقل و دارای توان خودمدیریتی بدانند، نه این‌که مانند یک اداره‌ی معمولی به آن نگاه کنند. اگر دانشگاه از این حالت خارج شود می‌توان امیدوار بود که ظرفیت آن در عمل شکوفا شود.

دانشگاه شهید چمران با قدمت ۶۰ ساله‌ی خود به‌عنوان محور آموزش عالی در خوزستان، دست کم در ردیف ۱۰ دانشگاه برتر باشد که متأسفانه چنین انتظاری هنوز محقق نشده است. در این صورت می‌توانیم راضی باشیم که دانشگاه رشد نسبی خود را داشته و کیفیت لازم را به دست آورده است. نخستین کاری که وزارت خانه باید انجام دهد این است که به دانشگاه‌ها استقلال رأی مدیریتی تفویض کند و دیدگاه تمرکززدایی در نظام آموزش عالی تقویت شود. لازم است که تمرکزگرایی به تمرکززدایی تبدیل و اختیارات لازم به دانشگاه‌ها واگذار شود، زیرا وقتی قوانین به‌طور متمرکز از تهران ابلاغ شود، دانشگاه‌ها نمی‌توانند رشد واقعی خود را داشته باشند.

اهداف و برنامه‌های آیین بزرگداشت شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه

سال ۱۳۹۴، برابر با شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه شهید چمران اهواز است. بنا بر تصویب هیات رئیسه‌ی دانشگاه در سال ۱۳۹۳، مقرر شد تا پیش‌برنامه‌ها و اجلاس‌هی آیین بزرگداشت این مناسبت در سراسر سال ۱۳۹۴ در سطح دانشگاه و با بهره‌جویی از نظرات و پیشنهادهای دانشگاهیان و امکانات موجود و جلب کمک مالی و خدمات سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی استان برگزار شود. از این رو برنامه‌های آیین طی چند نشست مشورتی با هیات رئیسه و شورای دانشگاه و نمایندگان دانشگاه در دستگاه‌های اجرایی تدوین شد.

اهداف برگزاری این آیین را می‌توان به شرح زیر آورد:

۱- **بازشناسی و شناساندن بخش‌هایی از تاریخ شصت‌ساله دانشگاه**

۲- **گردآوری و ثبت و ضبط اسناد و مدارک مربوط به پیشینه‌ی دانشگاه**

۳- **آشنا کردن جامعه با کلیات فعالیت‌ها و عملکردهای سال‌های اخیر دانشگاه**

۴- **بزرگداشت و پاسداشت خدمات علمی و اجرایی برگزیدگان و اعضای هیات علمی و کارکنان شاغل، بازنشسته و متوفی**

۵- **مستندسازی وضعیت فعلی و تاریخ جاری دانشگاه برای استفاده در آینده**

۶- **افزایش میزان هم‌دلی میان**

دانشگاهیان و کمک به همکاران دانشگاهی در بازیابی جایگاه و اعتبار علمی و معنوی دانشگاه

همان‌طور که روشن است، همه‌ی اهداف تعیین‌شده، هماهنگ و متناسب با اصل تکریم دانشگاه و بازیابی و یادآوری جایگاه والای دانشگاه و دانشگاهیان در جامعه است. ناگفته نماند که این اهداف هریک بر پایه‌ی اصولی تئوریک و فلسفه‌ی ویژه‌ای طراحی و هدف‌گذاری شده است که عبارتند از افزایش پیوندهای درون سازمانی، نگاه به دیروز، ارزیابی امروز و برنامه‌ریزی برای فردا، مستندسازی و تاریخ‌نگاری دانشگاه، کمک به راه‌اندازی تشکلهای مردم‌نهاد، تحقق شعار هم‌دلی و هم‌زبانی، بهره‌گیری از تجربه‌های پیشکسوتان، تمرین حس دیگر‌بینی و لزوم رعایت ملاحظات انسانی و تربیتی در دانشگاه.

ساختار، مراحل کار و برنامه‌های آیین بزرگداشت شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه

اعضای کمیته‌ی برگزاری آیین بزرگداشت شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه با هدف ترسیم خطوط کلی و برنامه‌های اصلی این آیین، در نخستین روزهای سال ۱۳۹۴ طی حکمی از سوی سرپرست وقت دانشگاه منصوب شدند. این کمیته متشکل از دکتر مجتبی جعفرپور، خانم دکتر مهرابی‌زاده، دکتر سوداگر رئیس دانشکده‌ی هنر شوشتر، دکتر جوکار مدیر فرهنگی دانشگاه، دکتر مظهری مشاور ریاست دانشگاه، دکتر دادخواه از اعضای هیئت‌علمی دانشگاه و خانم شفیعی مدیر روابط عمومی دانشگاه است که زیر نظر سرپرست پیشین دانشگاه جلسات خود را تشکیل داد.

در جلسات این کمیته خطوط کلی برنامه‌ها، طراحی شد و این برنامه‌ها برای بررسی بیشتر به پنج

کارگروه تخصصی با ترکیبی از مدیران دانشگاه و افراد حقیقی سپرده شد. این کارگروه‌ها شامل کارگروه فرهنگی، هنری و مهندسی، کارگروه ویژه‌ی برگزاری اجلاس، کارگروه تبلیغات و انتشارات و اطلاع‌رسانی، کارگروه امور مهمانان و تشریفات و کارگروه آمار، بازنشستگان، دانش‌آموختگان و برگزیدگان دانشگاه است.

با تدوین برنامه و مشخص شدن اعضای کارگروه‌ها، فعالیت‌های اجرایی آغاز شد. برخی از این کارگروه‌ها به دلیل نوع فعالیت در زمانی کوتاه‌امور مربوطه را به سرانجام رسانده و برخی دیگر نیز در حال فعالیت برای برگزاری هرچه بهتر آیین بزرگداشت شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه همچنان در حال فعالیت هستند.

کارگروه برگزیدگان و آمار با حضور خانم دکتر مهرابی‌زاده، دکتر راسخ، دکتر زادکرمی، دکتر قدردان، دکتر نوروزی، دکتر پارسا و آقای قیبتی از کانون بازنشستگان، کار انتخاب برگزیدگان دانشگاه در بخش‌های مختلف مانند انتخاب کارمند نمونه، دانشجوی نمونه، عضو هیئت‌علمی برگزیده دانشگاه و کارکنان بازنشسته برگزیده را زیر نظر داشتند و در ۱۰ جلسه و به استناد اطلاعات و گزارش‌های اخذ شده و استعلام از معاونت‌ها، افراد برگزیده را براساس معیارها، انتخاب و معرفی کردند.

کارگروه امور مهمانان و تشریفات نیز هم‌زمان با فعالیت سایر کارگروه‌ها، فعالیت خود را آغاز کرد و با حضور دکتر کاظمی‌نژاد، دکتر مرادزادگان، دکتر بامداد، دکتر بصیرزاده، دکتر خدایانه، دکتر محمدیان، دکتر خالقی و آقای قیبتی و نماینده‌ای از اداره‌ی حراست، کارهای محول را براساس برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده، پیگیری کرد. این کارگروه مسئولیت دعوت از مهمانان، استقبال، تغذیه، اسکان

و امور خدماتی مربوط به مهمانان اجلاس را بر عهده دارد.

کارگروه تبلیغات، انتشارات و اطلاع‌رسانی برگزاری آیین شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه با محوریت و مسئولیت مدیر روابط عمومی دانشگاه، کار اطلاع‌رسانی، چاپ پوستر، تهیه سرود دانشگاه، انتشار نشریه‌ی ویژه‌ی شصتمین سالگرد (یادگار)، چاپ کتاب‌هایی در معرفی دانشگاه و دانشکده‌ها، امور سمعی و بصری شامل تصویربرداری و تهیه گزارش‌های تصویری از ابتدای فعالیت‌های کمیته‌های شصتمین سالگرد تا پایان برنامه‌ها و تهیه‌ی تور مجازی از دانشگاه را برعهده دارد. این کارگروه متشکل از دکتر جوکار، دکتر یاری، آقای ساکی، آقای باوی، دکتر دادخواه، خانم شفیعی مدیر روابط عمومی و برخی مشاوران امور هنری و تبلیغاتی است.

کارگروه برگزاری جشن بزرگداشت که برگزاری مراسم ۲۶ بهمن‌ماه در سالن بزرگ دانشکده‌ی تربیت‌بدنی را برعهده دارد، متشکل از دکتر جوکار، دکتر خالقی، خانم شفیعی، دکتر یاری، دکتر دادخواه، خانم دکتر حیدری‌نژاد و نماینده دفتر طرح‌های عمرانی دانشگاه است.

کارگروه فرهنگی، هنری و مهندسی با حضور آقایان دکتر سوداگر، دکتر جوکار و دکتر مظهری کار طراحی نشان دانشگاه، طرح یادبود شصتمین سالگرد و پیگیری ساخت تندیس شهید دکتر مصطفی چمران را برعهده دارد که ساخت تندیس این شهید بزرگوار با همکاری شهرداری تهران انجام می‌شود.

از دیگر برنامه‌های این کارگروه می‌توان به طراحی و ساخت پارک تفریحی در دانشگاه اشاره کرد که کارهای جانمایی آن انجام شده است.

برنامه‌های آیین بزرگداشت شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه شهید چمران اهواز

برنامه‌های آیین بزرگداشت شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه شهید چمران اهواز به شرح زیر است:

***دوشنبه ۱۲ بهمن:** آغاز دهه‌ی فجر انقلاب اسلامی / دعوت از کارکنان دانشگاه برای صرف ناهار در غذاخوری مرکزی.

***یکشنبه ۲۵ بهمن:** مراسم بزرگداشت چهلمین سالگرد تأسیس دانشکده‌ی دامپزشکی.

***دوشنبه ۲۶ بهمن:** آیین بزرگداشت شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه

با حضور همه‌ی اقشار دانشگاهی (شاغل، بازنشسته، دانشجویان، دانش‌آموختگان و مقامات استانی و کشوری) و تجلیل از شش نفر

از دانشگاهیان برگزیده به صورت نمادین؛ ساعت ۹:۳۰ تا ۱۲:۳۰، سالن بزرگ دانشکده‌ی تربیت‌بدنی و علوم ورزشی / ضیافت ناهار اعضای هیئت علمی شاغل و بازنشسته / مراسم بزرگداشت اعضای هیأت علمی و کارکنان نمونه ساعت ۱۴ در دانشکده‌ها / مراسم بزرگداشت رؤسای پیشین دانشگاه ساعت ۱۵، دفتر ریاست دانشگاه.

***چهارشنبه ۲۸ بهمن:** تجلیل از کارمندان معاونت‌های دانشجویی و فرهنگی و اجتماعی / تجلیل از دانشجویان نمونه‌ی فرهنگی، ورزشی و المپیادی با حضور مدیر دفتر استعدادهای درخشان دانشگاه ساعت ۱۱:۳۰ تا ۱۲:۳۰، تالار شهید شهریار معاونت فرهنگی و اجتماعی / تجلیل از کارمندان نمونه‌ی معاونت‌های آموزشی، پژوهش و فناوری و اداری و مالی و حوزه‌ی ریاست با حضور معاونان و مدیران دانشگاه، ساعت ۱۱:۳۰ تا ۱۲:۳۰، تالار اجتماعات حوزه‌ی ریاست.

***دوشنبه ۲ اسفند:** مراسم بزرگداشت کارکنان بازنشسته‌ی دانشگاه، ساعت ۱۰، دانشکده‌ی مهندسی.

مدیر دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی دانشگاه شهید چمران اهواز اهم فعالیت‌های انجام‌شده این دفتر را در حوزه‌ی روابط بین‌الملل و فرصت‌های مطالعاتی و سفرهای کوتاه‌مدت در طول یک‌سال گذشته تشریح کرد.

دکتر کریم لویمی مطلق در گفت‌وگو با خبرنگار یادگار، با اشاره به پذیرش دانشجوی خارجی در دانشگاه، این فرایند را از آغاز تا انجام تبیین و اظهار کرد: مشاوره و هدایت تحصیلی متقاضیان عراقی برای تحصیل و انجام پیگیری‌های لازم برای دریافت تأییدیه از دانشکده و وزارت علوم و اطلاع‌رسانی به متقاضیان در این دفتر انجام می‌شود؛ هر دانشجوی متقاضی عراقی به محض ورود به دانشگاه پس از مشاوره و هدایت تحصیلی، فرم درخواست ادامه‌ی تحصیل را تکمیل می‌کند و سپس مدارک مربوط به معاونت آموزشی دانشگاه و دانشکده‌ی مربوط برای بررسی درخواست ارسال می‌شود.

از انعقاد تفاهم‌نامه‌های همکاری تا حضور در کنسرسیوم بین‌المللی سازی دانشگاه

مروری بر فعالیت‌های دفتر همکاری‌های بین‌المللی دانشگاه شهید چمران در گفت‌وگو با دکتر کریم لویمی مطلق

وی ادامه داد: در این فرایند پس از اعلام نظر دانشکده، همه‌ی مدارک به همراه فرم اطلاعات متقاضی به مدیریت امور دانشجویان غیرایرانی وزارت علوم ارسال می‌شود؛ این درخواست‌ها سپس در وزارت علوم بررسی و پس از تأیید نهایی، نتیجه به دانشگاه ابلاغ می‌شود. پس از آن فرم درخواست روایت تحصیلی برای هر داوطلب تکمیل و به مدیریت امور دانشجویان غیرایرانی وزارت، ارسال و در صورت صدور روایت تحصیلی، برای ثبت‌نام نهایی به معاونت آموزشی معرفی می‌شود.

بررسی درخواست ۴۰ متقاضی عراقی برای تحصیل در دانشگاه

مدیر دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی دانشگاه شهید چمران اهواز با بیان این‌که تاکنون درخواست بیش از ۴۰ متقاضی عراقی بررسی شده است، به دیگر فعالیت‌های انجام‌شده در این بخش اشاره کرد و گفت: تفاهم‌نامه اسلو (نروژ) برای امضای نهایی طرف خارجی به این کشور ارسال شده و پیگیری‌های لازم در حال انجام است. لویمی مطلق اظهار کرد: همچنین تفاهم‌نامه با دانشگاه نانت فرانسه که مراحل اولیه‌ی آن در دانشکده‌ی مهندسی به انجام رسید، برای امضا به این کشور ارسال شده و به موازات آن هماهنگی با وزارت علوم برای تأیید نهایی تفاهم‌نامه صورت پذیرفته است.

پیگیری برای اجرای مفاد تفاهم‌نامه با دانشگاه آیدین ترکیه

وی با بیان این‌که براساس تفاهم‌نامه مشترک با دانشگاه آیدین ترکیه پیگیری‌های لازم برای اجرایی شدن مفاد آن انجام و اعلام آمادگی این دانشگاه به همه‌ی دانشکده‌ها ابلاغ شده است، تصریح کرد: همچنین مکاتباتی با دانشگاه‌های کشورهای عربی از جمله قطر، عمان، امارات، عراق و کویت نیز برای برقراری ارتباط برای همکاری‌های مشترک علمی انجام شده است.

مدیر دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی دانشگاه شهید چمران اهواز بخش دیگر فعالیت‌های این دفتر را هماهنگی برای اعزام دانشجویان دوره‌ی دکتری مشترک به دانشگاه پیکاردی ژول ورن فرانسه عنوان کرد و گفت: هماهنگی‌های لازم در این خصوص در حال پیگیری است؛ انجام هماهنگی‌های لازم برای پذیرش مهمانان خارجی در سمینارهای بین‌المللی با دفتر همکاری‌های وزارت علوم برای ارسال به وزارت امور خارجه از دیگر اقدامات این بخش است.

لویمی مطلق خاطرنشان کرد: به‌منظور برگزاری دوره‌ی آموزش زبان فارسی برای پذیرفته‌شدگان غیر ایرانی دانشگاه، با چند دانشگاه معتبر مانند دانشگاه صنعتی اصفهان و فردوسی مشهد رایزنی‌هایی انجام و در نهایت هماهنگی‌های لازم با مرکز آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان دانشگاه فردوسی مشهد برای ایجاد این دوره در دانشگاه صورت گرفت. در نشست مشترک با مدیران این مرکز مقرر شد طی یک کارگاه سه‌روزه در فروردین‌ماه، نحوه‌ی آموزش کتاب‌های مربوطه برای مدرسان دوره‌ی مورد نظر در دانشگاه تشریح شود؛ در این راستا کتاب‌های مورد نیاز نیز خریداری شده است.

وی همچنین به درخواست پنج تن از اعضای هیات علمی دانشگاه‌های عراق برای انجام آزمایش‌های علمی در دانشکده‌ی علوم و گذراندن فرصت کوتاه‌مدت تحقیقاتی در دانشکده‌ی کشاورزی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مجلات علمی دانشگاه اشاره کرد و گفت: امور مربوط به این همکاری‌ها نیز انجام شده است.

لویمی مطلق با اشاره به حضور این مدیریت در نشست بین‌المللی‌سازی دانشگاه‌ها به دعوت دانشگاه علامه طباطبایی که سرگروه‌ی شش دانشگاه ایرانی را برعهده دارد، خاطرنشان کرد: در این نشست با همکاری سه

دانشگاه اروپایی، پروپوزالی برای بین‌المللی‌سازی نظام آموزش عالی ایران تهیه و به اتحادیه اروپا ارائه شد که این مدیریت نیز اقدامات مربوط را جهت ثبت‌نام دانشگاه در کنسرسیوم مذکور انجام داد؛ در حال حاضر کنسرسیوم اقدامات لازم جهت دریافت کمک‌های مالی برای اجرایی‌کردن برنامه‌های مورد نظر را پیگیری می‌کند. وی با بیان این‌که دانشگاه همچنان در جلسات مشترک استانداری با استانداری‌های بصره، میسان و ذی‌قار برای ایجاد زمینه‌های همکاری آموزشی و پژوهشی به‌صورت مستمر حضور دارد، اظهار کرد: دعوت و پیگیری برای حضور سفیر و رایزن فرهنگی سفارت عراق جهت تسهیل در روند درج اسم دانشگاه شهید چمران در اسامی مورد قبول وزارت علوم عراق نیز با دفتر همکاری‌های وزارت علوم و وزارت خارجه انجام شده است.

اعزام بیش از ۲۰ هیئت علمی به خارج کشور برای فرصت مطالعاتی و ارائه مقاله

مدیر دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی دانشگاه شهید چمران اهواز، با بیان این‌که در خصوص فرصت‌های مطالعاتی و سفرهای کوتاه‌مدت نیز امور مربوط به اعزام یک عضو هیئت علمی دانشگاه به خارج از کشور برای انجام فرصت تحقیقاتی انجام شده است، افزود: همچنین امور مربوط به تسویه حساب فرصت مطالعاتی یکی دیگر از اعضای هیئت علمی دانشگاه و همه‌ی مراحل تشکیل پرونده جهت اعزام اعضای هیئت علمی به مأموریت فرصت مطالعاتی شش ماهه انجام شده است. لویمی مطلق تصریح کرد: امور مربوط به اعزام ۲۱ عضو هیئت علمی جهت شرکت و ارائه مقاله در سمینارهای علمی بین‌المللی و بازدید از نمایشگاه‌ها نیز انجام شده است. آئین‌نامه‌ی فرصت مطالعاتی داخل و خارج از کشور دانشجویان دکتری بررسی و ابهامات

موجود با استعلام از سازمان امور دانشجویان رفع و همراه با ظرفیت‌های اعلام‌شده برای دانشگاه به همه‌ی دانشکده‌ها ارسال شد؛ در این خصوص درخواست ۳۰ دانشجوی متقاضی بررسی و اعلام نظر شده است.

وی با بیان این‌که طراحی و اجرای سایت انگلیسی دانشگاه نیز برعهده‌ی این دفتر است، اظهار کرد: از تیرماه سال جاری جمع‌آوری اطلاعات دانشکده‌ها و گروه‌ها آغاز و پس از ویرایش مطالب و برگردان به انگلیسی، در نهایت همه‌ی مطالب سایت آماده‌ی بهره‌برداری است؛ همچنین هماهنگی‌های لازم با مرکز کامپیوتر و انفورماتیک و روابط عمومی جهت طراحی سایت انجام شد.

وی، صدور گواهی اشتغال به زبان انگلیسی برای اعضای هیئت علمی، دانشجویان و کارکنان دانشگاه را از فعالیت‌های روزمره‌ی این دفتر عنوان کرد و گفت: در خصوص تأیید مدارک تحصیلی برای دانشجویان متقاضی ادامه‌ی تحصیل در خارج از کشور نیز بیش از ۲۵۰ مورد استعلام از اداره‌ی آموزش و تحصیلات تکمیلی اخذ و فرم مخصوص مربوط به مؤسسات خارجی تکمیل شد.

لویمی مطلق ادامه داد: اطلاع‌رسانی در خصوص ظرفیت‌های پذیرش هیئت علمی در دانشگاه‌ها و مؤسسات خارجی و بورس‌های فرصت مطالعاتی برای دانشجویان و هماهنگی‌های لازم جهت ویرایش مقالات انگلیسی اعضای هیات علمی با دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی از دیگر فعالیت‌های این دفتر است.

دانشکده دامپزشکی در گذر چهل سال فعالیت علمی

دکتر منصور میاحی
رئیس دانشکده‌ی دامپزشکی
دانشگاه شهید چمران اهواز



دانشکده‌ی دامپزشکی دانشگاه شهید چمران اهواز در سال ۱۳۵۲ در قالب یکی از گروه‌های دانشکده‌ی کشاورزی دانشگاه جندی شاپور بنیان‌گذاری شد و از همان سال به طور رسمی با پذیرش دانشجو در مقطع کارشناسی، فعالیت خود را آغاز کرد. با ادامه‌ی فعالیت‌های گروه و بنا به پیشنهاد مدیریت وقت دانشکده و با باری مسئولان دانشگاه و وزارت علوم، دوره‌ی کارشناسی دامپزشکی در سال ۱۳۵۶ به دکترای عمومی دامپزشکی ارتقا یافت. می‌توان گفت در کشور

دو دانشکده‌ی دامپزشکی پیش از اهواز تأسیس شده‌اند که نخستین دانشکده در دانشگاه تهران و دومین دانشکده نیز در دانشگاه شیراز بود. پس از آن در اهواز و تقریباً هم‌زمان با ارومیه، سومین دانشکده‌ی دامپزشکی کشور تأسیس شد. در سال ۱۳۵۶ شورای برنامه‌ریزی و تدوین دوره‌های مختلف علوم دامپزشکی، نظیر آنچه که در حال حاضر در وزارت علوم و آموزش عالی برقرار است، وجود نداشت و هر یک از سه دانشکده‌ی دامپزشکی (تهران، شیراز و ارومیه)

برنامه‌های خاص خود را برای آموزش دوره‌ی دکترای عمومی دامپزشکی اجرا می‌کردند.

سرانجام اواخر فروردین‌ماه ۱۳۵۷ برنامه‌ی آموزشی دوره‌ی دکترای عمومی دامپزشکی تهیه و با تأیید شورای منتخب، برای مدیریت دانشگاه ارسال شد و در شورای دانشگاه مورد تأیید قرار گرفت. مرحوم دکتر کریم میربابایی در آن زمان رئیس دانشکده بود و مدیریت وی تا اردیبهشت ۱۳۵۸ ادامه داشت. پس از آن، دکتر ناصر حقوقی‌راد به‌عنوان

دومین رئیس دانشکده فعالیت خود را آغاز کرد. او پس از مدتی از سمت خود استعفا داد و دانشکده به‌صورت شورایایی با ترکیب دکتر سید هدایت‌اله رشیدی، دکتر مرتضی علوی شوشتری و محمدعلی هدایتی‌فراداره شد؛ البته در این شورا دکتر رشیدی مدیریت را برعهده داشت. بعد از مدتی دکتر رشیدی به‌عنوان سومین رئیس دانشکده‌ی دامپزشکی اهواز عهده‌دار مسئولیت شد؛ بعد از او نیز دکتر منصور سیاری، اینجانب و دکتر غلامحسین خواجه ریاست دانشکده را بر عهده گرفتیم.

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و تغییرات صورت گرفته در برنامه‌ریزی آموزشی وزارت فرهنگ و آموزش عالی سابق، تصمیم گرفته شد که از چهار دانشکده‌ی دامپزشکی فعال کشور، دو دانشکده‌ی دامپزشکی ارومیه و اهواز منحل و دانشجویان این دانشکده‌ها به تهران و شیراز منتقل شوند. مقاومت و اعتراض استادان و دانشجویان در برابر این تصمیم و نیز پیگیری مسئولان دانشگاه موجب شد تا سرانجام از مهرماه ۱۳۶۵ با پذیرش دانشجو در مقطع دکترای عمومی در دانشکده‌ی دامپزشکی دانشگاه شهید چمران موافقت شود و روند پیشرفت و توسعه‌ی دانشکده ادامه یابد.

در حال حاضر این دانشکده ۵۹ عضو هیئت‌علمی تمام وقت دارد. از مجموع اعضای هیئت‌علمی دانشکده، ۱۳ نفر استاد، ۲۵ نفر دانشیار و ۲۱ نفر نیز در مرتبه‌ی استادیاری هستند؛ همچنین هم‌اکنون ۱۷ رشته در مقاطع مختلف دکترای عمومی دامپزشکی، کارشناسی ارشد، دکترای تخصصی و رزیدنسی (دستیاری) در دانشکده فعال است.

از این تعداد چهار رشته‌ی پاتوبیولوژی، انگل‌شناسی، بهداشت مواد غذایی و فیزیولوژی در مقطع کارشناسی ارشد هستند؛ همچنین یک رشته‌ی دکترای عمومی، ۶ رشته‌ی

دکتری تخصصی و ۶ رشته‌ی دکترای رزیدنسی در دانشکده وجود دارد. در هر نیم‌سال حدود ۳۰ دانشجوی دکترای عمومی جذب می‌شود. چهار گروه آموزشی نیز در دانشکده فعالیت می‌کنند که براساس درخواست گروه‌ها، با توجه به نیازسنجی، امکانات و اولویت‌های آموزشی، در دیگر رشته‌ها و مقاطع نیز دانشجو پذیرش می‌شود. شمار دانشجویان در حال تحصیل این دانشکده نیز ۴۴۴ نفر است و از مجموع دانشجویان دانشکده، ۲۹۰ نفر در دوره‌ی دکترای عمومی، ۴۹ نفر در دوره‌های کارشناسی ارشد، ۵۱ نفر در مقطع دکترای و ۵۴ نفر نیز در دوره‌های دستیاری تحصیل می‌کنند.

از سال ۱۳۹۳ در راستای کیفی‌سازی آموزش‌ها، پذیرش دانشجو به‌صورت هدمند انجام می‌شود؛ البته یکی از خصوصیات دانشکده‌ی دامپزشکی این است که همه‌ی دانشجویان آن در مقاطع تحصیلات تکمیلی تحصیل می‌کنند و دانشجوی لیسانس در دانشکده پذیرش نمی‌شود. ۲۲ آزمایشگاه آموزشی و تحقیقاتی نیز وجود دارد و دانشکده دارای یک بیمارستان دامپزشکی است که می‌توان گفت از نظر تعداد مراجعه و امکانات سخت‌افزاری، بزرگ‌ترین و مجهزترین بیمارستان دامپزشکی کشور است. ساختمان این بیمارستان در سال ۱۳۶۵ احداث شد؛ همچنین ساختمان جدید دانشکده نیز در سال ۱۳۹۰ تکمیل شد و مورد استفاده قرار گرفت.

براساس آمارهای اخذ شده از سامانه آ.ام.اس تاکنون نزدیک به سه هزار مقاله از اعضای هیئت‌علمی دانشکده در طول ۴۰ سال فعالیت، در مجلات علمی داخلی و خارجی چاپ شده است؛ همچنین در این مدت حدود شش هزار مقاله در کنفرانس‌ها و همایش‌های علمی ملی و بین‌المللی ارائه شده است. تاکنون نزدیک به ۱۲۰۰ پایان‌نامه و حدود ۲۰۰ طرح تحقیقاتی

در دانشکده به اتمام رسیده است؛ البته بخش عمده‌ی این طرح‌ها، داخلی و تعداد کمی (حدود ۳۰ طرح) مربوط به پروژه‌های ارتباط با صنعت بوده است.

با توجه به ظرفیت اعضای هیئت‌علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشکده، این حوزه به‌نوعی مغفول مانده و هنوز توانایی و ظرفیت بسیاری برای اجرای طرح‌های ارتباط با صنعت وجود دارد. از سوی دیگر وجود مزارع بزرگ پرورش ماهی، طیور و آبیان در استان، ظرفیت چشمگیری برای کارهای تحقیقاتی فراهم کرده است که لزوم فعالیت بیشتر در این بخش را ایجاب می‌کند.

مجله‌ی دامپزشکی ایران نیز در دانشکده چاپ و منتشر می‌شود. این مجله با سابقه‌ی خوب و درخشان خود، از مجلات برتر کشور است. هر سال حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ مقاله از طریق سامانه‌ی مجله به دبیرخانه ارسال می‌شود. در هر شماره ۱۲ مقاله و هر سال ۴۸ مقاله در مجله چاپ می‌شود؛ با توجه به این‌که اکنون در حال ورود به سال یازدهم فعالیت مجله هستیم، در این مدت حدود ۵۰۰ مقاله در آن چاپ شده است. با توجه به پرورش گاو میش در منطقه و ظرفیت‌های علمی موجود، در سال ۱۳۸۹ قطب علمی بهداشت و بیماری‌های گاو میش کشور در این دانشکده تأسیس شد و اکنون با مدیریت دکتر حاجی حاجیکلائی در حال فعالیت است.

هم‌زمان با آیین گرامی‌داشت شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه، مراسم چهارمین سالگرد تأسیس دانشکده‌ی دامپزشکی نیز در روز ۲۵ بهمن ۱۳۹۴ برگزار و از پیشکسوتان و فعالان این دانشکده به پاس سال‌ها فعالیت، تجلیل خواهد شد. رونمایی از نشان بزرگداشت چهارمین سالگرد تأسیس دانشکده از دیگر برنامه‌های این آیین است. همچنین تجلیل از استادان بازنشسته نیز پیش‌بینی شده است.

هنگامی که نزدیک به سی و نه سال پیش در مهرماه ۱۳۵۵، به دعوت دکتر حسین نخعی رییس وقت دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه جندی شاپور برای تدریس از تهران به اهواز آمدم، می‌پنداشتم که مانند چندانی به درازا نمی‌انجامد؛ به‌ویژه آن‌که دانشجوی دوره‌ی دکتری دانشگاه تهران هم بودم و باید کار ناتمام تحصیل را به انجام

می‌رساندم. کاری که اتمامش به سبب همین آمدن، سه‌ساله به طول انجامید.

گروه نوپای زبان و ادبیات فارسی در آن روزها دو‌ساله بود که کارش را شروع کرده بود. افرادی با سلیقه‌هایی متفاوت و گاه متعارض و من در آن میان غریبه‌ای بودم که حضورم شاید هیچ‌کس را خوشحال نمی‌کرد؛ جوانی در آغاز راه با تجربه‌ای اندک که تازه خدمت نظام را تمام کرده و پای در دوره‌ی دکتری ادبیات گذاشته و حالا داعیه استادی می‌داشت. نصیب چنین تازه‌واردی جز درس عمومی نبود. بعدها درس روش تحقیق را هم که طالبی نداشت، بر عهده‌ی من گذاشتند. روشن‌ترین خاطره‌های آن روزها، اختلاف سلیقه‌ها و کشمکش‌ها و رقابت‌ها و اگر نگویم عداوت‌هایی بود که گاه در پشت نقاب دوستی پنهان می‌شد و هرگز حاصلی به دنبال نداشت.

بعد از مدتی انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و هنوز مدتی نگذشته، جنگ تحمیلی شروع شد و به قول شاعر، «غم عشق آمد و غم‌های دگر پاک برید». اکنون پنداری جنگ، همه‌ی ما را با یکدیگر هم‌درد کرده بود و این آغاز هم‌دلی‌ها بود.

گروه من، یعنی گروه ادبیات فارسی بعد از شروع مجدد درس و کلاس در دانشگاه‌ها، جان دیگری گرفت و اعضای جدیدی به گروه پیوستند. کارها به‌سامان‌تر شد و رقابت‌ها کم‌رنگ‌تر. حالا دیگر همگی تجربه‌ی مشترکی را پشت سر گذاشته بودیم و شاید پخته‌تر و بردبارتر شده بودیم. حالا دیگر به قول یکی از دانش‌آموخته‌های قدیم ما، ساختمان سه‌گوش (محل قدیم دانشکده‌ی ادبیات)، شلوغ‌ترین جای دنیا بود. ساختمانی که اولین لانه و کاشانه‌ی دانشگاه ما بود و من سی و چند سال را در زیر سقفش سپری کرده بودم؛ جایی که هر خشت‌اش

برایم خاطره‌ای داشت؛ خاطره‌هایی از جوانی و میان‌سال‌ی؛ خاطره‌هایی از همکاری که اکنون درگذشته‌اند و جز معدودی از آنها، در کنارمان نیستند و دانشجویانی که بعدها برای خود استاد شدند و کارمندان و کارکنانی که یادشان حکایتی از وفاداری و صداقت را در ذهنم زنده می‌کند.

کار عجیبی است این استادی دانشگاه، و چه زیبا و پربار است اگر با نخوت‌ها و رعونت‌های استادی همراه نباشد. در جاهای دیگر که کار می‌کنی، یک‌سال کار می‌کنی و سی‌سال، آن کار را تکرار می‌کنی؛ اینجا هر روز و هر ماه و هر سال‌اش شروع دوباره‌ای است. هر مهرماه، شوق شروعی دوباره را در دلت زنده می‌کنی و اگر درد دانستن و پژوهیدن همچنان در دلت باشد، دیگر گذشت زمان را هم احساس نمی‌کنی. در میانه‌ی این سال‌هایی که چهار دهه را در بر می‌گیرد، بارها وسوسه رفتن بر من غالب شد و چه بسیار در میانه‌ی تردیدهای رفتن و نرفتن، عذاب کشیدم؛ ولی ماندم و از ماندنم پشیمان نیستم. دل آزرده شدم، ولی کوشیدم تا دلی را نیازارم. این خصلت آدمی است که روزهای ناخوشی را بیشتر به یاد می‌آورد تا روزهای خوشی را؛ ولی روزهای خوش من در این دانشگاه کم نبود؛ مقالات و کتاب‌های بسیاری که نوشتم، دانشجویانی که پروراندند، استادانی که تربیت کردم و سال‌هایی که در مدیریت این دانشگاه نقش و اثری داشتم، همه‌ی روزهای خوش من است. اکنون تاریخ دانشگاه شهید چمران، تنها تاریخ زندگی من نیست، سهمی بزرگ از حیثیت من است که باید آن را پاس بدارم و تا هستم، پاس می‌دارم.

در این جستار، هدف نگاهی کوتاه به کارکردهای دانشگاه شهید چمران اهواز و ارتباط این کارکردها با توسعه است. لازم به توضیح است که در این مقال کوتاه، هدف این نیست که با عدد و رقم و آمارهای مربوطه به این مقوله پرداخته شود؛ هر چند که می‌توان از این منظر به موضوع پرداخت، ولی در فرصت کوتاه نگارش این نوشته، مجال‌ی برای این کار فراهم نبود.

از دیدگاه جامعه‌شناسی، دانشگاه یک نهاد اجتماعی از نوع نهاد اولیه به‌شمار می‌آید. در باب نهاد اجتماعی گفته شده که یکی از ویژگی‌های اصلی آن، تأمین نیاز یا نیازهای اساسی جامعه است. بدیهی است این ویژگی از طریق کارکردهای نهاد، قابل دستیابی است. کارکرد هر نهاد، آثار و نتایج عینی آن نهاد است؛ به عبارتی، عملکردی را که هر نهاد به جامعه ارائه می‌دهد، می‌توان به عنوان کارکرد آن به‌شمار آورد.

دانشگاه به عنوان نهادی اجتماعی می‌تواند کارکردهای متعددی داشته باشد. هر نهاد اجتماعی دو گونه کارکرد دارد: کارکرد آشکار و کارکرد پنهان. کارکرد آشکار آن‌گونه کارکردی است که نهاد اجتماعی به منظور تأمین آن به‌وجود آمده است. یعنی از قبل برنامه‌ریزی شده و آگاهانه و به قصد تأمین نیاز مبادرت به تأمین نهادی شده است؛ اما کارکرد پنهان آن دسته از کارکردهایی است که به‌طور ضمنی به‌وجود می‌آید و از پیش برنامه‌ریزی نشده است.

مثالی در این زمینه می‌تواند روشن‌گر بحث فوق باشد. سرمایه‌داری را در نظر بگیریم که هدفش کسب سود از سرمایه‌ی خود است. این فرد، مبادرت به تأسیس کارخانه‌ای می‌کند. سود حاصل از این فعالیت، کارکرد آشکار این نهاد است، ولی کاهش بی‌کاری از طریق به‌کارگیری نیروی انسانی آن منطقه و نیز تولید کالا و افزایش آن در بازار و کاهش واردات از کارکردهای پنهان این نوع فعالیت است. مسلم است که دانشگاه شهید چمران از بُعد

دانشگاه شهید چمران و کارکردهای آشکار و پنهان

دکتر عزیز حزباوی
عضو هیات علمی دانشکده‌ی
اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه
شهید چمران



کارکرد آشکار توانسته نیروی انسانی ماهر و متخصص در سطوح مختلف و در ده‌ها رشته‌ی علمی را آموزش دهد که در امور مختلف جامعه نظیر آموزشی، پژوهشی و اداری، چه در بخش دولتی و یا خصوصی در سطح منطقه و کشور به فعالیت مشغول بوده و هستند؛ غیر از تربیت نیروی انسانی، از بُعد پژوهشی نیز این دانشگاه با دارا بودن چند قطب علمی و نیز مراکز پژوهشی متعدد و با اجرای صدها طرح و پروژه پژوهشی تخصصی و همچنین ارائه خدمات مشاوره‌ای تخصصی در راستای مسایل و مشکلات مختلف جامعه و ارائه‌ی راهکارهای علمی، عملی و اجرایی تخصصی برای رفع آنها، باز هم در سطح منطقه‌ای و ملی نقش بسیار برجسته‌ای ایفا کرده است.

با نگاهی گذرا به کارکردهای پنهان دانشگاه می‌توان موارد ذیل را برشمرد و به عبارت دیگر، می‌توان انتظار داشت که در بین دانش‌آموختگان دانشگاه، موارد زیر نمود پُررنگی داشته باشند.

- ۱) کاهش هزینه‌های فردی و اجتماعی در نتیجه‌ی تسهیل دستیابی به منابع؛
- ۲) کاهش جرایم، انحرافات و ناهنجاری‌های اجتماعی و خانوادگی در میان اقدار تحصیل‌کرده‌ی دانشگاهی؛
- ۳) افزایش سطح استاندارد زندگی و امکانات بهزیستی افراد و در مجموع انتقال آن به سطح جامعه؛
- ۴) افزایش سطح فرهنگ بهداشتی و کاهش هزینه و مخارج بهداشت و درمان در بُعد فردی و اجتماعی؛
- ۵) تربیت کادر سیاسی صاحب منصب و غیر صاحب منصب؛
- ۶) افزایش باورهای علمی به جای باورهای سنتی؛
- ۷) افزایش نخبگان جامعه؛
- ۸) افزایش پرورش ذهنی و نیز سازگاری‌های ذهنی با محیط پیرامون در ابعاد مختلف؛
- ۹) گسترش هرچه بیشتر افکار نوآور و خلاق؛
- ۱۰) افزایش پرورش شخصی و عادات

جدید نظیر وقت‌شناسی، اعتنا به نظم و ترتیب.

حال با توجه به مفهوم توسعه می‌توان گفت از دیدگاه برخی صاحب‌نظران، توسعه جریانی چند بُعدی است که مستلزم تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی، طرز تلقی عامه‌ی مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است. توسعه به معنای ارتقای مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر و یا انسانی‌تر است. در توسعه دست کم سه ارزش اصلی شامل افزایش تأمین نیازهای اساسی زندگی انسان‌ها، افزایش اعتماد به نفس و افزایش دامن‌های انتخاب انسان‌ها، پایه‌ی فکری و رهنمود عملی است. کارکردهای پیش‌گفته در مورد دانشگاه شهید چمران هم صادق است و حتی قابلیت محاسبه به صورت مقداری و عددی را دارد. این سوال را می‌توان طرح نمود که با توجه به مفهوم توسعه، دانشگاه شهید چمران در تحقق این کارکردها در مقیاس منطقه، استان و کشور به چه میزان توانسته سهمی در خور توسعه داشته باشد؟

مسلم است با نگاهی به کارنامه‌ی دانشگاه در این شش دهه، اگر این‌گونه بیان شود که دانشگاه شهید چمران در تحقق همه‌ی این کارکردها نسبتاً موفق بوده است، سخنی عاری از حقیقت گفته نشده است. به‌ویژه این‌که دانشگاه‌های علوم پزشکی، علوم و فنون دریایی خرمشهر، کشاورزی و منابع طبیعی رامین و خاتم‌الانبیای بهبهان بخشی از این دانشگاه بوده‌اند. اکنون قصد داریم ۶۰ سالگی چنین دانشگاهی با این کارنامه‌ی درخشان در زمینه‌ی ارائه‌ی خدمات علمی پژوهشی، تربیت نیروی انسانی متخصص و کارکردهایی در زمینه‌ی ارتقاء سطح استاندارد زندگی در بُعد فردی و اجتماعی، را جشن بگیریم و خدماتش را پاس بداریم؛ آیا این همه خدمات، شایسته‌ی پاسداشت نیست؟



کتاب معرفی بناها و معماری دانشگاه رونمایی می‌شود

کتاب معرفی بناها و معماری ساختمان‌های دانشگاه رونمایی می‌شود؛

مشخصات ساختمان‌ها، بناها و فضای فیزیکی دانشگاه شهید چمران اهواز با ارائه‌ی نقشه‌ها و تصاویر هر ساختمان، شامل مشخصات بنا، سال ساخت، نوع معماری و کاربری قبلی و فعلی به کوشش دکتر مظهری عضو هیئت‌علمی و مشاور عمرانی رییس دانشگاه شهید چمران اهواز و همکاران وی، در قالب مجموعه‌ای ۱۰۰ صفحه‌ای منتشر می‌شود.

دکتر محمدابراهیم مظهری استادیار گروه معماری دانشکده‌ی مهندسی در خصوص این اثر به «یادگار» گفت: در این کتاب، نقشه‌های موجود از ساختمان‌های دانشگاه و به همراه تصاویر و توضیحاتی در خصوص معماری هر بنا و ویژگی‌های ساختمان، زمان شروع ساخت و بهره‌برداری، اطلاعات فنی و کاربری با مروری بر تاریخچه‌ی کلی بنا گردآوری و ارائه شده است.

وی با بیان این‌که تاکنون بر اساس جستجوها و پیگیری‌های انجام‌شده سه معمار درباره‌ی بناهای ساختمان‌های دانشگاه به‌طور قطعی مشخص شده است، گفت: در حال حاضر مشخص شده است که معماری دانشکده‌های علوم و کشاورزی را مهندس مقتدر و ساختمان مرکزی، معاونت دانشجویی، مسجد معاونت دانشجویی و دانشکده‌ی تربیت بدنی را کامران دیبا انجام شده است.

وی با اشاره به این‌که در این اثر تمام ساختمان‌های دانشگاه در محوطه‌ی پردیس و خارج از آن، مانند بنای سه‌گوش نیز بررسی شده است، افزود: به‌جز این ساختمان‌ها و دانشکده‌ی ادبیات سابق که به تازگی بر اساس مستندات و شواهد مشخص شد که طراحی آن را یک معمار ارمنی انجام داده است، بقیه‌ی ساختمان‌ها تقریباً از ارزش معماری کمتری برخوردارند،

با این وجود، این ساختمان‌ها را نیز بررسی کردیم.

مظهری اظهار کرد: در این مجموعه از کتاب «در جست‌وجوی هویت شهری اهواز»، تألیف دکتر روح‌الله مجتهدزاده عضو هیئت‌علمی گروه عمران دانشگاه نیز استفاده شده است که وی بر اساس شواهد و مستندات در کتاب خود، معمار ساختمان سه‌گوش را «کریستوفر تادوسیان» ذکر کرده است. به‌جز این سه معمار، معمار بعضی ساختمان‌ها نیز نامشخص است.

وی انجام این کار را دارای چند مزیت خواند و اظهار کرد: دانشگاه شهید چمران با توجه به قدمت آن، دارای ساختمان‌های با ارزش معماری است، به‌ویژه آن‌که معمارانی بزرگ، طراحی این بناها را برعهده داشته‌اند. البته در بعضی موارد نیز معمار اصلی بنا مشخص نیست؛ به‌طور مثال معمار اقامت‌گاه دانشگاه و مهمانسرای دانشگاه در خیابان آزادگان (فعلی ۲۴ متری) نامشخص است. در هر صورت با تهیه این اثر، این اطلاعات مستند می‌شود و به همراه نقشه‌ها و عکس‌ها باقی می‌ماند. دوم آن‌که این اثر می‌تواند برای دانشجویان و استادان رشته‌های معماری و عمران و دیگر افراد علاقه‌مند به کارهای پژوهشی و تحقیقی در این حوزه به‌عنوان منبع مستندی و در دسترس و مفید باشد.

مظهری در خصوص قدمت ساختمان‌های دانشگاه نیز گفت: قدیمی‌ترین ساختمان دانشگاه، ساختمان سه‌گوش است که در سال ۱۳۱۴ به‌عنوان ساختمان بانک ملی طراحی و تأسیس شد و بعدها در اختیار دانشگاه قرار گرفت. در پردیس دانشگاه نیز دانشکده‌ی کشاورزی در سال ۱۳۵۳ تأسیس شده است، قدیمی‌ترین ساختمان است.



نگاهی به تشکل‌ها و انجمن‌های دانشجویی دانشگاه شهید چمران

فعالیت پنج شکل اسلامی در دانشگاه
واحد تشکل‌های اسلامی دانشگاه با پنج انجمن شامل انجمن اسلامی دانشجویان، انجمن اسلامی دانشجویی، انجمن اسلامی دانشجویان پیرو خط امام (ره)، انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه و بسیج دانشجویی در دانشگاه مشغول به فعالیت است. محور عمده‌ی فعالیت این تشکل‌ها، اجرای برنامه‌های علمی، سیاسی و فرهنگی است. برگزاری تریبون آزاد دانشجویی، سخنرانی در مناسبت‌های سال،

مناظره‌ی دانشجویی، راهپیمایی، برگزاری اردوهای تفریحی فرهنگی و اجرای مراسم ویژه‌ی استقبال از دانشجویان نو ورود در آغاز سال تحصیلی، از جمله برنامه‌های همه‌ساله‌ی این تشکل‌ها است. انجمن اسلامی دانشجویان در سال ۱۳۸۳، انجمن اسلامی دانشجویی و انجمن اسلامی دانشجویان پیرو خط امام (ره) هر دو در سال ۱۳۹۳، بسیج دانشجویی در سال ۱۳۷۳ و انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه در سال ۱۳۹۲ تأسیس شدند.

انجمن‌های علمی دانشجویی
انجمن علمی دانشجویی، تشکلی دانشجویی و دانشجو محور است که در زمینه‌های آموزشی، تربیتی، پژوهشی و ارتباط با صنعت و جامعه به فعالیت می‌پردازد. هر انجمن علمی پنج عضو اصلی و دو عضو جانبین دارد و هر سال از طریق برگزاری انتخابات، شورای انجمن، انتخاب و از بین اعضای شورا یک نفر به‌عنوان دبیران انتخاب می‌شود. انجمن‌های علمی دانشجویی دانشگاه به تفکیک گروه‌های علمی، شامل ۱۰ انجمن در

انجمن‌های علمی در معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه تحویل دهد. هر سال نیز جشنواره‌ای شامل دو بخش رقابتی و نمایشگاهی برگزار می‌شود که در بخش رقابتی، جشنواره‌ی داخلی «حرکت» شامل ارائه‌ی دستاوردهای علمی انجمن‌های دانشگاه برگزار می‌شود و برگزیدگان این جشنواره‌ی درون‌دانشگاهی به بخش نمایشگاهی که هر سال به میزبانی یکی از دانشگاه‌های کشور برگزار می‌شود، راه می‌یابند.

تاکنون هشت جشنواره‌ی ملی «حرکت» برگزار شده، که انجمن‌های علمی دانشجویی دانشگاه شهید چمران اهواز در تمامی این دوره‌ها حضوری چشم‌گیر و فعال داشته‌اند و رتبه‌های ارزنده‌ی را در میان دانشگاه‌های سراسر کشور به خود اختصاص داده‌اند.

برخی افتخارات انجمن‌های علمی دانشجویی دانشگاه به شرح زیر است: * سال ۱۳۹۱ به میزبانی دانشگاه تهران، انجمن مهندسی برق دانشگاه شهید چمران در بخش اختراع و معاون فرهنگی و اجتماعی وقت به عنوان معاون فرهنگی برتر انتخاب شدند. * سال ۱۳۹۲ انجمن مکترونیک در بخش اختراع و انجمن فیزیک در بخش سایت و وبلاگ حائز رتبه‌ی برتر در سطح کشور شدند.

* سال ۱۳۹۳ به میزبانی دانشگاه شیراز انجمن علمی دامپزشکی در بخش فعالیت‌های آموزشی، انجمن فیزیک در بخش فعالیت‌های تربیتی و معاون فرهنگی وقت به عنوان معاون فرهنگی برتر انتخاب شدند. * سال ۱۳۹۴ به میزبانی دانشگاه چمران در بخش نشریه رتبه‌ی برتر دانشگاه‌های کشور را به دست آورد. به استناد آیین‌نامه ۱۳۸۷ وزارت علوم در خصوص انجمن‌های علمی دانشجویی، «دانشجویان همه‌ی گرایش‌ها و مقاطع تحصیلی یک

رشته‌ی دانشگاهی، اعضای انجمن علمی متناظر با همان رشته به‌شمار می‌روند.» بنابراین می‌توان گفت انجمن‌های علمی دانشجویی بزرگ‌ترین تشکل دانشجویی در هر دانشگاه محسوب می‌شوند که قبولی در هر رشته‌ی تحصیلی به عضویت انجمن مربوط درمی‌آیند.

فعالیت ۵۱ انجمن علمی رشته‌ای و بین‌رشته‌ای

در حال حاضر ۵۱ انجمن علمی دانشجویی شامل ۴۲ انجمن رشته‌ای با عناوین انجمن علمی دانشجویی آمار، اقتصاد، باغبانی، برق، تربیت بدنی، جامعه‌شناسی، جغرافیا، حسابداری، حقوق، فقه و حقوق، خاک‌شناسی، دامپزشکی، روان‌شناسی، ریاضی، زبان انگلیسی، زبان فرانسه، زبان و ادبیات عرب، زبان و ادبیات فارسی، زراعت و اصلاح نباتات، زمین‌شناسی، شیمی، عمران، علوم آب، علوم تربیتی، علوم سیاسی، علوم قرآن و حدیث، فیزیک، مهندسی کامپیوتر، کتاب‌داری، گیاه‌پزشکی، مدیریت بازرگانی، معماری، مکانیک، مکانیک ماشین‌های کشاورزی، مواد و متالوژی، هنر، مشاوره، دانشکده هنر شوشتر، فلسفه و حکمت، علوم کامپیوتر، تاریخ، مهندسی تحصیلات تکمیلی علوم آب و تحصیلات تکمیلی علوم زمین و ۹ انجمن بین‌رشته‌ای با عناوین انجمن علمی علوم زیستی، مکترونیک، بازی‌های رایانه‌ای، نانو، صنعت گردشگری، مهندسی تحصیلات تکمیلی، گرافیک، محیط زیست و استارت‌آپ و کسب‌وکار نو در دانشگاه شهید چمران فعالیت می‌کنند.



ضرورت برگزاری آیین شصت سالگی دانشگاه

دکتر منوچهر جوکار
مسول کارگروه اجلاس و عضو
کارگروه‌های هنر و تبلیغات
آیین گرامیداشت
شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه
شهید چمران اهواز

ملتی که گذشته‌ی خود را نشناسد فراموش کند، حال و آینده را نیز نخواهد شناخت. این یک اصل پذیرفته در فلسفه‌ی تاریخ است. یکی از راه‌های شناخت گذشته، یادکرد رویدادها، میلادها و مرگ‌هاست. رویدادهایی که سرنوشت ملت‌ها را دچار تغییر کرده و میلادهایی که سراز راه‌های تازه و نگاه‌های نو بوده‌اند و البته مرگ‌هایی که بر بعضی ناپایدها نقطه‌ی پایان نهاده است. بر این بنیان، یکی از جوانب چرایی آیین شصت‌سالگی دانشگاه، همین شناخت گذشته و گذشتگان نظام آموزش عالی در استان و نموداشت زحمت‌کشان این حوزه و البته بازشناخت کاستی‌های آن و کوشش علمی و معنوی باشند و شصت‌سالگی



دانشگاه در دیار آنها پابرجاست و به رشد و بالندگی علمی و فرهنگی و صنعتی سرزمین‌شان یاری رسانده و به اشتغال آنها کمک‌ها کرده است (و البته گاه نامهربانی و قدرناشناسی هم از سوی گروهی دیده و با نجابت از سرگذرانده است). این مردم باید به چنین سرمایه‌ی معنوی ببالند و با غرور و افتخار، پیشینه‌ی آن را به درستی بشناسند و ارج و قدر بگذارند. باری، بر این اساس، مسولان دانشگاه و به‌ویژه سرپرست وقت دانشگاه برآن شدند تا در آیینی، قدردان این نعمت علمی و معنوی باشند و شصت‌سالگی

دانشگاه را گرامی بدارند و با این کار ارج‌گزار دانش و دانایی و قدردان جهادگران این عرصه باشند که در طول شش دهه، به سهم خویش در تربیت فرزندان ایران و تدبیر و تمشیت امور کشور کوشیده‌اند. بدین منظور، کمیته‌ی اجرایی آیین شصتمین سال به مسولیت جناب آقای دکتر دادخواه و مرکب از چند کارگروه مستقل شکل گرفت و از آغاز سال ۱۳۹۴ با تشکیل جلسات متعدد به تبادل نظر و برنامه‌ریزی پرداخت و ان‌شاءالله در بیست و ششم بهمن‌ماه جاری، آیین پایانی را به اجرا خواهد گذاشت.

برنامه‌های این آیین به‌طور رسمی از ۱۲ بهمن ۱۳۹۴ هم‌زمان با آغاز دهه‌ی فجر و سی‌وهفتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی با میهمانی و تجلیل از کارکنان دانشگاه آغاز شد؛ از ابتدای سال ۱۳۹۴ نیز به پیشنهاد کمیته‌ی اجرایی و موافقت هیات‌ریسه دانشگاه، اطلاعیه‌ها و آگهی‌های تبلیغی، علمی و فرهنگی دانشکده‌ها و ادارات مختلف دانشگاه شعار و نشان تبریک و گرامیداشت شصت‌سالگی دانشگاه را بر خود داشته و تا پایان سال خواهند داشت.

در روز ۲۶ بهمن نشست اصلی آیین در ورزشگاه دانشکده‌ی تربیت بدنی با حضور همه‌ی قشرهای دانشگاهی و میهمانان عالی‌رتبه‌ی کشوری و استانی برگزار خواهد شد. در این روز که روسای پیشین دانشگاه و اعضای هیئت علمی بازنشسته و نیز جمعی از کارکنان بازنشسته میهمان دانشگاه خواهند بود، چند نفر از اعضای هیئت علمی و کارکنان و دانشجویان برگزیده به صورت نمادین تجلیل می‌شوند و باقی برگزیدگان در نوبت عصر در دانشکده‌ها و ادارات دانشگاه تجلیل خواهند شد. پخش چند فیلم کوتاه در خصوص دانشگاه و استان که به مناسبت همین آیین تهیه شده و نیز اجرای سرود دانشگاه که خاص شصتمین سال است، از دیگر

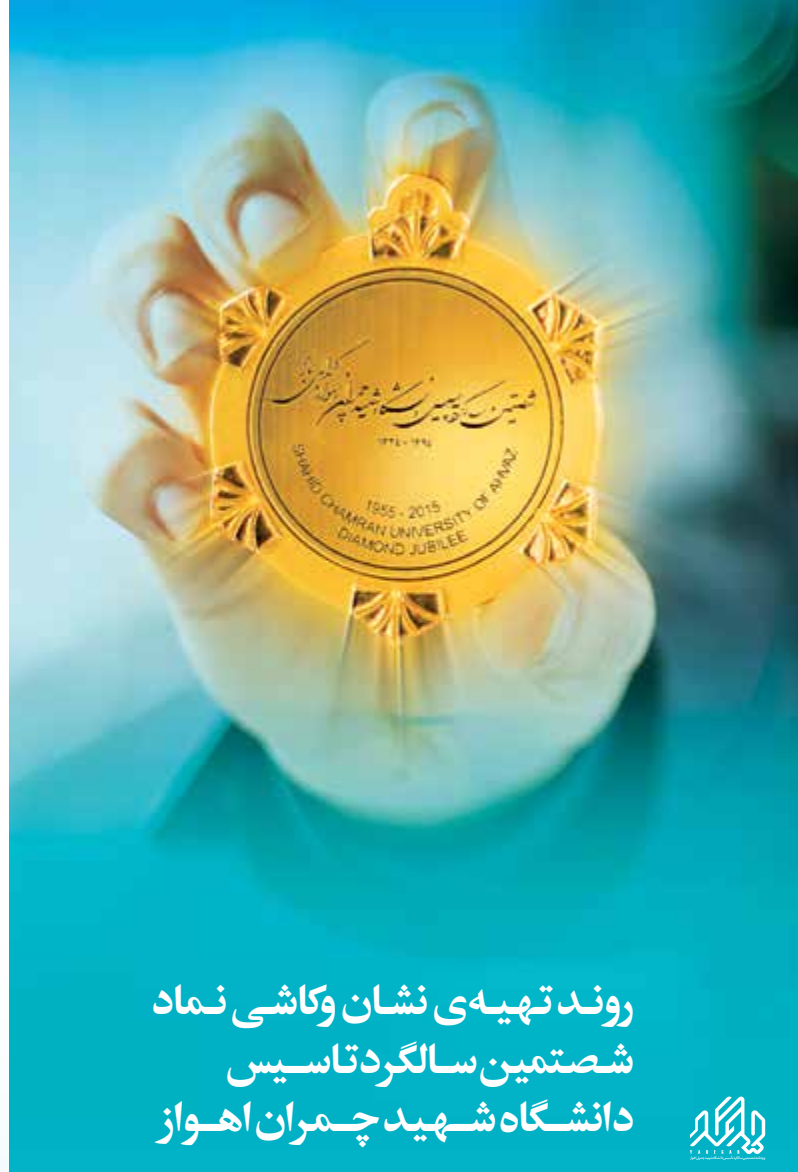
برنامه‌های این روز است.

بعداز ظهر ۲۶ بهمن نیز در هر دانشکده با اهدای لوح مخصوص شصتمین سال به کارکنان و اعضای هیئت علمی و نیز نشانی که به نام هر یک از اعضای هیئت علمی تهیه شده، از شاغلان هیئت علمی و کارکنان هر دانشکده تجلیل خواهد شد. از کارکنان حوزه‌ی ساختمان مرکزی نیز در ۲۸ بهمن ساعت ۱۱ در محل تالار ریاست دانشگاه و از کارکنان معاونت فرهنگی و اجتماعی و معاونت دانشجویی و دانشجویان برگزیده نیز در همان تاریخ و ساعت در تالار شهید شهرباری معاونت فرهنگی تجلیل خواهد شد. برنامه‌ای نیز برای کارکنان بازنشسته‌ی دانشگاه پیش‌بینی شده که در روز سوم اسفند ساعت ۱۰ در تالار دانشکده‌ی مهندسی برگزار می‌شود. در کنار این برنامه‌ها باید از تهیه‌ی یک فیلم مستند و پژوهشی ۴۵ دقیقه‌ای در خصوص دانشگاه خبر داد که به زبان فارسی و با زیرنویس انگلیسی جهت معرفی دانشگاه به مراکز دیگر و خصوصاً خارج از کشور تهیه شده است و در روز برگزاری، نسخه‌ای از آن در اختیار شرکت‌کنندگان قرار خواهد گرفت. از دیگر فعالیت‌ها و دستاوردهای این رویداد پسندیده، سفارش تهیه ۱۶ جلد کتاب است که تهیه‌ی برخی از آنها تا پایان سال به درازا می‌انجامد. این کتاب‌ها عبارتند از: ۱- کتاب شناسان دانشکده‌ها (۱۳ کتاب) ۲- شناسان دانشگاه ۳- کتاب شصتمین سال ۴- کتاب معرفی بناها و معماری ساختمان‌های دانشگاه. با عرض خدایقت به همکاران دست‌اندرکار این آیین و آرزوی این‌که در هفتاد سالگی دانشگاه، شاهد پیشرفت و افتخار بیش از پیش این مرکز بزرگ علمی باشیم، همگان را به شرکت در آیین ۲۶ بهمن فرامی‌خوانم.

مستند ۶۰ سالگی رونمایی می‌شود



مستند «۶۰ سالگی» در آیین شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه شهید چمران اهواز رونمایی می‌شود. به گزارش یادگار، این مستند نیمه‌بلند به تهیه‌کنندگی و کارگردانی مصطفی صالحی‌نژاد در ۴۵ دقیقه تولید شده است و به معرفی دانشگاه شهید چمران، از باستان تا کنون می‌پردازد. مستند دانشگاه شهید چمران با معرفی دانشکده‌ها و بخش‌های مختلف دانشگاه، به جایگاه ویژه این دانشگاه در استان، کشور و جهان می‌پردازد. این فیلم به دو زبان فارسی و انگلیسی و در فرمت فول‌اچ.دی ساخته شده و از تصویربرداری هوایی نیز در آن استفاده شده است.



روند تهیه‌ی نشان و کاشی نماد شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه شهید چمران اهواز

از آغازین روزهای سال ۱۳۹۴، همزمان با تشکیل کارگروه برگزاری آیین گرامیداشت شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه شهید چمران اهواز، کار طراحی و ساخت هدایای غیرتبلیغاتی هیئت علمی و کارمندان به دانشکده‌ی هنر شوشتر واگذار شد.

ساخت و تهیه‌ی هدیه برای اعضای هیئت علمی

نمونه‌ی سکه‌ی پنج‌همین سالگرد تاسیس دانشگاه، در جلسه‌ی هیئت رئیسه دانشگاه مورد نقد و بررسی

قرار گرفت و به اتفاق نظر مقرر شد به جای ضرب سکه، نشانی برای اعضای هیئت علمی طراحی و ساخته شود.

طراحی نشان

نشان یادبود شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه شهید چمران به رنگ طلایی، با ایده گرفتن از شمشه‌هایی که در هنرهای ایرانی اسلامی، خورشید را تداعی می‌کند، در نظر گرفته شد. شکل شش‌پراکن در نظر گرفته شد. شمشه‌ی طلایی که در هر راس آن نماد دانشگاه قرار دارد، نماد



شش دهه فعالیت علمی دانشگاه است. بر روی نشان، جمله‌ای برای گرامیداشت این مناسبت به دو زبان درج شده و همچنین نام همه‌ی اعضای هیئت علمی شاغل و باز نشسته‌ی دانشگاه، بر روی آن ثبت شده است.

در سمت دیگر نشان، آرم شش‌برگ دانشگاه شهید چمران سر برآورده از میان شاخه‌های نخل، نشان دانشگاه را که خلاصه شده‌ی شکل درخت نخل است، را توضیح می‌دهد. جمله‌ی یادبود شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه نیز به عنوان ثبت این واقعه‌ی فرهنگی، زیر نماد دانشگاه ثبت شده است.

این نشان در جعبه‌ای خاتم‌کاری شده که نماد هنر جهانی ایرانیان است، هدیه‌ای فرهنگی برای اهالی فرهیخته‌ی دانشگاه خواهد بود.

روند اجرایی طراحی و ساخت نشان

نمونه‌هایی از طرح‌های مختلف برای نشان از سوی رییس دانشکده‌ی هنر شوشتر (دکتر سوداگر) در جلسات متعدد هیئت رئیسه مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت در جلسات عمومی شورای دانشگاه مورد تایید نهایی قرار گرفت. نمونه‌های مختلفی از مواد و نشان‌های ساخته



شده از سازندگان، تهیه و در جلسات هیئت رئیسه دانشگاه بررسی و پس از انتخاب نمونه‌ای از آلیاژ فلزی، کار ساخت آغاز شد.

برای نگهداری نشان، انواع و اقسام استندها و پایه، اعم از پلاستیکی، شیشه‌ای و جعبه‌های مقوایی و چوبی مورد مطالعه قرار گرفت و در نهایت جعبه‌ی شش‌ضلعی خاتم‌کاری شده که نماد شصتمین سالگرد تاسیس را دارد، انتخاب شد.

در خصوص چستی هدیه‌ی عمومی دانشگاه نیز جلسات متعددی برگزار شد و پس از تحقیق و بررسی نمونه‌هایی از قاب‌های سوخت چرم، سنگ چاپ خورده و کاشی لعابی، کاشی منقش به نشان دانشگاه با قاب مدلی چوبی برای هدیه‌ی عمومی مورد تایید قرار گرفت. خشت دستی با روپیه‌ی لعابی آبی‌رنگ، نماد قدمت منطقه‌ی جندی شاپور، زبان حسی گویایی دارد که بدون هیچ توضیحی، توسط بیننده دریافت می‌شود. بدین ترتیب نام و نشان دانشگاه به رنگ فیروزه‌ای آسمان، بر دل خاک گرم خوزستان نقش بست تا شصتمین سال فیروزه‌ای علم و دانش در سرزمین خوزستان نقش بندد و گرمی داشته شود.



نظارت و ارزیابی لازمه‌ی ارتقاء آموزش عالی استان

دکتر محمدرضا زادکرمی
مدیر دفتر نظارت، سنجش
و ارزیابی دانشگاه شهید چمران



شکایات نیز به این مرکز داده می‌شود. در واحد آمار دفتر نظارت و ارزیابی دانشگاه شهید چمران اهواز، علاوه بر آمارنامه‌هایی که ارائه و چاپ می‌شود، گزارش‌هایی نیز برای وزارتخانه ارسال می‌شود؛ در این دوره، کار آمایش آموزش عالی نیز در استان توسط این دفتر انجام شد تا بتوان برای آینده‌ی آموزش عالی در خوزستان برنامه‌ریزی‌های لازم را انجام داد. زادکرمی گفت: در سال گذشته پس از بررسی وضعیت برخی مراکز آموزش عالی استان، خط‌راهی به این مراکز برای ارتقای سطح علمی داده شد و در صورتی که نتوانند جایگاه خود را ارتقا داده و یا حفظ کنند، این مراکز تعطیل خواهند شد. هدف از نظارت‌های انجام‌شده در این دفتر، ارتقای سطح کیفی دانشگاه‌های استان است، زیرا جایگاه آموزش عالی در استان با ایده‌آل‌ها فاصله دارد.

فناوری، آموزشی و تحصیلات تکمیلی، فرهنگی و اجتماعی، معاونت دانشجویی و اداری و مالی و بررسی وضعیت فعالیت‌های این واحدها است.

وی افزود: بخش دیگری از وظایف دفتر نظارت، سنجش و ارزیابی دانشگاه، جمع‌آوری آمار دانشگاه در سه جلد بزرگ به عنوان کارنامه‌ی آماری و آمارنامه‌ی سالانه برای سازمان‌ها و دانشگاه‌ها است. واحد آماری دانشگاه از سال ۱۳۷۶ فعالیت‌های خود را آغاز کرده است. واحد ارزیابی دانشگاه نیز یکی دیگر از بخش‌های این واحد است که عملکرد دانشگاه را بررسی می‌کند. زادکرمی ادامه داد: یکی از فعالیت‌های دانشگاه، نظارت و ارزیابی استانی است که طبق دستور وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، نظارت بر تمامی زیرنظام آموزش عالی در استان بر عهده‌ی واحد نظارت دانشگاه شهید چمران اهواز است. این بخش‌ها شامل دانشگاه‌های دولتی، آزاد، دانشگاه‌های وابسته به ادارات، دانشگاه‌های غیردولتی، پیام نور، علمی کاربردی، فرهنگیان و دانشکده‌های فنی و حرفه‌ای است.

وی گفت: در سال گذشته عملکرد ۱۱۶ دانشگاه از سوی این مرکز مورد بررسی و نظارت قرار گرفت که این دانشگاه‌ها شامل هفت دانشگاه غیرانتفاعی، هفت دانشگاه فرهنگیان، ۳۰ دانشگاه

علمی کاربردی، پنج آموزشکده‌ی فنی و حرفه‌ای، ۲۸ دانشگاه آزاد و سماء، ۳۱ دانشگاه پیام نور و هشت دانشگاه دولتی است. هر کدام از تیم‌های نظارتی شامل دو عضو هیات علمی و یک کارشناس است که کل اطلاعات و ساختار، از فضای کالبدی آموزش، کلاس‌ها و تعداد اعضای هیئت علمی، مدرسان و کارشناسان را مورد بررسی قرار می‌دهد.

زادکرمی افزود: گزارش حاصل از این بررسی‌ها به شورای عالی گسترش وزارت علوم ارسال می‌شود و تمامی

مدیر دفتر نظارت، سنجش و ارزیابی دانشگاه شهید چمران اهواز بر ارتقاء جایگاه آموزش عالی استان با هدف ساماندهی نظارت و ارزیابی دانشگاه‌ها تاکید کرد.

در آستانه‌ی شصتمین سالگرد تاسیس دانشگاه شهید چمران اهواز، دکتر محمدرضا زادکرمی در گفت‌وگویی با یادگار، با اشاره به این‌که دفتر نظارت، سنجش و ارزیابی دانشگاه، سه وظیفه‌ی کلی برعهده دارد، گفت: یکی از وظایف این دفتر، نظارت بر ساختار دانشگاه در معاونت‌های پژوهشی و





مسجد شهیدا
جنب معاونت فرهنگی و اجتماعی
دانشگاه شهید چمران اهواز



Y A D G A R



دانشگاه شهید چمران اهواز
روایت عمومی

صاحب امتیاز:
روایت عمومی دانشگاه شهید چمران اهواز
مدیر مسئول: غلامحسین خواجه
سردبیر: ندا شفعی
مدیر اجرایی و دبیر تحریریه:
محمد امین صالحی نژاد
مشاور سردبیر: علی یاری
شورای نویسندگان: فاطمه کریمزاده
مرغیه باقری
نگارش: مصطفی غلامنژاد
مصطفی صالحی نژاد
مدیر هنری:
رضا عدیلی پور
گرافیک و صفحه آرایی:
گروه تبلیغات سورنا



پوشش شصتمین سالگرد تأسیس دانشگاه شهید چمران اهواز

شماره سوم / بهمن ۱۳۹۴

